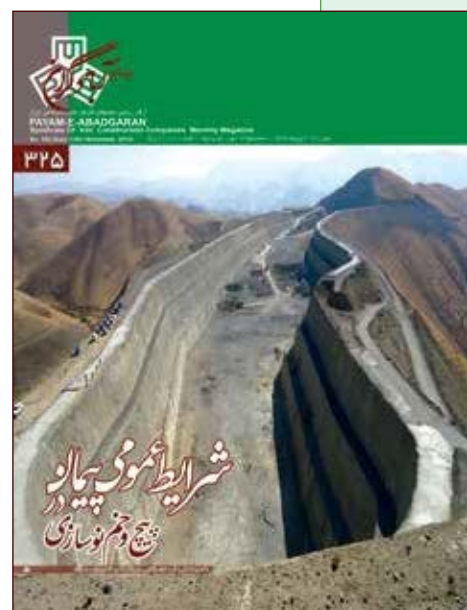




سال ۳۰ آبان ۱۳۹۳
شماره ۳۲۵ (دور جدید)

فهرست مطالب

- ۱۴ ۱. سرمقاله
- ۲۱ ۲. پرونده ویژه
- شرایط عمومی پیمان در پیچ و خم نوسازی - دکتر گلابتونچی
- پاسخ به سئوالات میزگرد شرایط عمومی پیمان - مهندس طبیب زاده
- نگاهی کوتاه بر پیش نویس شرایط عمومی پیمان جدید - مهندس روزی طلب
- نقدی بر ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان - دکتر بطحایی
- ۴۱ ۳. در ششمین نمایشگاه صنعتی سازی ساختمان: رواج صنعتی سازی
- ۴۲ ۴. پاگرد
- ۴۳ ۵. نشست هیأت مدیره با شورای عالی سندیکا
- ۴۶ ۶. آلودگی بیش از حد زیست محیطی تهران بزرگ و راه حل پیشنهادی - مهندس نادر عطائی
- ۴۷ ۷. مصاحبه با آقای قریب مدیرکل محترم درآمد حق بیمه سازمان تأمین اجتماعی
- ۵۱ ۸. خبر و نظر - تصویب صدور ضمانت نامه های بانکی برای افزایش صادرات
- ۵۲ ۹. گفتگو با آقای طاری بخش معاون محترم مالیات بر ارزش افزوده
- ۵۶ ۱۰. مکاتبات سندیکا
- ۶۲



صاحب امتیاز: انجمن شرکت های ساختمانی

مدیرمسئول: مهندس جواد خوانساری

کمیسیون انتشارات: مهندس علی ورزنده، مهندس محمود مصطفی زاده، مهندس عبدالعظیم گلچین، مهندس محمدعلی پورشیرازی، مهندس جهانگیر عصرآزاد
مهندس فرخ جمالی، مهندس مجتبی ضرابی، دکتر غلامرضا علی زاده

زیر نظر شورای سردبیری

عکس و صفحه آرایی: داود خانی حروفچینی، امور بازرگانی و اشتراك: فریبا پورآقا خبرنگار: آرزو نوری

امور آگهی ها: شقایق خواجه نصیری طوسی

لیتوگرافی و چاپ: اندیشه برتر تلفن: ۸۸۴۰۳۰۱۵-۸۸۴۰۳۰۱۶

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، بین میدان فلسطین و خیابان ولیعصر، خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی)، شماره ۸۶، ک. پ: ۱۴۱۶۹۶۴۶۹۱

تلفن: ۶۶۴۶۴۲۶۱-۶۶۴۰۲۰۳۷-۶۶۴۶۴۰۸۴ فکس: ۶۶۴۶۴۰۸۴

پست الکترونیکی: payam.abadgaran@acco.ir

نشانی الکترونیکی: www.acco.ir

نوشته های نویسندگان، لزوما نظرات نشریه نیست. نقل مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.

کمیسیون انتشارات در رد یا قبول مقالات ارسالی مختار می باشد و در ویرایش علمی، ادبی و خلاصه سازی آن مجاز است. در ضمن مقالات ارسالی عودت داده نمی شود

سقف اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از محل درآمد عمومی در بودجه سال ۹۴

اشاره:

بودجه بندی سال ۹۴ کشور در مرحله حساسی از شرایط سیاسی و اقتصادی روی میز دولت است به همین دلیل برای آن سه سناریو برای شرایط ویژه تعریف شده است. گرچه بنا بود بودجه بندی به روش عملیاتی تهیه شود ولی به دلیل عدم ارائه پیشنهاد بودجه به روش عملیاتی توسط دستگاه‌های اجرایی، این بودجه کماکان به روش بودجه ریزی متداول تنظیم شده و حاصل هماهنگی نظام برنامه ریزی با بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی است امیدواریم بررسی فعلی که بیشتر متمرکز روی اقلام هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای است، مدنظر بخش خصوصی و صنعت احداث باشد و امید است با مطالعه این سرفصلها، نظرات کارشناسی اعضای صنف و تشکلهای جهت انتشار و انعکاس در زمان بررسی بودجه به نشریه ارسال گردد.

در ابتدای طرح مسئله لازم است تعریفی از بودجه ارائه شود. بودجه سندی است که معاملات و دخل و خرج کشور، برای مدت معینی در آن پیش بینی و تصویب می‌شود. لذا می‌توان گفت بودجه دخل و خرج دولت در طول یک سال مالی است، وقتی صحبت از بودجه می‌شود به دلیل فراگیری در سطح کل کشور، به آن بودجه کل کشور می‌گویند که برنامه مالی دولت را برای یکسال مالی تهیه و تنظیم و تعریف می‌کند و حاوی پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه‌هاست و دارای سه قسمت است:

۱. بودجه عمومی دولت (این قسمت از بودجه خود شامل: الف) بودجه جاری، ب) بودجه عمرانی) است.

۲. بودجه شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت و بانکها

۳. بودجه مؤسساتی که تحت عنوانی غیر از عناوین فوق در بودجه منظور می‌شوند که به مؤسسات انتفاعی وابسته

به دولت معروفند.

بنا بر مطالب فوق می‌توان گزاره‌های زیر را در مورد بودجه به کار برد:

بنا بود تا پایان برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به تدریج زمینه‌های لازم برای تهیه بودجه به روش عملیاتی در کلیه دستگاه‌های اجرایی فراهم شود.
ولی حتی علی‌رغم درخواست معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی به دلیل نیاز این شیوه بودجه ریزی به قیمت تمام شده در برخی از دستگاه‌های دولتی چون امکان محاسبه آن نمی‌باشد لذا دستگاه اجرایی پیشنهاد بودجه ریزی عملیاتی خود را ارائه نکرده اند.

۱. بودجه برنامه مالی دولت است.

۲. بودجه برای یکسال مالی تهیه می‌شود.

۳. بودجه پیش‌بینی آینده است لذا پایه و مایه اصلی برنامه‌های توسعه کشور را تشکیل می‌دهد.

۴. بودجه دربرگیرنده کل درآمدها و هزینه‌های دولت در قالب بودجه عمومی، بودجه شرکت‌های دولتی و بودجه سایر مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت است.

۵. هزینه‌های بودجه سازوکاری است برای رسیدن به سیاستها و هدفهای معین و قانونی دولت

۶. بودجه، سندی است که باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

۷. بدون تهیه و تدوین بودجه دولت‌ها قادر به فعالیت نیستند.

شیوه‌نامه‌های بودجه نویسی

برای بودجه نویسی و بودجه ریزی روشهایی وجود دارد که به شرح زیر طبقه بندی می‌شود:



داده‌ها (Input) توجه شود، بودجه‌ریزی ستاده‌ها (Output) مطرح است، با کاربرد این نوع بودجه‌بندی می‌توان برنامه‌ریزی، طرح‌ریزی، بودجه‌نویسی، اطلاعات مدیریت، کنترل مدیریت و ارزشیابی برنامه‌ای را به هم مرتبط ساخت و به تجزیه و تحلیل هر یک از آنها پرداخت.

۶. بودجه‌ریزی عملیاتی: این نوع روش بودجه‌ریزی به منظور فرایند مرتبط ساختن

اقلامی را از بودجه باید حذف کرد و چه فعالیت‌هایی و براساس آن چه اقلامی را باید اضافه نمود. در این روش اولویت‌های بودجه را به شیوه بهتری می‌توان تعیین کرد.

۵. نظام بودجه‌بندی طرح و برنامه: در این نوع از بودجه‌ریزی محور اصلی امکان رسیدن به هدفها و نتایج نهایی عملیات دولت است. در این روش پیش از آنکه به بودجه

۱. بودجه‌ریزی متداول (سنتی)
۲. بودجه‌ریزی افزایشی
۳. بودجه برنامه‌ای
۴. بودجه بر مبنای صفر
۵. نظام طرح‌ریزی بودجه‌بندی (نظام بودجه‌بندی طرح و برنامه)
۶. بودجه‌ریزی عملیاتی

تعریف اجمالی هر یک از روشهای بودجه‌نویسی

۱. بودجه‌ریزی متداول: در این نوع بودجه‌ریزی، هدفها و تأکیدات، صرفاً به ابزار مالی و حسابداری دریافته و پرداخت‌های بخش دولتی استوار است و توزیع اعتبارات منحصراً معطوف به «دستگاه مواد هزینه منتهی می‌گردد» و نقش مجلس در بررسی بودجه فقط متوجه حفظ و کنترل مخارج در چارچوب اعتبارات مصوب می‌باشد.

در این سیستم با ملاحظه ارقام و اطلاعات مندرج در سند بودجه تشخیص اینکه دولت چه اعمالی را انجام می‌دهد و در قبال پولی که خرج می‌شود چه نتایجی را به دست می‌آورد، نشان داده نمی‌شود.

۲. بودجه‌ریزی افزایشی: در این روش با قبول بودجه سال گذشته توجه برنامه‌ریزان بر روی تغییرات افزایشی متمرکز می‌شود. بودجه سال گذشته به عنوان پایه‌ای برای مصارف جاری فرض شده و یک افزایش سالانه برای آن در نظر گرفته می‌شود.

۳. بودجه برنامه‌ای: در این نوع بودجه، اعتبارات بر حسب وظایف، برنامه‌ها و فعالیت‌های سازمان دولتی برای نیل به هدفها در سال مالی اجرای بودجه، پیش‌بینی و سپس تخصیص می‌یابد.

۴. بودجه‌بندی بر مبنای صفر: در این روش هزینه‌های سال پیش که به مصرف رسیده است به عنوان یک نقطه آغاز به حساب می‌آید کار بودجه‌نویسان این است که چه

در جدول شماره (۱) سقف اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از محل درآمد عمومی بر حسب امور و فصل در سال ۹۴

ارقام به میلیون ریال

شماره طبقه‌بندی	عنوان	هزینه‌ای	تملك دارایی‌های سرمایه‌ای
۱۰۰۰۰	امور عمومی	۹۷,۹۰۱,۶۲۹	۱۷,۱۴۲,۶۳۵
۱۰۱۰۰	فصل قانونگذاری	۳,۴۰۴,۸۱۹	۲,۵۹۳,۰۷۱
۱۰۲۰۰	فصل اداره امور عمومی	۲۲,۴۳۱,۴۳۴	۳,۱۷۵,۱۸۲
۱۰۳۰۰	فصل امور قضائی	۳۵,۶۷۱,۱۱۲	۴,۵۲۹,۵۰۳
۱۰۴۰۰	فصل خدمات مالی، فنی، مدیریت و برنامه‌ریزی	۱۶,۵۱۶,۳۱۰	۴,۲۶۴,۵۹۷
۱۰۵۰۰	فصل توسعه علوم و فناوری	۱۹,۸۷۷,۹۵۳	۲,۵۸۰,۲۸۱
۲۰۰۰۰	امور دفاعی و امنیتی	۲۰۸,۶۲۰,۵۲۱	۹,۹۱۱,۳۳۹
۲۰۱۰۰	فصل دفاع	۱۴۶,۱۵۷,۶۱۰	۶,۶۳۹,۶۴۷
۲۰۲۰۰	فصل نظم و امنیت عمومی	۶۲,۴۶۲,۹۱۱	۳,۲۷۱,۶۹۲
۳۰۰۰۰	امور اجتماعی و فرهنگی	۹۲۴,۵۴۷,۱۵۱	۵۶,۰۳۵,۴۴۱
۳۰۱۰۰	فصل آموزش	۲۹۳,۲۷۴,۹۱۲	۲۵,۲۶۷,۳۹۶
۳۰۲۰۰	فصل فرهنگ و هنر، رسانه‌های جمعی و گردشگری	۳۱,۵۴۵,۷۲۲	۱۲,۴۴۱,۱۱۵
۳۰۳۰۰	فصل بهداشت و سلامت	۱۴۰,۱۹۴,۲۶۰	۱۱,۵۱۳,۶۰۵
۳۰۴۰۰	فصل رفاه و تأمین اجتماعی	۴۵۶,۰۵۴,۶۱۷	۱,۹۷۰,۶۷۱
۳۰۵۰۰	فصل تربیت بدنی	۳,۴۷۷,۶۴۰	۴,۸۴۲,۶۵۴
۴۰۰۰۰	امور اقتصادی	۳۶,۰۳۲,۹۵۱	۲۱۲,۶۷۹,۵۶۸
۴۰۱۰۰	فصل کشاورزی و منابع طبیعی	۱۸,۰۹۰,۰۵۱	۱۳,۳۲۴,۶۷۹
۴۰۲۰۰	فصل منابع آب	۱,۱۰۴,۱۳۰	۵۰,۴۴۵,۳۳۲
۴۰۳۰۰	فصل صنعت و معدن	۲,۲۶۲,۸۳۰	۷,۰۹۹,۲۹۰
۴۰۴۰۰	فصل محیط زیست	۱,۳۲۴,۷۲۴	۱,۱۲۴,۰۴۵
۴۰۵۰۰	فصل بازرگانی و تعاون	۵,۴۹۶,۲۲۳	۹۵۸,۹۹۳
۴۰۶۰۰	فصل انرژی	۱,۲۹۰,۹۸۰	۲۰,۲۸۹,۶۵۱
۴۰۷۰۰	فصل حمل و نقل	۴,۴۴۲,۵۸۰	۶۵,۶۱۱,۹۶۴
۴۰۸۰۰	فصل ارتباطات و فناوری اطلاعات	۵۰۵,۹۶۸	۳,۱۸۷,۵۹۳
۴۰۹۰۰	فصل مسکن و عمران شهری، روستایی و عشایری	۱,۵۰۵,۴۶۵	۵۰,۶۳۸,۰۲۱
	جمع کل	۱۲,۲۶۷,۱۰۲,۲۵۱	۲۹۵,۷۶۸,۹۸۲

هزینه‌ها و نتایج به کار می‌رود. توضیح اینکه بنا بود تا پایان برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به تدریج زمینه‌های لازم برای تهیه بودجه به روش عملیاتی در کلیه دستگاه‌های اجرایی فراهم شود. ولی حتی علی‌رغم درخواست معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی به دلیل نیاز این شیوه بودجه‌ریزی به قیمت تمام شده در برخی از دستگاه‌های دولتی چون امکان محاسبه آن نمی‌باشد لذا دستگاه اجرایی پیشنهاد بودجه‌ریزی عملیاتی خود را ارائه نکرده اند. البته دستگاه‌هایی که از این نوع بودجه‌بندی استفاده کنند می‌توانند از مزایای آن نیز برخوردار شوند.

در جدول شماره (۱) بودجه عمومی دولت به تفکیک سرفصلهای هزینه‌های جاری و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به شرح زیر ارائه شده است. با این توضیح که در این جدول، هزینه‌های متفرقه بودجه عمومی دولت منظور نشده است.

نگاهی اجمالی به سقف اعتبارات هزینه‌ای و تملک داراییهای سرمایه‌ای از محل درآمد عمومی بر حسب امور و فصل در بودجه سال ۹۴ همانطوریکه از جدول شماره (۱) مشخص می‌شود بودجه عمومی پیشنهادی کشور برای سال ۹۴ بالغ بر ۱,۵۶۲,۸۷۱,۲۳۳ میلیارد ریال است که از آن حدود ۱,۲۶۷,۱۰۲,۲۵۱ میلیارد ریال آن را بودجه جاری و حدود ۲۹۵,۷۶۸,۹۸۲ میلیارد ریال دیگر را بودجه عمرانی و یا به بیانی بهتر بودجه تملک داراییهای سرمایه‌ای تشکیل می‌دهد با بررسی دقیق تر جدول فوق مشخص می‌گردد که حدود ۸۱ درصد بودجه عمومی پیشنهادی، به بودجه جاری و حدود ۱۹ درصد آن به بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و با مسامحه به بودجه عمرانی تعلق دارد.

* در مراحل پایانی این سرمقاله مشخص شد که بودجه عمومی دولت در سال ۹۴ به حدود ۲۲۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است.

مشکلات بودجه سال ۹۴

۱. کاهش قیمت جهانی نفت: پیش‌بینی می‌شود قیمت نفت از حدود ۱۰۴ دلار در سال ۹۳ به حدود ۷۰ تا ۸۰ دلار در سال ۹۴ برسد. به بیانی این کاهش حدود ۸ تا ۱۰ درصد کسری در بودجه ایجاد خواهد کرد. یعنی کاهش حدود ۲۰ درصدی درآمدهای نفتی را در پی دارد.

۲. در سال ۹۴ سازوکارهایی موجب افزایش قدرت دلار خواهد شد لذا در محاسبه بودجه، افزایش قدرت برابری نرخ دلار باید لحاظ شود. (به بیان دیگر تعیین بودجه با یک رقم دلاری ثابت اشکال دارد و ارزش آن مهم است.)

۳. در بودجه پیشنهادی بنا بود قانون ۳۰ به ۷۰ بین بودجه عمرانی و بودجه جاری برقرار شود ولی با توجه به جدول ارائه شده این رقم به میزان ۱۹ به ۸۱ تقلیل یافته است. مگر بخشی

از آن احتمالاً در بودجه هزینه‌های متفرقه آورده شود که در جدول شماره (۱) منظور نشده است.

۴. در گذشته به طور متعارف عملکرد بودجه حدود ۳۵ درصد با قانون بودجه انحراف داشت در بودجه سال ۹۴ باید این انحراف از معیار با انضباط مالی پوشش داده شود.

۵. در بودجه سال ۹۴ قیمت دلار ۲۶۵۰ تومان در نظر گرفته شده است که احتمالاً این نرخ برابری افزایش خواهد یافت و در مرز ۲۸۰۰ تا ۲۸۵۰ تومان قرار می‌گیرد لذا محاسبه دقیق آن و اثر آن در بودجه باید لحاظ گردد.

۶. از آنجایی که کماکان بودجه متکی به درآمدهای نفتی

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی بودجه عمرانی مصوب و بودجه

عمرانی عملکردی طی سالهای ۷۶ تا ۹۴

ارقام به میلیارد تومان

سال	بودجه عمرانی مصوب	بودجه عمرانی عملکردی	درصد تحقق
۷۶	۳۰۳۲	۲۰۲۹	۶۷
۷۷	۲۴۵۹	۱۷۶۶	۷۲
۷۸	۲۹۵۴	۲۷۲۰	۹۲
۷۹	۲۶۳۸	۲۲۴۵	۸۵
۸۰	۳۶۶۲	۲۳۵۱	۸۵
۸۱	۷۲۶۸	۵۴۰۳	۷۴
۸۲	۸۵۲۱	۵۷۷۷	۶۸
۸۳	۹۹۱۶	۵۷۵۲	* ۵۸
۸۴	۱۳۸۴۱	۱۱۰۷۴	۸۰
۸۵	۱۷۶۱۰	۱۳۸۱۳	۷۸
۸۶	۱۸۴۴۴	۱۴۱۷۱	۷۷
۸۷	۲۱۴۰۰	۲۰۳۷۸	۹۵
۸۸	۲۸۳۹۵	۱۷۴۱۰	۶۱
۸۹	۳۱۶۹۰	۲۰۶۴۱	۶۵
۹۰	۳۴۹۷۵	۲۴۹۱۳	۶۵
۹۱	۳۹۷۴۶	۱۱۱۲۴	۲۸
۹۲	۳۷۲۷۲	۱۱۰۰۰	۲۹/۵
۹۳	۳۷۸۰۰	—	۲۷ درصد در نیمسال
۹۴	۵۰۰۰۰	—	پیشنهادی

است لذا درآمد نفت با حداقل سه ماه تأخیر وارد خزانه کشور می‌شود، اثرات این تأخیر در روندها و فرایندهای بودجه باید مدنظر قرار گیرد.

۷. چون به دلیل کاهش قیمت جهانی نفت همانطوریکه اشاره شد کسر بودجه خواهیم داشت. لذا برای کنترل آن باید تخصیص ۹ ماهه سال جاری نیز کنترل شود زیرا در حال حاضر حدود ۷۵ درصد اعتبارات مصوب در ۹ ماه سال باید پرداخت شود تا آثار آن به بعد موکول نگردد.

و با توجه به عدم تحقق ۱۰ درصدی منابع در هر ماه باید متناظر با آن زیر ۷۰ درصد پرداخت داشته باشیم.

۸. وزارت نفت سالانه حدود ۴۵ هزار میلیارد تومان از درآمد خود را برای یارانه پرداخت می‌کند در بودجه سال ۹۴ باید حدود ۵۰ درصد از این یارانه کسر شود. دهک ۶ به بالا از دریافت یارانه معاف شوند با این اقدام حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان صرفه‌جویی به وجود می‌آید، پیشنهاد می‌شود این منابع صرفه‌جویی شده صرفاً برای تولید و پروژه‌های عمرانی اختصاص داده شود.

۹. عدم اجرای بخشنامه‌های بودجه‌ای دولت توسط دستگاه‌های دولتی می‌بایستی برای یکبار به طور قطعی حل شود و دستگاه‌ها موظف به اجرای بخشنامه‌های صادره بودجه‌ای دولت باشند.

۱۰. برخی نهادها برای پاره‌ای از کارکردها و وظایف ایجاد می‌شوند و پس از چند سال مأموریت آنها پایان می‌پذیرد ولی کماکان برای آنها بودجه تخصیص می‌یابد باید بودجه این قبیل نهادها حذف شود.

۱۱. پاره‌ای از نهادها هیچگونه خدماتی ارائه نمی‌کنند ولی خود را به بودجه دولت متصل می‌کنند. بودجه این قبیل نهادها نیز باید حذف شود.

۱۲. در تعیین درآمدها برای بودجه دقت شود در بسیاری موارد در سالهای گذشته ارقام

درآمدهای پیش‌بینی شده محقق نشده است و گاهی تا ۳۵ درصد انحراف از قانون داشته است که بخش بزرگی از آن مربوط به پیش‌بینی درآمدها می‌باشد.

۱۳. به طور غیرمستقیم از خام‌فروشی نفت برای تأمین بودجه پرهیز شود و تدوین بودجه بدون نفت مدنظر قرار گیرد.

حساب صندوق توسعه ملی جداسازی شود و چنانچه درآمد نفت در هر بشکه از ۷۰ تا ۸۰ دلار

پیشنهاد می‌شود دولت دهکهای ۶ به بالا را از دریافت یارانه معاف نماید. با این اقدام حدود ۵۰ درصد یارانه‌بگیران حذف می‌شوند و حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان منابع مالی نصیب دولت می‌شود. در این زمینه دولت بدون رسانه‌ای کردن اقدام خود و با توجه به شناخت دهکهای پردرآمد در طول این مدت یارانه آنها را قطع نماید.

تجاوز کرد، مابه‌التفاوت آن حتماً به صندوق توسعه ملی واریز شود. (در سال گذشته سهم صندوق توسعه ملی حدود ۳۰ درصد بود) و در سال ۹۴ به احتمال قوی با کاهش سهم صندوق توسعه ملی مواجه خواهیم بود.

۱۴. وزارت نفت از کارفرمای بزرگ شدن پرهیز نماید و امور را در زمینه پروژه‌ها به ویژه بخش پیمانکاری آن را به بخش خصوصی واقعی واگذار نماید.

رویکردهایی که باید در بودجه سال ۹۴ مورد توجه قرار گیرد

۱. بررسی اثر بودجه سال ۹۴ بر روی درآمد افراد و بر مالیاتها، باید توسط مرکزی طرفی بررسی گردد و نتیجه این بررسیها و مطالعات گزارش

شود.

۲. در ضمن این مرکز در پایان سال بودجه دولت را مورد ارزیابی مجدد قرار دهد.

۳. مدیریت بدهیهای بخش دولتی در بودجه سال ۹۴ مورد توجه قرار گیرد و راههای عملیاتی برای آن دیده شود.

۴. همانطوریکه قبلاً اشاره شد هدفمندی یارانه‌ها به دهکهای نیازمند اختصاص یابد و دهکهای ۶ به بعد از دریافت یارانه کنار گذاشته شوند (۵۰ درصد یارانه‌بگیران فعلی)

در ضمن برای دهکهای نیازمند به جای پرداخت نقدی به نوعی برنامه‌ریزی شود که مبالغ آن صرف رفاه عمومی آنها گردد. از جمله حرفه و هنرآموزی، تهیه ابزار و وسایل کار، توسعه فعالیتهای خانگی و بازاریابی تولیدات، محصولات و خدمات آنها

در جهت تابع بهزیستی

۵. بخشی از صرفه‌جویی‌های ناشی از بند ۶ به افزایش سهم تولید از یارانه‌ها اختصاص یابد. سهم تولید از یارانه حدود ۲۴۰۰ میلیارد تومان بوده است (در گذشته ۷ میلیارد دلار با نرخ برابری ۷۰۰ تومانی یارانه به تولید پرداخت می‌شد)

۶. مطلقاً از بودجه عمرانی برای جبران کسری بودجه جاری استفاده نشود. در برخی از سالها تا ۸۰ درصد بودجه عمرانی برای تأمین منابع مالی برای بودجه جاری جابجا شده است که آثار تخریبی آن، باقی ماندن حدود ۳ هزار طرح نیمه‌تمام است که جدول شماره (۲) این واقعیت برداشت را از سال ۷۶ لغایت ۹۲ نشان می‌دهد. در ضمن بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به تفکیک بودجه عمرانی و غیر آن (بودجه اقلامی که بیش از یکسال در ستون دارایی‌ها لحاظ می‌شوند)، در جداول بودجه نوشته شود تا بودجه با شفافیت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد.

۷. در بودجه سال ۹۴ مناسبتر است قیمت نفت ۸۰ دلار محاسبه گردد.

۸. برای ۵ درصد افزایش تولید نفت با ۲۰ درصد کاهش قیمت مواجه شدیم باید در این زمینه از هماهنگیها و لابی‌های اثرگذار در فرایند برنامه افزایش قیمت، بهره‌گیری شود تا عوارض آن به حداقل و فواید آن به حداکثر ارتقاء یابد.

در تأیید آنچه گفته شد با ارزیابی بیشتر رئیس جمهور محترم در جلسه اخیر هیأت دولت اظهار داشتند که ۳۰ درصد کسری بودجه ناشی از کاهش درآمد نفت وجود دارد. لذا لازم است راه‌های برون‌رفت از کسر بودجه به نوعی اجرایی شود که آثار توری نداشته باشد در ضمن اجرای پروژه‌های عمرانی متوقف نگردد بنابراین پیشنهادهای زیر می‌تواند در این زمینه کارساز باشد.

پیشنهادها:

۱. بودجه بایستی انضباطی تهیه شود تا منابع بودجه در امور پیش‌بینی شده هزینه شود و جایجایی در آن ممکن نباشد. در ضمن در هزینه‌های جاری انقباضی در هزینه‌های عمرانی انبساطی تدوین گردد.

۲. برای جبران کسری بودجه احتمالی سال ۹۴ از بانک مرکزی استقراض نشود (این راهکار در کوتاه‌مدت مشکلی ایجاد نمی‌کند) ولی در بلندمدت هم پایه پولی را افزایش می‌دهد و هم تورم را در سطح بالایی نگه می‌دارد.

۳. افزایش درآمدها برای جبران کسری بودجه از طریق دریافت دقیق مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم به ویژه مالیات بر ارزش افزوده واقعی عملی گردد. البته این راهکار برای شرایط رکود توری توصیه نمی‌شود زیرا در شرایط رکود توری باید

مکانیزم‌ها طوری تعبیه شوند که فشار مالیاتی و بار آن به تولیدکنندگان وارد نشود. (بنابراین می‌توان تولیدکنندگان را به نوعی مستثنی کرد)

۴. شناسایی آن بخش از فعالان حقیقی و حقوقی اقتصادی که فرار مالیاتی دارند، برآورد می‌شود بین ۴۰ تا ۴۵ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی وجود دارد و مجاب کردن آنها به پرداخت مالیات

۵. تنها ۵۰ درصد جامعه هدف مالیات پرداخت می‌کنند در صورتیکه در کشورهای دیگر این رقم بسیار بیشتر است؛ به طوری که در ترکیه ۸۰ درصد جامعه هدف مالیات پرداخت می‌کنند، لذا با افزایش مالیات دهندگان و کاهش معافیتها اتکا بودجه به درآمدهای نفتی را باید کاهش داد شناخت تمامی دستگاه‌های حکومتی و شبه‌دولتی که یا مالیات نمی‌پردازند و یا از معافیت‌های مختلف برخوردارند باید آنها را برای پرداخت مالیات به نظام مقدس جمهوری اسلامی پیشقدم نمود ضمن اینکه سازمان مالیاتی نیز با شناسایی آنها باید برای این مجموعه پرونده مالیاتی تشکیل دهد.

۶. همانگونه که اشاره رفت از طریق اصلاح فاز سوم هدفمندی یارانه پیشنهاد می‌شود دولت دهکهای ۶ به بالا را از دریافت یارانه معاف نماید. با این اقدام حدود ۵۰ درصد یارانه‌بگیران حذف می‌شوند و حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان منابع مالی نصیب دولت می‌شود. در این زمینه دولت بدون رسانه‌ای کردن اقدام خود و با توجه به شناخت دهکهای پردرآمد در طول این مدت یارانه آنها را قطع نماید.

۷. دولت می‌تواند بخشی از کسری را از طریق اصلاح قیمت حاملهای انرژی جبران نماید.

به منظور جبران کاهش قیمت جهانی نفت

ضمن حفظ سهمیه صدور نفت خام، از فرآوری نفت خام به محصولات دارای ارزش افزوده بالا و صدور آن در دستور کار قرار گیرد.

۸. برداشت از صندوق توسعه ملی با این شرط که موارد برداشتی صرف امور تولیدی و زیرساختهای توسعه‌ای شود مجاز اعلام گردد. (این عمل با سازوکار استقراض از ثروت ملی باید عمل شود)

۹. افزایش قیمت ارز (با حذف نرخ مبادلاتی و با شناورسازی قیمت آن دولت می‌تواند درآمد خود را از طریق فروش ارز آزاد بالا ببرد و از این طریق هم قیمت ارز یکسان می‌شود و هم خزانه منابع مالی کسب می‌کند) ضمن آنکه برای آثار توری آن تمهیداتی اندیشیده شود.

۱۰. فروش و واگذاری بخشی از دارایی‌های دولت به بخش خصوصی واقعی که با این اقدام هم کارآفرینی رشد می‌یابد و هم دولت منابع مالی لازم به دست می‌آورد.

۱۱. انتشار اوراق خزانه این اوراق را می‌توان برای بخش عمرانی بودجه بکار گرفت تا به جای استفاده از روشهای توری با پس‌اندازهای مردم این بخش از امور تکمیل و به بهره‌برداری برسد.

۱۲. اخذ مالیات از صاحبان سرمایه بالطبع از سرمایه‌گذاران چه در بازارهای پولی و چه در بازارهای مالی نیز باید مالیات اخذ شود.

آنچه در جدول پیوست این بررسی آمده است مربوط به بودجه عمومی کشور است و به طور معمول بین ۷۰ تا ۷۲ درصد بودجه کل کشور را بودجه بانکها دولتی، شرکتهای دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت تشکیل می‌دهد که در گام بعدی بودجه کل کشور آنها را نیز مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد.



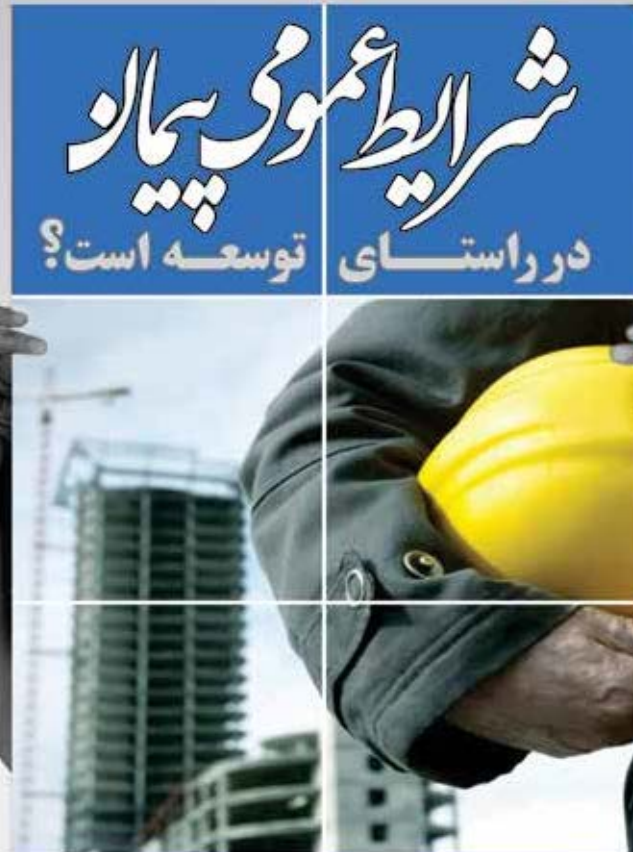
انجمن رسمی سنجشگران شرکت‌های ساختمانی ایران

PAYAM-E-ABADGARAN

Syndicate Of Iran Construction Companies Monthly Magazine

سال ۱۳۹۳ | شماره ۳۲۴ (نویسنده: ۲۴ خرداد ۱۳۹۳) | قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال | No. 324, Mehr 1393 (November, 2014)

۳۲۴



پوزش و اصلاح به استحضار می‌رسد:

در مباحث ماهنامه شماره ۲۳۴ پیرامون شرایط عمومی پیمان در فرازی از بیانات جناب آقای مهندس ملکبانی فرد ریاست محترم هیأت مدیره سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران به دلیل سهوی که در انتقال گزاره مفهومی «هیأت سه نفره کارشناسی» پیش آمد، بیانات گوینده که گزاره آن جنبه منفی داشته است به صورت مثبت آورده شده است. ضمن پوزش از ریاست محترم هیأت مدیره سندیکا مراتب بدینوسیله اصلاح می‌گردد. بدیهی است سعی وافر به عمل خواهد آمد که بعد از این چنین مواردی تکرار نشود. کمیسیون انتشارات و روابط عمومی



تاریخ: ۹۳، ۸، ۲۶
۹۳- ۴۹۰۹۴

بسمه تعالی

معاونت محترم برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهور
جناب آقای دکتر محمد باقر نوبخت

باسلام و احترام

به استحضار حضرتعالی می‌رساند به زعم امضاءکنندگان ذیل، شرایط عمومی پیمان پیش نویس شده نه تنها با نتایج حاصل از عملکردی و تلاش چندساله جمعی از کارشناسان و نخبگان و این امر مطابقت ندارد، بلکه سازندگی کشور را با بن بست مواجه می‌کند. لذا جدا استدعا دارد دستور فرمایند:

"از امتیاز این سند حیاتی صنعت احداث در وضعیت تدوین شده کنونی و قبل از اعمال اصلاحات مورد نظر سند گامی ننش
خصوصی خودداری فرمایند."




انجمن صنعتی شرکت‌های پیمانکاران سیمان و تجهیزات سمنت پختن ایرانی

انجمن شرکت‌های مهندسی و پیمانکاری نفت، گاز و پتروشیمی




انجمن شرکت‌های ساختمانی ایران

جامعه مهندسان مشاور ایران

انجمن شرکت‌های راهسازی ایران
انجمن شرکت‌های راه سازی ایران

رونوشت: حضور معاونت محترم نظارت راهبردی - جناب آقای مهندس شافعی جهت استحضار



شرایط عمومی پیمان در پیچ و خم نوسازی



ایرج گلابتونچی

عضو هیات مدیره و رئیس کمیسیون فنی سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران
عضو هیات مدیره و معاونت فنی شرکت بین المللی پیمانکاری استراتوس

خاتمه یافته، اکنون شرایط عمومی پیمانی در دسترس باشد که از بونه آزمایشها و نقدهای متعدد به سلامت گذشته و با رفع نواقص و ابهامات موجود در آن، به سندی کامل و جامع تبدیل گردیده باشد. براین اساس داشتن متنی روشن، شفاف و به دور از هرگونه تناقض، ابهام و چالش از ضروریات انکارناپذیر متن شرایط عمومی پیمان است. وجود چنین متنی قطعاً و بدون تردید می تواند تسهیل و تسریع

کارهای اجرایی انکارناپذیر است. از سوی دیگر وظیفه ایجاد وحدت رویه در کلیه کارهای اجرایی، بویژه از منظر حقوقی و قانونی به شرایط عمومی پیمان سپرده شده است. این نقش مهم و بی بدیل، باعث می گردد تا شکل گیری قراردادهای اجرایی، بدون نشستن این شرایط در متن آنها عملاً امکان پذیر نباشد. بدون تردید انتظار درست و به جایی است که با این پیشینه و با این حجم قراردادهای

بیش از نیم قرن است که شرایط عمومی پیمان، بخش جدایی ناپذیر قراردادهای پیمانکاری در ایران است. بخشی از قرارداد که اساساً تعیین کننده حدود اختیارات و مسئولیتهای ارکان طرح می باشد. تعیین ساز و کارهای مختلف اجرای کار و روابط فیما بین عوامل درگیر در اجرای قرارداد نیز از مفاد این سند مهم ملی است. بر این اساس نقش برجسته شرایط عمومی پیمان در به ثمر رسیدن یک قرارداد و اتمام



▲ نمایی از مخزن بالایی نیروگاه تلمبه ذخیره ای سد آزاد - شرکت بین المللی استراتوس



▲ نمایی از سد آزاد در استان کردستان - شرکت بین‌المللی استراتوس



در کارها را باعث گردد. سوال اساسی و مهم پیش روی دستگاههای اجرایی، مهندسان مشاور و ناظرین بر قراردادهای ساخت و پیمانکاران سازنده این است که متن شرایط عمومی پیمان حاضر که در سوم خرداد سال ۱۳۷۸ و تحت عنوان نشریه شماره ۴۳۱۱ از سوی معاونت امور فنی سازمان برنامه و بودجه سابق با اعمال اصلاحاتی در متن شرایط عمومی پیمان پیش از آن، تدوین و ابلاغ شده است، چنین متن شفافی است یا خیر؟ آیا ابهامات و نواقص موجود در آن به گواه آنانی که با این شرایط عمومی پیمان سرو کار داشته اند و اغلب کارهای اجرایی را با تحویل قطعی به اتمام رسانیده اند، به ترتیبی است که بتوان با اعمال اصلاحاتی در آن، متن موجود را غنی تر کرد یا در فضای کاری امروز، نوسازی تنها چاره کار است؟ آیا با نقدهای سازنده ای که پیمانکاران به ترتیبی و دستگاههای اجرایی و مشاوران به ترتیبی دیگر بر شرایط عمومی پیمان فعلی دارند، اصلاح بر مبنای این نگاه های ناقدانه کافی نیست؟

پاسخها عموماً مختلف است و کم نیستند کسانی که اصلاح شرایط عمومی پیمان و رفع نواقص آن را کافی می دانند. این گروه اساساً معتقدند با توجه به حجم کارهای اجرایی انجام شده با این شرایط عمومی، از جمله کارهای بزرگی چون سدهای کارون ۴، گتوند، راه آهن اصفهان-شیراز و... اصلاح موارد بحث برانگیز و مساله دار آن کافی است و نوسازی در این مقوله نقطه، سرخط است. اما با همه

این تفاسیر به نظر می رسد کارشناسان و متولیان امر در معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، نوسازی را چاره کار می دانند.

چنین برداشتی و یا به تعبیر بهتر چنین خواستی نیز در صورتی که محور کارها توسعه عدالت، تسهیل در کارها و رعایت حقوق طرفین قرارداد با تهیه متنی شفاف و عاری از مشکلات فعلی باشد، نه تنها اشکالی ندارد که بسیار هم مقدس و ستودنی است. نوسازی حتی اگر شروع از سرخط دیگری باشد ولی مبنای آن تجارب گرانسنگ حاصل از کارهای قبلی، باز هم پذیرفتنی است. این ایده ستودنی، باعث شد تا جمع فرهیخته و با تجربه ای از کارشناسان شاغل در بخشهای گوناگون کارهای اجرایی از سازمان متولی تدوین کننده گرفته تا دستگاههای اجرایی، مشاورین و پیمانکاران بیش از دو سال گرد هم آیند و هم اندیشی کنند. سطر به سطر شرایط عمومی پیمان موجود را بخوانند و نظرات خود را بازگو کنند و نقایص و کاستیها را به نظر خود

داشتن متنی روشن، شفاف و به دور از هرگونه تناقض، ابهام و چالش از ضروریات انکارناپذیر متن شرایط عمومی پیمان است. وجود چنین متنی قطعاً و بدون تردید می تواند تسهیل و تسریع در کارها را باعث گردد.

بزدایند تا اجماع حاصل آید. نتایج حاصل از جلسات هم اندیشی بخوبی نشان می داد، بکارگیری دانش، تجربه و خرد جمعی در چنین شرایطی و نگاه از زوایای مختلف به متن موجود شرایط عمومی پیمان از یک سو و نقد رو در روی آن در جمع خبرگان و اهل فن و بحثهای سنگین تخصصی از سوی دیگر، نهایتاً منجر به حصول متنی می شد که مقبولیت عامتری داشت. این مقبولیت عام نشان می داد که عدالت در متن، توسعه بهتری یافته بود و انجام کارها بر مبنای چنین متنی می توانست خردمندانه تر و البته بهتر پنداشته شود.

نمایندگان معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری نیز پای ثابت این جلسات بودند و مشاور معتمدی نیز مسئول اعمال اصلاحات و تهیه متن نهایی بود. دیگر همه باور داشتند که نوسازی شرایط عمومی پیمان در حال گذر از آخرین پیچ و خم های خود است. همه منتظر بودند تا سازمان متولی با انتشار متن نهایی، انتظارها را پایان بخشد و شرایط جدید را در طرحهای تازه بیازماید. با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید که مسیر اعتدال را در پیش گرفته است، امید به تسریع در انتشار این سند مهم ملی که در پرتو جلسات هم اندیشی حاصل شده بود، بیش از پیش فزونی یافت. اما در اقدامی تعجب برانگیز سازمان متولی با کم توجهی به آنچه در دو سال جلسات کارشناسی، گذشته بود به جای اقدام به انتشار متن کارشناسی شده، راهی دیگر در پیش گرفت و سر رشته نوسازی این سند ملی را به تنهایی در دست گرفت.



اعتراض سندیکا و نقدها، ایرادات و پیشنهادات سازنده ارائه می شد. خبرهایی نیز به صورت مرتب می رسد که مشاورین و ناظرین و حتی دستگاه های اجرایی نیز ایرادات و اعتراضات خود را مرتباً بیان داشته اند.

اما کماکان در، برهمان پاشنه می چرخد و متولیان امر گوشه های خود را گرفته اند و نمی شنوند و صد افسوس که اصرار به انتشار نسخه خود دارند. حتی انتشار این نسخه را علیرغم عدم مقبولیت و رضایت طرفین قرارداد، کار مهم و بزرگی می دانند، حال آنکه ما و مجریان طرح های عمرانی باید این شرایط عمومی پیمان را اجرا کنیم که امکان پذیر نیست.

در حالی که به نظر می رسد موج نارضایتی از این اقدام امور نظام فنی، باعث گردیده ادامه این روند به هدف هم اندیشی مجدد و تهیه متنی مناسب و مقبول تر معطل بماند، اما متأسفانه متن کامل این شرایط عمومی پیمان پر نقص و مشکل ساز، بدون کمترین تغییر و توجه به نظرات مخالفین و منتقدین، در تاریخ ۹۳/۸/۲۸ برای ابلاغ تقدیم دفتر معاونت محترم نظارت راهبردی ریاست جمهوری شد. اکنون تنها امید دستگاه های اجرایی، مشاورین و پیمانکاران برای عدم ابلاغ چنین متن بحث برانگیزی، معاونت محترم برنامه ریزی ریاست جمهوری است.

اما واقعاً مشکل یا مشکلات متن نوسازی شده شرایط عمومی پیمان که امور نظام فنی معاونت راهبردی با چنین شتاب و تعجیلی اصرار به ابلاغ آن دارند، چیست؟ چرا

کارشناسان پس از خواندن متن فوق پشیمان از تلاش شدن بودند و مس شدن را مرحمت می دانستند و به خود و دیگران می گفتند دعا کنید پروردگار رحمان نگهدار شرایط عمومی پیمان فعلی باشد. گروهی نیز نظر داشتند، باید ایرادات را بیان داشت تا متن بهتری حاصل آید.

در نخستین گام ایرادات اساسی و نکات ناعادلانه پیش نویس مذکور در چهار صفحه از سوی سندیکای شرکتهای ساختمانی

متولیان امر بدون شک می دانند یک سند ملی و مهم باید با رعایت اختصار و با نوشتاری مناسب و با ادبیات فنی - حقوقی درست تهیه و تدوین شود. اما تعجب در این است که این همه شتاب برای انتشار این چنین پیش نویس پراشکال و مساله داری برای چیست؟

با توجه به فرصت محدود و اندک موجود، ظرف ۲۴ ساعت تهیه و ارائه گردد. اما پیگیریها نشان می داد کارشناسان مسئول در امور نظام فنی، توجهی به این درخواستها و اعتراضات نشان نمی دهند و اساساً تمایلی به هم اندیشی و شنیدن نقدها و اشکالات ندارند. در کنار ارسال نامه و انعکاس برخی ایرادات به سازمان متولی و مسئولین امر، در جلساتی که فرصت بیان موضوع رو در روی با این مسئولین و متولیان حاصل می شد،

سندی که می بایست محور عدالت و باعث تراضی طرفین در انجام کارها باشد، با این شیوه جدید قطعاً نمی توانست از مقبولیت برخوردار باشد. خبرها حاکی از آن بود که کارشناسان محترم معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری به نظرات پیمانکاران به عنوان رکن اصلی سازندگی کشور کمتر توجه داشته و حتی نظرات دستگاه های اجرایی و مشاورین را نیز به سختی شنیده اند. پیمانکاران همچنان امید داشتند، این خبرها صحیح نباشد و همان خرد جمعی مینا قرار گیرد. اما پیگیریها و رایزنی های گسترده بعدی از سوی هیات مدیره سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران و شورای هماهنگی تشکلهای مهندسی، صنفی و حرفه ای کشور، حکایت از آن داشت که وقوع یک شرایط سخت با نوسازی یکسویه شرایط عمومی پیمان در صورت ابلاغ آن - در پیش است. داستان این بیم و امید اگرچه امروز نیز ادامه دارد اما حدود دوماه پیش بود که به پیوست نامه ریاست محترم امور نظام فنی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری به شماره ۷۸۸۰۹ به تاریخ ۹۳/۷/۷ نسخه ای از پیش نویس شرایط عمومی پیمان جهت اطلاع اعضای شورای هماهنگی تشکلهای مهندسی، صنفی و حرفه ای کشور ارسال شد. این نسخه تغییرات و نوسازی انجام شده از سوی امور نظام فنی از ماده ۱۶ تا ۵۳ را شامل می شد. حدس و گمانها درست بود این شرایط عمومی پیمان نه می توانست مقبولیت عام داشته باشد و نه حقوق طرفین قرارداد بهتر از قبل در آن رعایت شده بود. گروهی از





پیمانکاران و حتی مشاوران و دستگاههای اجرایی نسبت به انتشار این متن به این حد نگرانند؟ برای روشن تر شدن بحث چکیده وار برخی اشکالات عمده به شرح زیر است:

تطویل و تکرار در متن، کلی گویی، بیان مطالبی در عناوین برخی ماده‌ها که بی ارتباط به متن است و بالعکس، واگذاری غیرمعتدل و ناصواب مسئولیتها به یکی از طرفین قراردادهای، توصیه بر راهکارهای متعدد بدون توجه به سازوکار اجرایی آن، تناقص آشکار در طرح موضوعات مشابه، عدم رعایت انصاف و عدالت، نادیده انگاشتن و تزییع برخی حقوق قانونی طرفین قرارداد، توضیح واضحات در برخی مواقع و غافل شدن از اصل موضوع و بعضاً عدم رفع ابهام در مسائل اساسی و ایجاد ابهامات جدید، نگارش ادبی متن نیز بماند که بسیار نادرست و دور از انتظار است و در یک جمله حتی عادی ترین نکات فنی، حقوقی و نگارشی در تهیه چنین اسنادی در متن حاضر اصولاً رعایت نشده است.

متولیان امر بدون شک می دانند یک سند ملی و مهم باید با رعایت اختصار و با نوشتاری مناسب و با ادبیات فنی - حقوقی درست تهیه و تدوین شود. اما تعجب در این است که این همه شتاب برای انتشار این چنین پیش نویس پراشکال و مساله داری برای چیست؟ آیا قصدی در کار است تا پیمانکاران بویژه پیمانکاران بخش خصوصی نتوانند کار اجرایی را آغاز کنند و به سلامت به سرانجام برسانند؟ پس مسیر پرفراز و نشیب سازندگی در کشور که امید هموارتر شدن آن می رفت با این قصد و نیتها به کجا خواهد انجامید؟ درک نگرانی جامعه پیمانکاری و دست اندرکاران سازندگی در دنیای امروز ما می تواند کمک بسیار بزرگی به توسعه بهتر رفاه و آبادانی میهن عزیزمان داشته باشد. بهر حال امید است تا مسئولین محترم در معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی نیز با توجه و درک این نگرانی ها و همچنین شنیدن نقدهای منصفانه و

عمل به آنها، به بهتر شدن فضای کسب و کار و سازندگی، کمک شایانی بنمایند. در ادامه با ذکر مثالهایی از آخرین متن پیش نویس شرایط عمومی پیمان (دریافت شده در تاریخ ۹۳/۸/۲۸)، تلاش می گردد شواهدی برای نشان دادن برخی نواقص و ایرادات این متن پیش نویس ارائه گردد.

بهر حال مثالهای زیر به مصداق بارز «مشت نمونه خروار است» بخش کوچک و اندکی از ایرادات است و چنانچه فرصت به جلسات نقد و بررسی کارشناسی برسد یا فرصت تهیه نوشتاری دیگری حاصل آید، ذکر دیگر موارد نیز قطعاً می تواند میسر گردد.

مثالهایی از ایرادات شکلی و نگارشی:

ماده ۵ موافقتنامه

در ماده ۵ موافقتنامه بیان شده که شرایط و ترتیب حسن انجام کارها در دوره تضمین، مطابق ماده ۴۲ شرایط عمومی پیمان است. این متن دقیقاً از متن شرایط عمومی پیمان موجود برداشت شده است. در شرایط عمومی پیمان موجود ماده ۴۲ مربوط به مسئولیتهای دوره تضمین است، حال آنکه در پیش نویس امور نظام فنی

اما واقعاً مشکل یا مشکلات متن نوسازی شده شرایط عمومی پیمان که امور نظام فنی معاونت راهبردی با چنین شتاب و تعجیلی اصرار به ابلاغ آن دارند، چیست؟ چرا پیمانکاران و حتی مشاوران و دستگاههای اجرایی نسبت به انتشار این متن به این حد نگرانند؟

ماده ۴۲ مربوط به تحویل قطعی و ماده ۴۱ مسئولیتهای دوره تضمین است.

فهرست مطالب

از نظر فنون نگارشی مشخص نیست چرا در فهرست مطالب به عناوین مواد ۱ تا ۱۶ اشاره نشده و این فهرست از عناوین ماده ۱۶ شروع می شود. همچنین با توجه به صفحه بندی و شماره گذاری نهایی این سند، مشخص نیست بر خلاف شرایط عمومی پیمان موجود و شیوه مرسوم چنین اسنادی، چرا در فهرست عناوین شماره صفحه مربوط درج نشده است.

ماده ۱ توافق:

در ماده ۱ (صفحه ۱) در سطر یک به کلمه پیمان اشاره شده است در حالیکه تعریف پیمان طی ماده ۴ (صفحه ۳) آورده شده است. همچنین در همین ماده سطر ۲ به موافقتنامه، شرایط عمومی، خصوصی و ... اشاره شده است، حال آنکه تعریف مربوط به واژه ها و عبارات مهم از ماده ۴ به بعد ارائه شده است. بنابراین از نظر فنون نگارشی مندرجات ماده ۱ تا ۴ به نام کلیات می باید بعد از موارد ماده ۴ ارائه گردد. در



چنین شرایطی شماره مواد و زیر بندهای آن نیز قطعاً نیاز به بازنگری و اصلاح دارد.

ماده ۲- حقوق دولتی

شماره گذاری ماده ۲ دارای اشکال است. شماره ۲-۱ در ابتدای متن این ماده اضافی است.

بند ۴-۷- ابلاغ، تاریخ ابلاغ

متن ماده ۴ از نظر ادبی و شیوه نگارشی اشکال اساسی دارد و به سختی قابل درک است. برای چنین سند مهمی این نابسامانی ادبی به هیچ روی پذیرفتنی نیست. در خصوص ماده ۴-۸ و بندهای ۴-۱۰-۱ و ۴-۱۰-۲ نیز برای نمونه وضعیت چنین است. اشتباهات موضوعی و عنوانی نیز در متن وجود دارد به طوری که عنوان ماده ۵ کارفرما است، بند ۵-۱ از همان ماده هم با عنوان کارفرما است! عنوان ماده ۱۵ و بند ۵۳-۳ هر دو داوری است.

بند ۱-۱-۷- نظارت مستقیم یا نظارت مقیم

متن این بند نیز از نظر ادبی و فن نگارش اشکال دارد. ضمناً واژه دستگاه نظارت به دلیل جایگاه حقوقی و اهمیت اجرایی آن می باید جداگانه تعریف گردد.

ماده ۵۳ حل اختلاف

و بند ۲۱-۴ پوشش بیمه ای

مکرراً در این ماده و بند، به واژه «معاونت» اشاره شده است. الزاماً در بخش تعاریف و کلیات می باید نوشته شود منظور از واژه معاونت، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری است!

بندهای ۸-۲، ۸-۳، ۱۷-۱۵ و ۱۷-۱۷

درک نگرانی جامعه پیمانکاری و دست‌اندرکاران سازندگی در دنیای امروز ما می تواند کمک بسیار بزرگی به توسعه بهتر رفاه و آبادانی میهن عزیزمان داشته باشد. بهر حال امید است تا مسئولین محترم در معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی نیز با توجه و درک این نگرانی ها و همچنین شنیدن نقدهای منصفانه و عمل به آنها، به بهتر شدن فضای کسب و کار و سازندگی، کمک شایانی بنمایند.

هر ۴ بند مربوط به یک موضوع بوده و تکراری هستند. این بندها همگی اشاره به این دارند که پیمانکار پیش از آغاز عملیات نماینده خود که شخص واجد صلاحیتی است را بعنوان رییس کارگاه معرفی می کند.

بند ۱۸-۲-۹

در این بند منظور از عبارت «مهندس مشاور منتخب» مشخص نیست. چنین عبارتی می باید در بخش تعاریف شفاف سازی شود. ضمناً با توجه به محتویات بند ۱۸-۲-۹ تا داخل کاری بین مشاور (نظارت طرح) و مشاور منتخب چگونه رفع خواهد شد؟ آیا پذیرش نظر مشاور منتخب برای پیمانکار الزامی است؟ در صورت بروز اختلاف، رای کدام مشاور نافذ است و....

مثالهایی از کلی گویی و موارد ابهام آمیز

ماده ۲- حقوق دولتی

در این ماده بیان شده «در صورتی که شرایط کار، مالیات، عوارض، حق بیمه تامین اجتماعی و سایر حقوق دولتی، جزء آنهایی که هنگام امضای پیمان برقرار است، تغییر قابل ملاحظه ای نماید...» مشاهده می شود در این ماده منظور از سایر





حقوق دولتی و جزء آن هایی که هنگام امضاء پیمان برقرار است معلوم نیست. ضمناً مشخص نیست تغییر قابل ملاحظه به چه میزان است؟ این تغییر با چه معیاری قابل اندازه گیری و سنجش است. اصولاً از نظر قانونگذار چه تغییری قابل ملاحظه و چه تغییری غیر قابل ملاحظه محسوب می گردد.

ماده ۵- کارفرما

در بند ۵-۱- با عنوان کارفرما، بیان شده: « شخصی حقوقی ... که نسبت به پیش بینی منابع مالی در مدت پیمان اطمینان حاصل کرده ... » آیا صرفاً پیش بینی منابع مالی برای تهیه یک قرارداد از نظر حقوقی شرط کافی است یا باید نسبت به تامین منابع مالی اطمینان داشت. بیان این عبارت جز افزودن بر ابهامات بیشتر، چه سودی دارد؟

ماده ۲-۸- نماینده پیمانکار

در متن این ماده آمده «شخص حقیقی که ... مسئولیت اقدام های وی در چارچوب تعیین شده با پیمانکار است.» با توجه به مندرجات این ماده چارچوب اقدامات پیمانکار را چه کسی تعیین می کند؟ در کجای شرایط عمومی پیمان یا قرارداد حدود این اختیارات مشخص شده یا می شود. اساساً منظور از چارچوب تعیین شده چیست؟ با توجه به مندرجات ماده ۱۷ (بند ۱۷-۵) که نماینده پیمانکار همان رییس کارگاه است دیگر چه نیازی به نوشتن مندرجات بند ۲-۸ به عنوان بند مجزا می باشد.

مثالهایی از اشکالات و تناقضات فنی

ماده های ۴-۵- بازرس فنی

و ۱-۷- مهندس مشاور

مندرجات ماده های ۴-۵- بازرس فنی و ۱-۷- مهندس مشاور دارای تناقض است. در ماده ۴-۵- بیان شده بازرس فنی مسئولیت کنترل کیفی را دارد و طبق ماده ۱-۷- مهندس

مشاور مسئول نظارت کیفی است. بالاخره کدامیک مسئول هستند؟ اگر جواب هر دو است، آیا تداخل کاری جایز است؟! به نظر می رسد متن زیر بند ۴-۵ در خصوص بازرس فنی می باید دو باره نویسی و بازنگری شود.

ماده ۲-۸- نماینده پیمانکار

ماده ۳-۸- رییس کارگاه

و ماده ۱۷- کارکنان پیمانکار، مدیر پروژه

مطابق مندرجات ماده ۲-۸- پیمانکار می تواند یک نماینده با اختیارات مشخص به کارفرما علاوه بر رییس کارگاه (ماده ۳-۸) معرفی کند. عملکرد حقوقی و قانونی این دو نفر و عدم تداخل فعالیت های ایشان مشخص نیست. حدود کارهای این دو نماینده در شرایط عمومی پیمان تعیین و مشخص نشده است. از سوی دیگر در عنوان ماده ۱۷ با عنوان کارکنان پیمانکار به مدیر پروژه اشاره شده است. البته در هیچ کجای متن ماده ۱۷ وضعیت مدیر پروژه معلوم نیست.



جاده اصلی باغملک- هفتگل- شرکت بین المللی استراتوس

بنابراین بالاخره مشخص نیست که نماینده پیمانکار، رئیس کارگاه و مدیر پروژه چه وظایف و مسئولیتهایی در قبال یکدیگر و سایر ارکان طرح دارند.

ماده ۸-۴- پیمانکار فرعی و جزء

مندرجات متن بند ۸-۴-۱ و ۸-۴-۲ در خصوص تعریف پیمانکار فرعی و جزء نامفهوم بوده و فرق این دو واژه از نظر حقوقی و مندرجات شرایط عمومی پیمان به درستی مشخص نشده است. برای توضیح بیشتر در بند ۸-۴-۱ در خصوص پیمانکار فرعی آمده است: «شخص حقوقی که دارای تخصص، تجربه و توان برای انجام بخش های مشخصی از عملیات اجرایی موضوع پیمان است و پیمانکار برای انجام بخش های یاد شده با او قرارداد منعقد می کند».

در بند ۸-۴-۲ در خصوص پیمانکار جزء آمده است: «شخص حقیقی یا حقوقی که دارای تجربه و مهارت در انجام عملیات اجرایی بوده و پیمانکار برای اجرای جزئی از عملیات اجرایی موضوع پیمان با او قرارداد منعقد می کند».

اولاً تعریف تخصص و اختلاف تخصص و مهارت از نظر مندرجات شرایط عمومی پیمان چیست؟ مثلاً عملیات بتنی یک کار تخصصی است یا مهارتی؟ برای نمونه نصب شیرآلات و تجهیزات در کارهای ساختمانی و یا نصب تجهیزات در کارهای سد سازی تخصصی است یا مهارتی؟ معیار تشخیص چیست؟ اگر یکی از طرفین قرارداد یک موضوع را تخصصی نداند تکلیف چیست؟ آیا ایشان مجاز به کارگیری شخص حقیقی است؟ حال آنکه طرف مقابل در این خصوص می تواند نظر مخالف داشته باشد.

از سوی دیگر اگر محدوده کار پیمانکار فرعی یا جزء، بخش های مشخص از عملیات باشد، از نظر حقوقی صرفاً پیمانکار باید پیمانکار فرعی باشد. به عبارت دیگر معیار تعیین بخش مشخص و جزئی از عملیات چیست و چه کسی این موارد را تشخیص می دهد. بهر حال پیمانکار فرعی یا جزء هر دو می باید در کار، هم تخصص و هم مهارت و تجربه و توان داشته باشند. بنابراین مفاد هر دو بند فوق می باید بطور جدی بازنگری و اصلاح شده و از کلی گویی و تناقضات عاری شود.

ماده ۹- مبلغ (قیمت)

در متن ماده ۹ و زیربندهای آن (۹-۲، ۹-۱، ۹-۲ و ۹-۳) با توجه به توضیحات ارایه شده، در نهایت منظور از مبلغ پیمان و اختلاف آن با مبلغ اولیه پیمان و مبلغ نهایی پیمان بخوبی شرح داده نشده است. همچنین با حذف این عبارت «مبلغ پیمان هنگام مبادله پیمان همان مبلغ درج شده در ماده ۳ موافقتنامه است که مبلغ اولیه پیمان نامیده می شود» نسبت به شرایط عمومی پیمان موجود، برابهامات و تناقضات در تعاریف ارایه شده افزوده شده است. در صورت عدم رفع این تناقضات و عدم ارایه تعاریف مشخص و شناخته شده، قطعاً در طول کار مشکلات زیادی بروز می کند که هر دو طرف قرارداد متضرر خواهند شد.

ذکر این نکته ضروری است که در ماده ۳ موافقتنامه به عبارت «مبلغ پیمان» اشاره شده که در واقع در ابتدای کار منظور همان مبلغ اولیه است. بنابراین توضیح موجود در

شرایط عمومی پیمان فعلی برای عدم تناقض در مندرجات ماده ۳ نیز می باید اضافه شود.

بندهای ۹-۵ و ۹-۷ تضمین انجام تعهدات

با توجه به وجود آیین نامه تضمین برای معاملات دولتی (به شماره ۴۲۹۵۶/ت/۲۸۴۹۳ هـ بـه تاریخ ۸۲/۸/۱۱) اساساً چه نیازی به ارایه تعاریف نامفهوم و ناقص زیر می باشد، ضمناً اگر اصرار به ارایه تعاریف این تضامین هست و وفق ماده ۱۶، پیمانکار بایستی عملکرد خود هنگام تسلیم پیشنهاد را نیز تایید کند چرا تضمین شرکت در مناقصه (زمان تسلیم پیشنهاد) شرح داده نشده است!

برای درک بهتر این تناقضات به تعاریف ارایه شده نگاهی می اندازیم:

۹-۵- تضمین انجام تعهدات

تعهدی که اشخاص پس از فرآیند ارجاع کار و انتخاب برای انجام تعهدات خود باید قبل از

انعقاد پیمان به کارفرما بدهد.

اولاً در قبل از انعقاد پیمان ارایه تضمین موضوعیت قراردادی ندارد. مثلاً ممکن است پیمانکار با تقبل هزینه ها تضمین را ارایه دهد ولی قرارداد انعقاد و مبادله نشود. ضمناً تضمین از سوی منابع تضمین کننده مثلاً موسسات مالی و بانکها در ارتباط با قرارداد منعقد شده با کارفرمای مشخص صادر می شود. بنابراین تضمین مربوطه بلافاصله بعد از انعقاد و نافذ شدن پیمان و در آغاز عملیات اجرایی می باید ارایه شود.

ضمناً با توجه به اینکه کارفرما قبل از انعقاد قرارداد ضمانت نامه شرکت در مناقصه از پیمانکار اختیار دارد اخذ یک ضمانت نامه دیگر قبل از انعقاد پیمان برای چه منظوری است!

ثانیاً ارایه تعهد برای انجام تعهدات، نامفهوم و کلی است. در واقع می باید ضمانتی برای انجام تعهدات قراردادی ارایه گردد که از منظر مالی، طرف سرمایه گذار یا کارفرمای کار بتواند در صورت عدم انجام تعهدات، زیان مالی خود را به طریق مناسبی تامین نماید.

ثالثاً اگر پیمانکاری کار اجرایی یا به تعبیر بهتر یک قرارداد با کارفرمایی خاص داشته باشد که در حال انجام تعهدات این قرارداد است و یک قرارداد جدید یا کار اجرایی جدید را با همین کارفرما آغاز نماید آیا می تواند تعهدات قرارداد اول را به عنوان تضمین انجام تعهدات قرارداد دوم محسوب کند یا خیر؟

با تعریف ارایه شده محدوده تعهد مشخص نیست. مندرجات بند ۹-۷ نیز به همین گونه است. بنابراین به نظر می رسد بهتر بود یا این توضیحات ارایه نمی شد یا به جای واژه کلی و مساله ساز «تعهدی» در ابتدای این بندها، واژه یا عبارت «سند معتبر مالی که وفق ضوابط و آیین نامه های مرتبط از جمله آیین نامه تضمین برای معاملات تهیه شده و ...» تغییر یابد.

ماده ۱۵- داور و بند ۵۳-۳ داور

اولاً وجود یک عنوان مشترک در دو محل با دو توضیح مختلف از نظر فن نگارش تخصصی در چنین متونی دارای اشکال ماهوی است. ثانیاً مطابق مندرجات ماده ۱۵ منظور از داور

مندرجات ماده ۱۵ (پیش نویس شرایط عمومی پیمان امور نظام فنی) صحیح نیست و دارای تناقص بوده و باید بازنگری و اصلاح شود. در واقع اگر مفاد ماده ۱۵ درست باشد عملاً وجود هیات کارشناسی ضرورت ندارد. وقتی طبق ماده ۱۵ صدور رای با شورای عالی فنی است پس نظر هیات کارشناسی به هر حال، مسموع نیست چون الزام آور نیست.

«مجموعه اقداماتی است که منجر به صدور رای توسط شورای عالی فنی می شود» در حالی که وفق مندرجات بندهای ۵۳-۳ و ۵۳-۲-۲ جهت انجام مراحل داور نخست هیات کارشناسی یا کارشناس می باید انتخاب گردد و اختلاف به این هیات جهت بررسی ارجاع شود. دوم آنکه ارجاع موضوع اختلاف جهت داور به شورای عالی فنی منوط به موافقت نماینده ویژه ریاست جمهوری است. به عبارت دیگر در ارجاع و داور شورای عالی فنی یک الزام وجود دارد. بنابراین با توجه به این توضیحات، مندرجات ماده ۱۵ صحیح نیست و دارای تناقص بوده و باید بازنگری و اصلاح شود. در واقع اگر مفاد ماده ۱۵ درست باشد عملاً وجود هیات کارشناسی ضرورت ندارد. وقتی طبق ماده ۱۵ صدور رای با شورای عالی فنی است پس نظر هیات کارشناسی به هر حال، مسموع نیست چون الزام آور نیست.

بند ۱۵-۲- نماینده ویژه

و بند ۵۳-۳- داور

در بند ۱۵-۲ تصریح شده نماینده ویژه برای ارجاع اختلاف های ناشی از اجرا یا تفسیر قراردادها به شورای عالی فنی تعیین می شود. در بند ۵۳-۳ نیز ارجاع اختلاف برای داور به شورای عالی فنی در صورت موافقت نماینده ویژه رییس جمهوری امکان پذیر است.

از سوی دیگر طبق بند ۱۵-۱ مجموعه اقداماتی که منجر به صدور رای توسط شورای عالی فنی می شود داور تلقی می گردد؛ بنابراین با توجه به اینکه در بند ۵۳-۳ وضعیت و تصمیمات و الزام در تبعیت

از تصمیمات هیات کارشناس وجود نداشته و مبهم است و همچنین داور و الزاماً صدور رای توسط شورایی عالی فنی انجام می گردد فلذا انتخاب نماینده ویژه و موافقت یا عدم موافقت آن به چه کاری می آید؟

در واقع از نظر متن شرایط عمومی پیشنهادی، اختلافاتی که نیاز به داور دارند، ضرورتاً می باید برای صدور رای و قابل اجرا بودن به شورای عالی فنی برود (مطابق ماده ۱۵) و برای این مساله نیازی به اجازه و موافقت نیست.



وقتی چنین اجازه یا موافقتی موضوعیت ندارد و همچنین براساس مندرجات ماده ۵۳-۳-۳- نیز چون ترتیبات نحوه درخواست و ارجاع موضوع به مرجع دآوری براساس دستورالعمل شورای عالی فنی است، پس دیگر نماینده ویژه به چه کار خواهد آمد؟
به هر حال به نظرمی رسد مفاد ماده ۱۵ و ۵۳ می باید مجدداً بازنگری و اصلاح شود بویژه آنکه در خصوص وضعیت ابهام آمیز



رای هیات کارشناسی و شرایط موافقت یا عدم موافقت نماینده ویژه اساساً می بایست شفاف سازی شده و به روشنی موضوع بیان شود.

ماده ۱۶- تاییدات پیمانکار:

پنج بند کوتاه این ماده در شرایط عمومی پیمان فعلی به ۷ بند با متون تطویل یافته غیرضروری در پیش نویس امور نظام فنی تبدیل شده است، برای نمونه:

بند «ب» در شرایط عمومی پیمان فعلی به شرح زیر است:

ب- نسبت به تامین نیروی انسانی مورد نیاز و تدارک مصالح، تجهیزات، ماشین آلات و ابزار اجرای کار طبق مشخصات در محل یا از نقاط دیگر، اطمینان یافته است.

بند ۱۶- ۲ در نسخه پیش نویس امور نظام فنی به شرح زیر است:

«از امکان تامین نیروی انسانی ماهر و واجد شرایط مورد نیاز، چگونگی رفت و آمد، تدارک مصالح، تجهیزات، ماشین آلات، ابزار و دیگر تدارکات لازم برای اجرای کار اطمینان حاصل کرده است.»

مقایسه این دو بند نشان می دهد متن شرایط عمومی پیمان موجود شفاف تر و بهتر تدوین شده است. مثلاً در بند ۱۶-۲ مورد بحث، منظور از تدارکات لازم چیست؟ چه تدارکاتی برای اجرا لازم و چه تدارکاتی غیر لازم است؟ معیار پیمانکار برای دانستن چنین الزامی چیست؟ پیمانکار چگونه باید تعهدی را بدهد یا موضوعی را از لحاظ حقوقی تایید کند حال آنکه ساز و کار و متر و معیار آن نامعلوم است. در متن شرایط عمومی پیمان فعلی وجود واژگان «طبق مشخصات» در واقع تعیین کننده این معیار است که به نادرست حذف شده است. حذف این واژگان بر مشکلات کار خواهد افزود و می تواند منشاء طرح اختلافات بسیاری باشد.

بند ۱۶- ۴ در نسخه پیش نویس امور نظام

فنی اضافه شده و در متن شرایط عمومی فعلی موجود نیست. این بند بیان می کند:
«از وضعیت مجاورت ها، تداخل کار مورد پیمان با فعالیتهای دیگر پیمانکاران و تداخل با بهره برداری و شاغلین تا مرحله

تسلیم پیشنهاد (یا تعیین شده در شرایط خصوصی) در منطقه پیمان و شرایط اجتماعی در همسایگی منطقه اطلاع پیدا کرده است.»

در این بند منظور از «مجاورت ها» دقیقاً مشخص نیست. ضمناً از کدام وضعیت مجاورت ها می باید پیمانکار اطلاع یابد؟ از وضعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کدامیک؟ منظور از شاغلین دیگر در این بند چیست؟ این شاغلین از نظر قانون گذار چه کسانی هستند؟ قابل تفسیر و عام بودن این موضوعات از نظر قراردادی ایراد دارد.

آیا اطلاع پیمانکار از این موضوعات بدون در نظر گرفتن ابهام آمیز بودن آنها تا مرحله تسلیم پیشنهاد است؟ آیا منظور از عبارت داخل کمان «یا تعیین شده در شرایط خصوصی» مرحله یا مقطعی است که می باید پیمانکار از این تداخلها آگاهی داشته باشد؟ یا بهره بردار و شاغلین در شرایط خصوصی مشخص می شوند. اساساً دستگاه اجرایی می تواند از این تداخلها و فعالیتهای تداخلی آگاهی کامل داشته باشد، اما پیمانکار شرکت کننده در مناقصه ممکن است به دلایل مختلف امکان کسب چنین آگاهی را نداشته باشد و نتواند به آن دست یابد.

از سوی دیگر در خصوص عبارت «و شرایط اجتماعی در همسایگی منطقه» موارد زیر قابل طرح است اولاً تا کجا در همسایگی منطقه طرح محسوب می شود؟ محدوده این همسایگی مشخص نیست؟ ثانیاً چرا پیمانکار باید از شرایط اجتماعی در همسایگی منطقه پیمان اطلاع داشته باشد ولی از شرایط اجتماعی منطقه پیمان نه؟ طرز نگارش این بند چنین ذهنیتی را ایجاد می کند. ثانیاً توجه به شرایط اجتماعی و بویژه معارضین در محدوده پیمان و مناطق مجاور آن، از وظایف دستگاههای اجرایی و کارفرمایان است. این بند تداخلی با وظیفه دستگاههای اجرایی ایجاد نخواهد کرد؟

این مسولیت از آنجا به عهده کارفرمایان - دستگاههای اجرایی - نهاده شده که ایشان ابزار لازم برای هماهنگی و کنترل شرایط اجتماعی منطقه پیمان و حتی محدوده های اطراف آن را دارند. چنانچه چنین وظیفه ای به پیمانکار محول شود



پرونده ویژه

شرایط عمومی پیمان

باید در برآوردها این مساله لحاظ گردد. ضمناً صرف اینکه پیمانکار از شرایط اجتماعی همسایگی منطقه پیمان یا از وضعیت مجاورت ها در منطقه پیمان اطلاع داشته باشد. کدام مشکل قراردادی را حل می کند؟ آیا نوشتن این بند به شکل پیشنهادی در پیش نویس باعث ایجاد مغایرت با مندرجات بند ۲۸-۱ ماده ۲۸ نمی شود؟

آیا این مساله مبین این نکته نیست که پیمانکار با امضای چنین شرایط عمومی پیمانی، در منطقه ای گام می گذارد که مشکلات اجتماعی بسیاری خواهد داشت و به ناچار در صورت بروز مشکلات اجتماعی می باید مسائل را به تنهایی تحمل کند؟ اگر چنین نیتی در خصوص نگارش، بند ۱۶-۴ مطرح نبوده است، در صورتی که کارفرمایان محترم می توانند در شرایط خصوصی پیمان حدود تداخلهای کاری را مشخص بفرمایند و محدوده طرح را نیز بدون معارض تحویل دهند (ماده ۲۸)، پس چه نیازی به اضافه شدن این بند به شرط عمومی پیمان است!

بند ه- ماده ۱۶ - شرایط عمومی فعلی

به شرح زیر:

« ه) در تهیه پیشنهاد قیمت، سود مورد نظر خود و تمام هزینه های ناشی از مفاد بندهای بالا را در نظر گرفته و بعداً از هیچ بابت حق درخواست اضافه پرداختی ندارد.»

اما این بند در نسخه امور نظام فنی به بند زیر تبدیل شده:

۱۶-۶- در پیشنهاد قیمت خود هزینه های مورد نیاز برای انجام کارهای موضوع پیمان با لحاظ موارد فوق و نیز سود، هزینه های بالاسری و از جمله سود مبالغ مربوط به

عوارض یا حقوق قانونی و غیر آن (نظیر مالیات و حق بیمه) را در نظر گرفته است.

اولاً مفاد بند پیشنهادی ۱۶-۶ باعث طرح مسائلی جدیدی خواهد شد از جمله آنکه مقوله سود پیمانکار با بالاسری پیمانکار ایجاد شبهه و بار مالی خواهد کرد. از سوی دیگر بیان سود مبالغ مربوط به عوارض یا حقوق قانونی و غیره نادرست است. اساساً نمی توان مبالغ مربوط به حقوق قانونی یا عوارض را سرمایه در نظر گرفت و برای آن مبلغ پرداخت سود در نظر گرفت، بلکه این مبالغ مطابق قانون محاسبه و عیناً می باید پرداخت شوند و لذا این مقادیر می باید در برآورد قیمت پیمانکار لحاظ شده باشند. بنابراین مفاد این ماده ناشی از عدم دقت لازم است که قطعاً می باید اصلاح شود.

دو تبصره در ذیل موارد هفت گانه در نسخه امور نظام فنی آورده شده است:

تبصره ۱: « مطالعه اسناد و مدارک و اطلاعات و داده های پیمان از سوی پیمانکار برای تسلیم پیشنهاد به مفهوم کنترل یا تایید صحت آنها از سوی پیمانکار نیست و مسئولیت درستی

این اطلاعات با کارفرما است» مفاد این تبصره در مغایرت و تناقض کامل با مندرجات بند ۱۸-۱-۱۵ است، در این بند آمده: « پیمانکار مسئول صحت روش های اجرایی که توسط کارفرما یا مهندس مشاور در اسناد و مدارک پیمان تعیین شده است می باشد»

آیا روش های اجرایی در اسناد و مدارک پیمان، اطلاعات و داده های پیمان محسوب نمی شوند؟ ملاحظه می فرمایید این مغایرت چقدر مشخص است. بالاخره پیمانکار در خصوص صحت مندرجات اسناد و مدارک پیمان مسئولیت دارد یا نه؟

در تبصره ۲ در پایان ماده ۱۶ در نسخه امور نظام فنی آمده:

تبصره ۲: « مسئولیت و تبعات مغایرت اطلاعات با مشخصات کار و شرایط محل که از سوی کارفرما به پیمانکار ارایه شده است، به همراه هزینه رفع مغایرت ها برعهده کارفرما است.»

مندرجات این تبصره مصداق بارز کلی گویی است. عدم شفافیت و ایجاد ابهام و طرح دعوی از سوی طرفین قرارداد خاصیت انکار ناپذیر این تبصره است. برای توضیح بیشتر شایان ذکر است منظور از مغایرت اطلاعات با مشخصات کار چیست؟ مغایرت کدام اطلاعات مندرج در اسناد مدنظر است؟ آیا هر مغایرت اطلاعاتی می تواند هدف این تبصره باشد؟ زمان ارایه اطلاعات از سوی کارفرما به پیمانکار چه زمانی است؟ آیا اطلاعات مندرج در اسناد است یا اطلاعات پس از انعقاد پیمان در شروع و در حین کار مدنظر است؟ آیا مغایرت در اطلاعاتی که مشاور به پیمانکار می دهد شامل این مساله نمی شود؟

علیرغم اینکه در عنوان ماده ۱۷ (پیش نویس شرایط عمومی پیمان امور نظام فنی) نام مدیر پروژه آمده اما در هیچ جای این ماده صحبتی از مدیر پروژه نشده است و معلوم نیست چرا در عنوان به آن اشاره شده است.

تدوین می گردید.

ماده ۲۶- آثار تاریخی و اشیای عتیقه و سنگواره ها

در متن این ماده آمده است « هرگاه هنگام اجرای کار، اشیای عتیقه، و سایر اقلامی که از نظر زمین شناسی و باستان شناسی حایز اهمیت هستند در محل کار کشف (پیدا) شود پیمانکار باید از آنها حفاظت و نگهداری کند».

براساس متون فوق منظور از عبارت عام « سایر اقلامی که از نظر زمین شناسی و باستان شناسی حایز اهمیت هستند» مشخص نیست. این اقلام چه اقلامی هستند؟

ماده ۲۸- تحویل کارگاه

و بند ۵۰-۵- خسارت عدم تحویل کارگاه

در مندرجات این ماده نیز ایرادات و تناقضاتی قابل طرح است از جمله:

بند ۲۸-۱

در این بند یکی از شروط تحویل زمین از سوی پیمانکار تحویل رایگان محل کارگاه به وی است. استحضار دارند که مطابق برخی ردیفهای فصل تجهیز بچیدن کارگاه در فهرس بهای پایه از جمله ردیفهای ۴۲۰۶۰۸ و ۴۲۰۶۰۹ فهرست سد سازی، دستگاه اجرایی می تواند تهیه زمین تجهیز کارگاه را به پیمانکار واگذار کند. چنانچه در قراردادی این مساله لحاظ گردد، آیا پیمانکار نمی تواند با استناد به این بند شرایط عمومی پیمان از انجام آن خودداری کند. به عبارت دیگر چنانچه در فهرست بهای پیمان این عدد کم برآورد شده باشد پیمانکار با استناد به همین ماده به صورت قانونی می

مهندس مشاور در اسناد و مدارک پیمان تبیین شده است می باشد....» اساساً پیمانکار مسئول اجرای کار مطابق روشهای اجرایی مورد تایید مشاور و کارفرما است. صحت و تایید روش اجرا برای انجام کار توسط مشاور و کارفرما انجام می شود و پیمانکار می تواند روش اجرا ارایه کند که پس از تایید و تصویب آن روش اجرا و یا هر روش اجرای مد نظر مشاور محترم و کارفرما آن را به سرانجام برساند. لذا به نظر نگارنده این جمله نیاز به اصلاح دارد.

بند ۱۸-۲-۴

مطابق بند ۱۸-۲-۴ پرداخت قسط دوم پیش پرداخت منوط به تصویب برنامه زمان بندی تفصیلی از سوی کارفرما شده است. براین اساس به نظر می رسد قانونگذار عملاً علقه ای به پرداخت قسط دوم پیش پرداخت ندارد. زیرا براساس این بند دستگاه اجرایی می تواند برنامه تهیه و ارایه شده توسط پیمانکار و حتی تایید شده مشاور را معطل تصویب نگه دارد و قسط دوم را اصولاً پرداخت ننماید. لذا یا می باید الزام تصویب کارفرما حذف گردد یا مدتی برای فرآیند تصویب زمان بندی لحاظ شود و پس از سپری شدن این زمان قسط دوم قابل پرداخت گردد.

بند ۲۵-۲- اجرای کار در شب

متأسفانه متن ارایه شده برای این بند نمی تواند مشکلات کار در شب را برطرف کند. عموماً یکی از سوالات اساسی پیمانکاران این است که چگونه و بر چه مبنایی کار در شب را صورت وضعیت کنند یا هزینه های مربوط را دریافت کند. این موضوع همیشه منشاء اختلاف بین ارکان طرح بوده است. بهتر بود در این ماده به جای پرداختن به کلیات، ساز و کاری برای پرداخت هزینه اجرای کار در شب

بهر حال مندرجات این تبصره به ضرر هر دو طرف بوده و باعث اختلافات شدید در حین کار می شود. نتیجه از مندرجات ماده ۱۶ آنکه نوسازی انجام شده در خصوص این ماده و تغییرات اعمال شده در نسخه امور فنی اجرایی غیر ضروری بوده و بر ابهامات می افزاید.

ماده ۱۷- کارکنان پیمانکار، رئیس کارگاه، مدیر پروژه

عنوان این ماده از «کارکنان» در پیش نویس امور نظام فنی به «کارکنان پیمانکار، رئیس کارگاه، مدیر پروژه» تغییر یافته است. در نگاه اول می توان فهمید که بخشی از مندرجات ماده ۱۸ در شرایط عمومی پیمان فعلی در خصوص رئیس کارگاه می باید به این ماده منتقل شده باشد. از سوی دیگر با توجه به اینکه در اغلب پروژه ها به ویژه پروژه های بزرگ و مهم ملی مدیر پروژه علاوه بر رئیس کارگاه نقش مهمی در هدایت عملیات اجرایی دارند، به نظر می رسد که در پیش نویس امور نظام فنی، هدف مشخص کردن جایگاه مدیر پروژه و تعیین تکلیف کاری و حدود مسئولیتهای وی بوده است. تعیین جایگاه حقوقی و محدوده عمل مدیر پروژه باعث می گردد علاوه بر جلوگیری از تداخل کاری ایشان با رئیس کارگاه برای کارفرما و مشاور طرح نیز روال کار منطقی تر و بهتر باشد.

علیرغم اینکه در عنوان این ماده نام مدیر پروژه آمده اما در هیچ جای این ماده صحبتی از مدیر پروژه نشده است و معلوم نیست چرا در عنوان به آن اشاره شده است.

بند ۱۸-۱-۵

در این بند بیان شده « پیمانکار مسئول صحت روش های اجرایی که توسط کارفرما یا



تواند انجام تعهدات این بند را معطل بگذارد. بنابراین به نظر می‌رسد وجود تبصره ۱ ماده ۲۸ شرایط عمومی پیمان فعلی این مشکل را برطرف خواهد کرد و حذف آن در متن نوسازی شده، درست نبوده است.

بند ۳-۲۸:

در بند ۳-۲۸، بحث تحویل گرفتن کارگاه از سوی پیمانکار در موعد مقرر و جریمه تاخیر در تحویل گیری کارگاه مطرح می‌باشد. در پایان این بند بیان شده «... لیکن جریمه تاخیر در تحویل گیری طبق بند ۵-۵۰ محاسبه و به حساب بدهکاری پیمانکار منظور می‌شود». اما در بند ۵-۵۰ در ارتباط با بند ۳-۲۸ دو ایراد اساسی وجود دارد. نخست آنکه بند ۵-۵۰ صرفاً جهت پرداخت خسارت در عدم تحویل کارگاه به پیمانکار می‌باشد نه جریمه پیمانکار. در واقع در بند ۵-۵۰ ساز و کار پرداخت خسارت به پیمانکار، مورد بحث و توجه قرار می‌گرفته و نه ساز و کار محاسبه جریمه پیمانکار. بعبارت دیگر ساز و کار خسارات عدم تحویل دهی به موقع کارگاه به پیمانکار هدف این ماده است، نه ساز و کار جریمه عدم تحویل گیری کارگاه!

و دوم آنکه با توجه به مندرجات بند ۱-۵-۵۰ و ۲-۵-۵۰ در صورتی که تاخیر در تحویل دهی کارگاه بیش از یکماه به طول انجامد بالاخره بند ۱-۵-۵۰ مبنای بر پرداخت خسارت قرار می‌گیرد یا ۲-۵-۵۰؟ زیرا در متن ۱-۵-۵۰ آمده است مبنای محاسبه پرداخت خسارت تاخیر «پس از گذشت یک ماه از تاریخ

ابلاغ پیمان» می‌باشد و در متن ۲-۵-۵۰ نیز مبنای پرداخت خسارت «تاخیر در تحویل کارگاه بیش از یک ماه» است! در خصوص بند ۳-۱-۴-۵۰ و ۲-۵-۵۰ نیز وضع بر همین منوال است.

در بند ۲-۵-۵۰ آمده است: «در صورتی که در بخش تحویل نشده، ماشین آلات لازم برای انجام کار آماده باشد، خسارت تاخیر متناسب با بخش تحویل نشده طبق بند ۳-۱-۴-۵۰ محاسبه می‌شود»

در بند ۳-۱-۴-۵۰ نیز بیان شده «خسارت توقف ماشین آلاتی که طبق برنامه زمانی در کارگاه موجود است براساس مستندات ارائه شده توسط پیمانکار، گزارش روزانه کارگاه، رسیدگی مهندسی مشاور و تایید کارفرما، محاسبه و پرداخت می‌گردد.»

در بند ۲-۵-۵۰ منظور از خسارت تاخیر متناسب با بخش تحویل نشده چیست؟ آیا منظور این است که محاسبه تاخیر براساس سهم یا حجم بخش تحویل نشده به کل کارگاه که می‌باید تحویل شود مینا محاسبات است؟ آیا مبنای محاسبه توقف ماشین آلات مورد نیاز کار در این بخش است؟ این تناسب با چه ساز و کاری اعمال و برقرار می‌گردد؟ آیا در خصوص محل تحویل نشده علاوه بر این بند، بند ۱-۵-۵۰ یا ۳-۵-۵۰ نیز می‌باید پرداخت شود؟ ضمناً ساز و کار مطرح شده در بند ۳-۱-۴-۵۰ به برنامه زمانی کار مرتبط شده است، در صورتیکه اولین آیتم برای تهیه زمانبندی

و شروع کارها طبق آن، تعیین دقیق تاریخ تحویل کارگاه است. در این شرایط ارجاع مبنای محاسبات به برنامه زمانی که اساساً به دلیل عدم آگاهی از زمان تحویل کارگاه در آن مقطع هنوز تهیه، تایید و نهایی نشده آیا منطقی است؟

بنابراین برای عمل به این ماده می‌بایست چنین برنامه‌ای تفصیلی که ماشین آلات مورد نیاز در آن مشخص شده و مورد تایید و تصویب مشاور و کارفرما باشد. فارغ از زمان تحویل کارگاه تهیه گردد و مصوب شود.

بدیهی است در این حالت پرداخت قسط دوم نیز فارغ از تحویل کارگاه و شروع کار (طبق بند ۱۸-۲-۴) می‌بایست انجام شود. قضاوت بفرمایید کارگاه تحویل نشده، برنامه زمانبندی تصویب نشده چگونه این ماده ۳-۱-۴-۵۰ می‌تواند از نظر قانونی اجرا شود و اما در صورت تایید و تصویب برنامه، توجه بفرمایید کارگاه تحویل نشده، برنامه زمانبندی تصویب شده! پیش پرداخت قسط دوم انجام شده! چه شود (وفق بند ۲-۸-۴ شرایط عمومی پیشنهادی مبنای پرداخت قسط دوم تصویب برنامه زمانبندی تفصیلی از سوی دستگاه اجرایی کارفرما می‌باشد!) قطعاً چنین فرآیندی هیچگاه انجام نخواهد شد.

نتیجه گیری :

برخی دستگاههای اجرایی نیز مسیر خود را قطعاً جدا خواهند کرد و شرایط عمومی پیمان ویژه ای خواهند نوشت و وحدت رویه ای که بیش از نیم قرن تلاش شده تا حفظ گردد گسسته خواهد شد. همانطور که آگاهی دارند برخی سازمانهای غیردولتی شهری اکنون در این مسیر گامهای را برداشته اند و به نظر می‌رسد وجود این پیش نویس ناقص در صورت ابلاغ به حرکت این گامها تسریع خواهد بخشید. پس تا فرصت باقی است؛ می‌باید به خرد جمعی و نظراهل فن توجه نمود زیرا عبور از پیچ و خم‌های نوسازی قوانین بدون توجه به نظرات کاربران، اندیشمندان و خبرگان آن صنعت ثمره ای جز حسرت و ناامیدی در پی نخواهد داشت.

برخی ایرادات، مشکلات و نواقص موجود در پیش نویس امور نظام فنی با توجه به فرصتی که در اختیار بود در بالا مورد توجه و بحث قرار گرفت. در بقیه متن پیش نویس نیز مشکلات عدیده ای مشاهده گردید که در فرصت مقتضی، این موارد نیز تقدیم خواهد شد. نتیجه آنکه اگر شرایط عمومی پیمان فعلی به درستی اصلاح یا نوسازی نشود و اصرار به ادامه این روند باشد، قطعاً در آینده ای نه چندان دور شاهد تعطیلی بنگاههای اقتصادی- پیمانکاری بسیاری خواهیم بود. این ادعایی است که نگارنده امید دارد با عدم انتشار نسخه ریاست محترم امور فنی معاونت برنامه ریزی قطعاً تحقق نیابد. اما در صورت انتشار این سند،



مهندس رضا طیب‌زاده

پاسخ به سوالات میزگرد مربوط به

شرایط عمومی پیمان

۱- قبل از ورود به بحث پرسش و پاسخ لازم می‌دانم مراتب تشکر و سپاس خود را از همه دست‌اندرکاران تهیه و تدوین شرایط عمومی پیمان جدید خصوصا برادر گرامی و ارجمند جناب آقای مهندس عطاءاله هاشمی ابراز نمایم و برای ایشان آرزوی سلامتی و طول عمر کنم. اینجانب شاهد تلاشها و دلسوزیهای بی‌وقفه ایشان بسیار فراتر از یک وظیفه قراردادی در قالب قرارداد با مهندس مشاور رهشهر با نظام فنی اجرایی بوده‌ام. ایشان با عشق کامل به حرفه خود و همچنین به منظور ایجاد یک منشور خط و مشی (Platform) روشن برای تهیه و تنظیم صحیح و عادلانه شرایط عمومی پیمان تلاش وافر نمودند.

۲- به خاطر دارم قبل از ورود به بحث و مذاکره برای بازخوانی شرایط عمومی پیمان منشوری توسط آقای مهندس عطاءاله هاشمی در بیش از ۳۸ محور تهیه شده بود که بنده علاقمندم محورهای اساسی آن را به عنوان استراتژی تهیه و تدوین شرایط عمومی پیمان، به شرح زیر یادآوری نمایم. همه حاضران در جلسات، نزدیک به ۲/۵ سال در روزهای دوشنبه هر هفته و همچنین تیم محدودتری در روزهای سه‌شنبه موظف بودند که در فضاوتها و نگاه‌ها برای تدوین شرایط عمومی پیمان موارد زیر را نصب‌العین خود قرار دهند.

- توجه به این که طرفهای پیمان طرفهای متخاصم نیستند بلکه باید طرفین در راستای منافع ملی برنده باشند و سیاست برد - برد حاکم باشد.
- توجه به این که شرایط عمومی پیمان باید روشن، قاطع، شفاف، ساده و غیرقابل تفسیر بوده و به علاوه مواد ثابت آن هیچگاه به شرایط خصوصی پیمان ارجاع داده نشوند.
- تعادل منطقی بین ریسکها، هزینه‌ها و منافع ایجاد شود.
- شرایط فسخ یک جانبه و آسان حذف و اقدام به فسخ به نحوی پیش‌بینی گردد که مسئولیت کارهای انجام شده لوث نگردد و به علاوه فسخ به عنوان آخرین راهکاری که کمیته‌های راهبری پروژه‌ها آن را تایید می‌کنند مورد عمل واقع شوند.
- برای حل و فصل دعاوی راهکار اول باید توافق و بعد انتخاب میانجی و در نهایت هیات داوری غیروابسته به هر یک از دو طرف باشد. در این مورد همچنین توجه به مراتبی که در پیمانهای بین‌المللی نظیر فیدیک آمده است مورد توصیه است.

سوال اول: نظر شما درباره شرایط عمومی پیمان فعلی چیست؟

پاسخ سوال اول: از محتوای این سوال چنین استنباط می‌نمایم که می‌خواهید بدانید که در شرایط عمومی فعلی چه چالش‌هایی وجود دارد و برای اصلاح آن چه نکاتی را بایستی مدنظر و توجه قرار داد. معتقدم برای شرایط عمومی پیمان جدید بایستی حداقل با محوریت نکات ذیل تهیه و تدوین شود.

الف- حوزه مسئولیت و اختیار برای طرفین قرارداد به درستی تعریف شود به نحوی که طرفین نتوانند به فضای قراردادی یکدیگر

حرف بلکه در عمل بر فضای اجرای کار بین طرفین حاکم باشد و هر یک منافع شخصی خود را به منافع پروژه ترجیح ندهد. دستیابی به این موضوع با "خواهش و تمنا و ارشاد و نصیحت" به هیچ وجه میسر نیست بایستی جای جای این شرایط عمومی پیمان با این نگاه تهیه و تدوین شود و پاسخگوی طرفین باشد.

در شرایط عمومی پیمانی که در طول نزدیک به ۲/۵ سال با حضور همه طرفین با بحث و تبادل نظرهای طولانی تهیه گردید تلاش گردید که به اهداف فوق به عنوان اصول تعادل بین طرفین دست یافت.

سهوا یا عمداً تخطی نمایند و به صورت یکطرفه برای خود احقاق حق نمایند. (خصوصاً کارفرمایان) برای طرف دوم قرارداد راساً تصمیم بگیرند و عمل نمایند. ب- طرفین در بکارگیری آن قرائت همسو داشته و رجحانی بر یکدیگر نداشته باشند خصوصاً کارفرما چنین ذهنیتی که تنها پیمانکار مسئول اجرای پروژه است را در سیاستهای خود در طول اجرا به کار نگیرد و به مسئولیتها و تعهدات خود پای بند بوده و عمل نماید.

پ- به واقع یک نگاه "برد - برد" (WIN-WIN) و پروژه محور نه در حد

اگر مراد شما پیش‌نویس فعلی است که مسئولان محترم نظام فنی اجرایی بعد از ختم جلسات نزدیک به ۲/۵ سال فوق‌الذکر و پس از رایزنی‌های داخلی بین خود تهیه و تدوین نموده‌اند پاسخ اینجانب مثبت نیست و پیش‌نویس حاضر با روح توافقات انجام شده در جلسات ۲/۵ سال قبل براساس منشور اشاره شده در ابتدای مقاله توافق ندارد و تفاوت‌های شکلی و ماهوی جدی و زیاد دارد و به درستی امانت در حفظ توافقات صورت گرفته قبلی حفظ نشده است. این حداقل درخواست همه کسانی است که در طول این مدت طولانی در جلسات رایزنی اصلاح فهرست بها شرکت داشتند.

سوال دوم: آیا شرایط عمومی یک طرفه به صلاح منافع ملی و اجرای درست پروژه‌ها است؟

پاسخ سوال دوم: در پاسخ سوال دوم شما بایستی عرض نمایم که قطعاً خیر. یک شرایط عمومی پیمان یکسویه نه تنها به نفع منافع ملی نیست بلکه بدون تردید موجب بروز فساد و ایجاد نامنی در قرارداد و درگیریهایی بسیار زیاد در فضای اجرای پروژه‌ها خواهد گردید و پیمانکار لاجرم برای حفظ حقوق و منافع خود به عنوان طرف ضعیف‌تر قرارداد اجبار دارد که از مسیر صحیح منطقی خارج شده تا به نحوی از اضمحلال خود جلوگیری نموده و بتواند پاسخگوی دیون خود به بازار و

بانک‌ها باشد تا سراز زندان در نیارد یا کارش به خودکشی نیانجامد. لذا اجباراً و ناخواسته از صراط مستقیم خارج می‌شود چه کسی مسئول این موضوع است؟ با همین شرایط است که پیمانکار بدنام می‌شود و ظاهراً کارفرمایان بری‌الذمه از هر نوع خطا جلوه می‌نمایند. ما شاهد شرایط حال پیمانکارانی می‌باشیم که عملکرد دولت در یک دهه گذشته به واقع ماندگاری آنها را به زیر سوال جدی برده است. همه منصفان و دلسوزان که اعتقاد به توفیق در اجرای طرح‌های عمرانی دارند حکم به ایجاد تعادل در روابط فی‌مابین کارفرما/ پیمانکار می‌نمایند.

سوال سوم: آیا نقش مهندس مشاور در شرایط عمومی پیمان به درستی تعریف شده است؟

پاسخ سوال سوم: در این مورد بنده برای احصای نقش مهندس مشاور و حوزه اختیارات ایشان مقالات متعددی نوشته و در رسانه‌های مهندسی مرتبط چاپ نمودم از جمله در مجله مشاور ارگان جامعه مهندسان مشاور و در این مقالات با دقت کامل و با ورود به شرایط عمومی پیمان داخلی و ضوابط FIDIC به نقش کلیدی مهندس مشاور اشاره داشتم. علاقمندان می‌توانند به شماره‌های ۴۴، ۴۶، ۸۸ و ۴۸ سال ۸۹ مجله مشاور مراجعه بفرمایند ولی در حوصله پاسخ به این سوال شما نظر اینجانب این است: الف- به باور بنده قطعاً نقش مهندس مشاور در روش سه‌عاملی و در شرایط عمومی پیمان

حاضر نقشی کاملاً کلیدی است و این مهندس مشاور است که نوشته یا نانوشته به نحوی در بین دو طرف قرارداد نقش متعادل کننده و بسترساز را می‌تواند ایفا نماید و منطقاً بایستی جدل‌ها و اختلافات قراردادی را به حداقل ممکن کاهش دهد.

ب- بایستی عرض نمایم نه همه مهندسان مشاور بلکه بعضی از مهندسان مشاور به جایگاه صحیح خود در شرایط عمومی پیمان یا اشراف کامل ندارند و یا آگاه‌ها و عملاً این استدلال را می‌نمایند که چون حق و حقوق خود را از کارفرمایان دریافت می‌کنند احتمالاً با کارفرما در یک جبهه واحد قرار دارند و در مقابل پیمانکار به عنوان جبهه مخالف می‌ایسند و چنین برداشتی باعث می‌شود پروژه از همین منظر دچار صدمه جدی گردد و اینجانب در طول خدمت بیش از ۴۰ سال در مواردی متعدد شاهد چنین شرایطی به کرات بوده‌ام.

سوال چهارم: نظر شما در مورد هیات حل اختلاف چیست؟

پاسخ سوال چهارم: در پاسخ به این سوال بنده چنین اعتقاد دارم چهار مرحله مشخص و مجزا در حل و فصل اختلاف بین طرفین در همه نوع قراردادها جاری است
اول: روش مذاکره و حل و فصل بین طرفین قرارداد (کدخدانمنشی)
(Amicable Dispute Settlement)
دوم: روش حکمیت (کارشناسی)
(Pre Arbitration / Dispute Adjudication Settlement)
سوم: روش داوری



▲ پروژه احداث اسکله دستک رسوبگیر و راه دسترسی به بندر صیادی زرآباد- شرکت پارس تکنو



سوال ششم: نظر شما در مورد لزوم و ضرورت شرایط قرارداد جامع و یکسان در امور سازندگی کشور چیست؟

پاسخ سوال ششم: بدون

تردید پاسخ سوال شما در مورد ضرورت امر مثبت است تا زمانی که ما یک قرارداد یکسان جامع و شفاف با در نظر گرفتن حق و حقوق واقعی طرفین و به صورت برد-برد کامل نداشته باشیم همین شرایط حاکم است و ما شاهد جدلهای بی پایان قراردادی بین طرفین یعنی کارفرما، مشاور و پیمانکار خواهیم بود و ماحصل آن همین است که تاکنون با آن مواجه شده ایم متأسفانه عمر متوسط پروژه های عمرانی در کشور با گزارش رسمی ذینفعان مربوطه از جمله سازمان مدیریت و بازرسی کل کشور بالای ۱۰ سال است. اگر به این گزارشات به درستی مراجعه گردد درصد سهم خطای طرفین خصوصاً پیمانکار به روشنی دیده می شود این سهم پیمانکار زیره درصد است و علل تطویل بی رویه پیمان ها به درستی روشن می شود.

سوال هفتم: در مورد خاتمه پیمان چه نظری دارید؟

پاسخ سوال هفتم: اینجانب در طول دوران

بررسی و بازخوانی شرایط عمومی پیمان جدید و به هنگام بحث در مورد ماده ۴۶ و خصوصاً ماده ۴۸ که به باور بنده ناعادلانه تر از ماده ۴۶ است در سازمان مدیریت همواره عرض کرده ام مصادیق ماده ۴۶ را متعادل نمائید. ماده ۴۸ به مراتب بدتر از ماده ۴۶ است. در ماده ۴۶ حداقل چند دلیل برای خلع ید پیمانکار (درست یا نادرست) وجود دارد ولی در ماده ۴۸ کارفرما به هر دلیلی و با مصلحت خود (کاملاً دلخواه) و تنها به علت قصور خود (به دلایل عدیده، نقشه، پول، زمین) مبادرت به ختم پیمان می کند حتی اگر کار پروژه بالای ۵۰٪ باشد. اینجانب مقاله ای با عنوان "ماده ۴۶ و ۴۸ چه حکم می کند" تقدیم نمودم که در ماهنامه پیام آبادگران (شماره ۲۸۸ مهرماه ۱۳۹۰)

سوال پنجم: آیا مساله ایفای تعهدات از جانب هر دو طرف پیمان به درستی انجام می شود؟

پاسخ سوال پنجم: در پاسخ به این سوال

باید بگویم که برای اجرای تعهدات توسط طرفین بایستی حداقل پیش نیازهای ذیل وجود داشته باشد.
الف- دوطرف قرارداد چه کارفرما چه پیمانکار بایستی اعتقاد به اجرای قرارداد و نه در مسیر دورزدن آن برای فرار از مسئولیت های خود داشته باشند.
ب- متون قرارداد به نحوی عادلانه و با حفظ

همه منصفان و دلسوزان که اعتقاد به توفیق در اجرای طرح های عمرانی دارند حکم به ایجاد تعادل در روابط فی مابین کارفرما/ پیمانکار می نمایند.

حقوق طرفین در حوزه ریسک و مسئولیت طرفین تعریف شود و این ذهنیت را برای کارفرما ایجاد نماید که در اجرای پروژه فعال مایشاء است و حق حیات برای پیمانکار قائل نباشند. شرایط عمومی حاضر فاقد این خصوصیت و اختیار است.

پ- تضادها، تناقض ها و دستورات ضد و نقیض در متن شرایط عمومی پیمان و سایر متون قرارداد، دیده نشود.

ت- متن به نحوی تهیه و تنظیم شود که حتی الامکان طرفین به درستی تکلیف قراردادی خود را بدانند.

لذا با ذهنیت فوق می توان امید به این داشت که اجرای قرارداد با راحتی بیشتر انجام شده و طرفین تنها به فکر انجام کار باشند نه در مسیر و در فکر پیدا نمودن مفرو راهکار برای عدول از شرایط آن.

(Arbitration Dispute Settlement)

چهارم: مراجعه به دادگاه

(Court Dispute Settlement)

بایستی در یک حل اختلاف عادلانه این مراحل رعایت شود و مهم ترین که پیمانکار در انتهای امر بتواند با توجه به قانون بالادستی (اصل و ۳۴ و ۱۵۹ قانون اساسی) به دادگاه صالحه برای احقاق حق خود (در صورت عدم دستیابی از طریق مراحل فوق) ورود نماید و این حق را بایستی از پیمانکار گرفت.

در تمام پروژه های عمرانی اختلافات روزمره و ریزو درشت به وفور دیده می شود. این



اختلافات بایستی درجا حل و فصل شود چه عدم رفع آنها موجب تأثیر منفی بر روی اجرای مراحل بعدی پروژه خواهد بود چه پروژه مثل حلقه های زنجیر به هم پیوسته است و لذا پروژه را دچار مشکل جدی می نماید که ما در طول سالهای گذشته شاهد چنین وضع غیر قابل قبولی بوده ایم. این مراحل در حقیقت در یک فضای حکمیت (مرحله دوم) قابل حل است. در استاندارد فیدیک با تشکیل یک کمیته حکمیت (DB) این موارد حل و فصل می شود. از ابتدا طرفین نسبت به ترکیب اعضای کمیته DB و حق و حقوق آنها توافق می کنند.

اختلافات روزمره و ریزو درشت را اینجانب به "اختلافات قراردادی" اطلاق می نمایم که از طریق DB قابل حل است ولی مواردی در اختلافات بین طرفین می باشد که در حقیقت موجب برهم خوردن شرایط قرارداد می گردد مانند خلع ید و ضبط ضمانتنامه در حقیقت اینجانب به این اختلافات که تعداد آنها در قراردادها بسیار کم و از تعداد انگشتان یک دست تجاوز نمی نماید، می باشد "اختلافات دادگاهی" اطلاق می نمایم. رفع اختلاف در قرارداد موقعی منطقی است که حوزه داوری به منظور حل و فصل اختلافات از یک فضای بیطرفانه که تحت تأثیر کارفرما (دولت) و پیمانکار نباشد به مورد اجرا درآید. قطعاً شرایط عمومی پیمان ما اگر دیدگاه های فوق را داشته باشد می توان امید به حل عادلانه اختلافات و البته سریع آن داشت.



ارگان رسمی سندیکا چاپ شد. علاقمندان می‌توانند به این مقاله به نسبه مفصل رجوع بفرمایند. اینجانب معتقدم تازمانی که اختیار فسخ پیمان با مصادیق نوشته شده در شرایط عمومی پیمان جاری و با در فرم تجدید نظر شده فعلی به دست کارفرما است و کارفرما از همان ابتدای شروع کار این شمشیر برنده را در اختیار داشته باشد و سیستم نگاهی و تفکری خود را با محوریت "کارفرما می‌تواند و پیمانکار بایستی" به پیش خواهد برد و شرایط همین است که ما یک دهه قبل از انقلاب و سه دهه بعد از انقلاب تا کنون شاهد آن بوده‌ایم. تجربه نشان داده است که اکثریت خلع پدها توسط کارفرمایان عموماً بدون منطق قراردادی بوده است نمونه بارز این مساله نگاه متحورانه وزیر محترم نفت در مورد ابلاغ بخشنامه بازخوانی بررسی لیست مطول پیمانکاران ممنوع معامله در صنعت نفت در ماه های اخیر است.

سوال هشتم: نظر شما در مورد مساله خلع پیمانکاران ممنوع معامله چیست و چه پیشنهادی برای آن دارید؟

پاسخ سوال هشتم: بنده پاسخ این سوال را در سوال شماره هفت دادم و معتقدم که کارفرما نبایستی اختیار ضبط ضمانتنامه ها را به صورت یکسویه در اختیار داشته باشد و قطعاً بایستی یک ارگان ذیصلاح خارج از دستگاه اجرایی کارفرما یا در پیکره دولت (در شرایط حال محتمل ترین آن ورود شورایی فنی به مساله است) مدنظر و توجه باشد. قانوناً این مسئله در حوزه اختیارات شورای عالی فنی نمی‌تواند باشد و بایستی ترتیبات قانونی آن داده شود.

سوال نهم: نظر شما در مورد این که دستگاه های اجرایی موظف باشند قبل از برگزاری مناقصات از پادار بودن اعتبار بودجه مطمئن شوند چیست؟

پاسخ سوال نهم: در مورد این سوال شما عرض می‌کنم که روش تامین منابع مالی در پروژه‌ها به دو روش مجزا از هم یکی توسط کارفرما و روش دیگر توسط پیمانکار است و از دیرباز دولت متولی تامین منابع مالی پروژه‌ها بود.

وظیفه سازمان برنامه همان طوری که از اسم و سابقه گذشته آن پیداست اول برنامه‌ریزی برای اجرای پروژه‌ها و در پی آن بودجه‌بندی و بودجه‌ریزی می‌باشد. چند سال اخیر به علت مشکلات مالی دولت تامین منابع مالی پروژه‌ها در قالب قوانین بودجه سالیانه به عهده پیمانکاران محول گردیده است. در شرایطی که تامین منابع مالی به عهده دولت باشد حسب قانون جاری مناقصات (ماده ۱۰) کارفرما موظف است در اسناد و مدارک مناقصه نحوه تامین منابع مالی را به صراحت ذکر نماید. اهمیت این امر تا آنجاست که مجدداً این تاکید حتی در بخشنامه ۶۵۶۳۷-۱۰۰ مورخ ۱۴/۰۸/۹۲ با عنوان فهرست بهای تجمیع شده راه و باند و فرودگاه و زیرسازي راه آهن به همراه دو عامل اصلی دیگر، یعنی استحصال اراضی و نقشه‌ها را به عنوان وظایف مسلم کارفرما تلقی نموده و کارفرما در صورت عدول از آن بایستی پاسخگو باشد، نیز آمده است. در ضمن لازم به ذکر است که براساس آمارهای رسمی منابع ذیربط از جمله سازمان مدیریت و سازمان بازرسی کل کشور بالای ۷۰٪ از ۱۰۰٪ علل تاخیرات پروژه‌ها و بالا رفتن زمان متوسط اجرای پروژه‌ها به بالای ۱۰ سال در کشور از همین منظر بوده است. قطعاً اگر به سوابق پروژه‌های گذشته و حال حاضر در کشور مراجعه شود صدق عرایض بنده تأیید خواهد شد.

سوال دهم: نظر شما در مورد ترکیب مرجع حل اختلاف و چگونگی کارکرد آن چیست؟ و چه پیشنهادهایی در این زمینه دارید؟

پاسخ سوال دهم: بنده در پرسش چهارم دیدگاه لازم را در این مورد ارائه نمودم و مجدداً تاکید دارم تا زمانی که به موضوع صلح دعوی و حل اختلاف به صورت منصفانه و عادلانه و البته به دور از حیطة و اثر کارفرمایان نپردازیم شرایط ما همین است که با آن مواجهیم و ما نمی‌توانیم به یک شرایط پروژه برد برد دست یابیم. بنده امیدوارم در بازخوانی شرایط عمومی پیمان حاضر (ماده ۵۳) به این مساله به درستی پرداخته شود و دولت قبول کند که فضای داوری از یک فضای خارج از حیطة و عمل طرفین قرارداد خصوصاً دولت بایستی پیگیری شود.

سوال یازدهم: آیا شرایط خصوصی می‌توانند

شرایط عمومی را نقض کنند؟

پاسخ سوال یازدهم: در ابتدای شرایط خصوصی پیمان منضم به شرایط عمومی پیمان جاری در کشور به صراحت نوشته شده است که "این شرایط خصوصی در تکمیل شرایط عمومی پیمان است و هر نوع برداشت که به نحوی در تضاد و یا نفی شرایط عمومی پیمان باشد از درجه اعتبار ساقط است." شرایط عمومی پیمان یک شرط ضمن عقد در اسناد و مدارک پیمان تلقی می‌شود. این مساله به نحوی در قانون مدنی (فصل چهارم) نوشته شده است. شرایط عمومی پیمان از نوع شرط "فعل" بوده و اگر در اسناد و مدارک و در شرایط خصوصی خلاف شرایط عمومی پیمان نوشته شود و امضای طرف مقابل قرارداد یعنی پیمانکار نیز دریافت شود باز در یک دادگاه قابل قبول نیست. علیرغم تعیین تکلیف مواردی که در شرایط خصوصی بایستی توسط دستگاه مناقصه گزار نوشته شود باز ما به کرات دیده ایم که دستگاه تهیه کننده اسناد مناقصه مشاوران و کارفرمایان مبادرت به اعمال سلیقه و نظر نموده و تعهدات مضاعفی خلاف آنچه که در شرایط عمومی پیمان ذکر شده به عهده پیمانکار محول می‌نماید که این تعهدات دارای بار مالی و زمانی قابل ملاحظه بوده

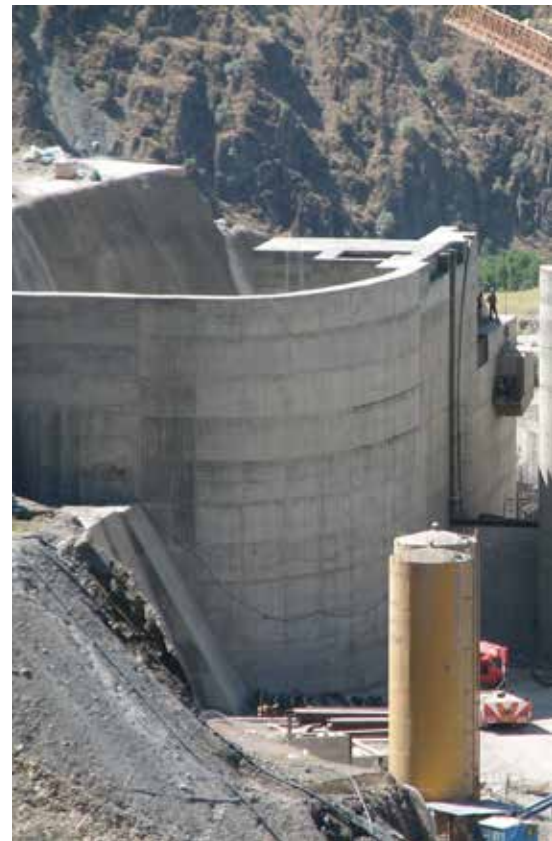


و اگر پیمانکار بخواهد این موارد را در قیمت خود ملحوظ کند قطعاً مواجهه با بالا رفتن قیمت و خروج از بازار رقابت خواهد گردید. لذا دستگاه مناقصه گر به هیچ وجه مجاز نیست تصمیم و نظر خود در شرایط خصوصی پیمان به نحوی اعمال نماید که محتویات و مندرجات شرایط عمومی پیمان را به طور مستقیم یا غیرمستقیم نفی نماید.

سوال دوازدهم: نظر شما در مورد اقدام مشترک طرفین قرارداد در حل اختلاف با یکدیگر چیست؟ و برای اثربخشی آن چه پیشنهادی دارید؟

پاسخ سوال دوازدهم: پاسخ این سوال را در سوال قبلی داده‌ام ولی باز پیشنهاد مشخص بنده این است که در طول اجرای پروژه یک هیات حکمیت (با نگاه فیدیک تشکیل DB) در قرارداد تعریف شود و مهم تر اختیارات کارفرما و مجری در مورد خلع ید و ضبط ضمانتنامه پیمانکار محدود شده و ارگان بی طرفی خارج از قرارداد در این مورد اعلام نظر نماید.

سوال سیزدهم: نظر شما در مورد معرفی



نمایی سرریز سد آزاد - استان کردستان - شرکت بین المللی استراتوس

دقیق نماینده کارفرما یا مجری پیمان در ابتدای قرارداد چیست و چه پیشنهادی در این مورد دارید؟

پاسخ سوال سیزدهم: در مورد این سوال بایستی خدمت جنابعالی عرض کنم که هم اکنون در کشور ساختار مشخصی برای نمایندگان قانونی کارفرما و حوزه اختیارات آنها به واقع وجود ندارد فی المثل در بخشهای مختلف صنعت از جمله نفت، گاز، پتروشیمی، آب و راه با توجه به ساختار سازمانی آنها نماینده های مختلفی به پروژه ها وارد می شوند بایستی جایگاه این تعاریف در شرایط عمومی پیمان مشخص شود. در شرایط عمومی پیمان حاضر این قبیل نمایندگان تحت عنوان "مدیر طرح" با ماهیت شخصیت حقوقی تعریف شده که قاعدتا بایستی قیاس به ورود MC به پروژه باشد. به هرحال در این حوزه نیاز به ضابطه قانونی داریم.

انتهای بحث

در انتهای بحث لازم می دانم به این نکته مهم اشاره داشته باشم که "قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار" به عنوان یک قانون پیش رو در فضای کسب و کار بخش خصوصی جاری است درخواست ما این است که به این قانون به درستی عمل شود در این قانون "شورای گفتگو" (بند چ ماده ۱) تشکیل شده که در حقیقت این شورا مسئولیت گفتگو بین دولت و بخش خصوصی می باشد از اختیارات شورای گفتگو (ماده ۱۱) به روشنی تکلیف بخش خصوصی با دولت روشن شده که بندهای الف و ج این ماده به نقل از متن خدمت شما ذیلا نوشته شده است.

بند الف - پیشنهاد اصلاح، حذف یا وضع مقررات اعم از آیین نامه، بخشنامه، دستورالعمل، شیوه نامه یا رویه اجرائی در جهت بهبود محیط کسب و کار در ایران به مسئولان مربوطه براساس گزارش تهیه شده از سوی دبیرخانه این شورا (نقل از متن) بند ج - ارائه پیشنهاد در مورد قراردادهای دستگاه های اجرائی با فعالان اقتصادی بخش های خصوصی و تعاونی به منظور ایجاد تراضی و منع تحمیل شرایط ناعادلانه به طرف مقابل در این قراردادها (نقل از

(متن)

و علاوه بر آن قانون گزار به منظور تعیین تکلیف رفع اختلافات بین دولت و بخش خصوصی مبادرت به تشکیل دادگاه های تجاری (موضوع ماده ۲۹) نموده است که عینا نقل از متن می شود.

ماده ۲۹: قوه قضائیه و دولت

اقدامات قانونی لازم را برای تنظیم آیین دادرسی تجاری و تشکیل دادگاه های تجاری به عمل می آورند.

تبصره: تا زمان تاسیس دادگاه های تجاری، جرایم مرتبط با فعالیت های تجاری و اختلافات بین بخش خصوصی و دستگاه های اجرایی حسب مورد در شوراهای حل اختلاف یا شعب خاصی که روسای دادگستری استان ها با رعایت صلاحیت محلی در حوزه های قضایی تعیین می نمایند، رسیدگی می شود. (نقل از متن)

اینجانب به عنوان عضوی که در بررسی و تدوین شرایط عمومی پیمان در طول چند سال گذشته سهیم بودم از مسئولان محترم ذیربط در نظام فنی اجرایی درخواست و استدعا دارم به آنچه که در این جلسات متعدد کارشناسی و با حضور پیمانکاران، مشاوران و نمایندگان کارفرمایان توافق شده است احترام گذاشته شود و از ورود و اعمال سلیقه شخصی در حذف یا اصلاح مواد به جد خودداری شود. هدف ایجاد یک رابطه متعادل و با شرایط برد برد برای تنظیم رابطه قراردادی و اجرائی بین کارفرما و پیمانکار در راستای تحقق منافع ملی کشور است. تردید ندارم عزیزان و همکاران ارجمند بنده در نظام فنی اجرایی قطعاً به این باور نیستند که حوزه اختیارات کارفرمایان را گسترش داده و پیمانکاران را در مضیقه قرار دهند.

قطعاً اعمال این سیاست به ضرر هر دو طرف قرارداد (کارفرما/پیمانکار است) بخش خصوصی از دولت یازدهم تدبیر و امید و از دولتمردان و مسئولان ذیربط انتظار ویژه در قبول نظرات و دیدگاه های منطقی، معقول و مرضی الطرفین را در روابط فیما بین دارد.



پرونده ویژه
شرایط عمومی پیمان

نقدی بر

ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان



دکتر سید فرهاد بطحایی *

پیشنهادی از سوی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری

مقدمه: حضور در اجتماع و ارائه خدمات اجتماعی در برخی موارد منجر به بروز اختلافاتی بین اشخاص می شود لذا طرفین برای حل و فصل آن اختلاف، گریزی از مراجعه به یک مرجع قضاوتی ندارند. اصولاً اولین مرجعی که به ذهن اشخاص خطور می کند اقامه دعوا نزد مراجع قضاوتی دولتی می باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۵۹، دادگستری را مرجع رسمی تظلمات معرفی کرده است.

مباشرت یا تکفل امور دادرسی و در بند «و» نفع شخصی را از جمله موارد رد دادرسی مورد اشاره قرار داده است. در ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان، داورى اختلافات بین کارفرمایان دولتی و پیمانکاران به شورای عالی فنی واگذار شده است. از آنجا که شورای عالی فنی متکفل برخی کارهای دولت در امور عمرانی می باشد و همچنین نفع مستقیم دولت از نتیجه رسیدگی به دعاوی راجع به پیمانها، به خوبی این مطلب را اثبات می کند که از منظر ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی شورای عالی فنی مرجعی مستقل و بی طرف تلقی نمی شود.

در مورد انتصاب داوران نیز ماده ۴۶۹ همان قانون انتخاب اشخاصی که در دعوا ذینفع باشند و یا مباشرتاً متکفل اداره امور یکی از طرفین دعوا باشد را ممنوع اعلام نموده است با این تفاوت که در صدر ماده قانونگذار تراضی طرفین را رافع این ممنوعیت دانسته است به موجب صدر این ماده «دادگاه نمی تواند اشخاص زیر را به سمت داور معین نماید مگر با تراضی طرفین...» شاید همین قسمت ماده ۴۶۹ و همچنین پیش بینی این شیوه در شرایط عمومی پیمان فعلی تدوین کنندگان ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان را بر آن داشته است که چنین شیوه ای را در ماده ۵۳ پیشنهادی مطرح نمایند. اما نظری رسید تکلیف مقرر در ماده ۵۳ فاقد وجهت قانونی می باشد. با این استدلال که:

آیه ۵۸ سوره نساء مسلمانان را مکلف نموده است هر گاه در مقام داورى برآمدند بین اشخاص به عدالت رفتار کنند. در این آیه

مراجعه به شورای عالی فنی می باشند و بدین وسیله از یکی از حقوق مسلم مقرر در اصل ۱۵۹ قانون اساسی محروم شده اند. در ادامه مشروح دلایل مبنی بر غیرقانونی و غیرشرعی بودن این شرط مورد اشاره قرار گرفته است.

۱- شورای عالی فنی در رسیدگی به اختلافات میان کارفرمایان دولتی و پیمانکاران واجد شرایط استقلال و بی طرفی نیست. طرفین هر اختلاف، از مرجع رسیدگی توقع

شخص داور باید تلاش کند از جاده بیطرفی منحرف نشود بلکه باید از ابتدای ارجاع اختلاف به داورى تدابیری اتخاذ شود که اصلاً زمینه ای برای بیطرفی فراهم نشود. به نظری رسید اولین و مهمترین گام در این راستا مربوط به انتخاب داوران است. طرفین باید داورانی انتخاب کنند که هیچ ذهنیتی برای جانبداری و یا سوگیری نسبت به هیچ یک از طرفین نداشته باشند.

دارند بدون وابستگی به طرفین با رعایت بی طرفی عادلانه به دعوا رسیدگی و اظهار نظر نمایند. در همین راستا، قانونگذار به منظور تأمین استقلال و بی طرفی قاضی دادگاه دولتی در ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، با احصاء نمودن جهات رد دادرسی مقرر نموده است «دادرسی در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نموده و طرفین دعوا نیز می توانند او را رد کنند...» و در بند «ب»

رسیدگی کدخدامنشانه، سازش و داورى نیز از دیگر شیوه های مرسوم حل و فصل اختلافات می باشد که اشخاص به واسطه مزایای ویژه این شیوه های حل و فصل، به آن متوسل می شوند. برخورداری رأی داور از اعتبار رأی دادگاه دولتی که در اصطلاح حقوقی از آن به «اعتبار امر قضاوت شده» یاد می شود، داورى را از رسیدگی کدخدامنشانه و سازش ممتاز نموده است. علاوه بر این مزایایی همچون سرعت، رسیدگی تخصصی، هزینه کمتر، رسیدگی محرمانه و به ویژه حفظ روابط دوستانه، صاحبان جرّف را به داورى ترغیب می کند. شرایط عمومی پیمان که در کنار موافقتنامه و دیگر مدارک الحاقی به پیمان یک مجموعه غیرقابل تفکیک را تشکیل می دهد از توسل به این شیوه حل و فصل اختلافات غافل نمانده و در ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان، ابلاغ شده در تاریخ ۱۳۷۸/۳/۳ به طرفین، اختیار حل و فصل اختلاف از طریق داورى را اعطاء نموده است.

به دنبال تلاشها برای اصلاح شرایط عمومی پیمان، معاونت محترم برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری مبادرت به تدوین پیش نویس شرایط عمومی پیمان جدیدی نموده است. در ماده ۵۳-۳ این شرایط عمومی از داورى به عنوان شیوه نهایی حل و فصل اختلافات یاد شده است و برخلاف شرایط عمومی پیمان جاری که طرفین در مراجعه به داورى مختار هستند، در این شرایط عمومی پیشنهادی، پیمانکاران برای حل و فصل اختلافات راجع به طرحهای عمرانی ناگزیر از

* عضو هیأت علمی دانشگاه - عضو کمیسیون حقوقی سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

- دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی - وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی



نمی توانند در رسیدگی و اظهار نظر خود بیطرفی را رعایت نمایند. اعتقاد قرآن بعنوان مقدس‌ترین و معتبرترین منبع حقوق اسلامی و تکلیف مقرر در آیه ۵۸ سوره مبارکه نساء هر مسلمانی را از داوری در چنین مرجعی بر حذر

می دارد. شاید رعایت همین مهم بوده است که در لایحه اصلاحی قانون آیین دادرسی مدنی که در تاریخ ۹۲/۴/۲۵ مجلس شورای اسلامی وصول آن را اعلام نموده است تهیه کنندگان لایحه را بر آن داشته است که از صدر ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی عبارت «مگر با تراضی طرفین» را حذف کند. به موجب ماده ۴۶۹ اصلاحی و در صورت تصویب اشخاصی که بنا بر یکی از جهات مذکور در آن ماده فاقد صلاحیت هستند حتی با توافق طرفین نیز قابلیت انتخاب شدن بعنوان داور را ندارند. بنابراین بی اثر بودن تراضی طرفین در انتخاب داوران که واجد اوصاف استقلال و بیطرفی نیستند گویای این واقعیت است که قانونگذار نیز به پیامدهای سوء حاصل از داوری اشخاص غیر بیطرف واقف شده است بنابراین منطق اقتضاء می کند حال که شرایط عمومی پیمان هنوز به تصویب و تأیید نهایی نرسیده است تدوین کنندگان پیش نویس با در نظر گرفتن مفاد ماده ۴۶۹ لایحه اصلاحی، ماده ۵۲ شرایط عمومی پیمان را تدوین

این نحوه قضاوت این نتیجه حاصل می شود که تأثیر پذیری از منافع یا زیان ها و یا وابستگی به یک طرف اختلاف به طور غیر ارادی ضمیر ناخوداگاه داور را تحت تأثیر قرار می دهد حتی اگر آن داور شیخ مرتضی انصاری باشد حال این مطلب که آیا اعضای محترم شورای عالی فنی از چنین ملکه نفسانی برخوردار هستند و می توانند بدون توجه به منافع یا زیان های احتمالی دولت و بدون نگرانی از ابقای خود در این شورا به دعاوی رسیدگی و اظهار نظر نمایند مطلبی است که باید قضاوت راجع به آن را به خود ایشان واگذار کرد.

البته تدوین کنندگان ماده ۵۲ در رد این استدلال خواهند گفت که اولاً قانونگذار در ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی به طرفین امکان انتصاب چنین داورانی را اعطاء نموده است و ثانیاً پیمانکاران در زمان انعقاد پیمان پذیری داوری چنین مرجعی می شوند و نقش شورای عالی فنی نشأت گرفته از توافق طرفین است ولیکن در ادامه اشاره خواهد شد که پیمانکاران راضی به داوری چنین مرجعی نیستند.

۲- پیمانکاران به داوری چنین مرجعی تمایل ندارند.

الف: هر چند ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی توافق طرفین را توجیه کننده داوری اشخاص غیر بیطرف قرار داده است اما از لحاظ روانی به جرأت می توان گفت چنین اشخاص

خداوند امر فرموده است «إِنَّ اللَّهَ يُؤْتِيكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» خدا به شما امر می کند که امانت را البته به صاحبانش باز دهید و چون حاکم بین مردم شوید داوری به عدالت کنید همانا خدا شما را پند نیکو می دهد که خدا به هر چیز آگاه و بصیر است. برای تحقق این مهم نه تنها شخص داور باید تلاش کند از جاده بیطرفی منحرف نشود بلکه باید از ابتدای ارجاع اختلاف به داوری تدابیری اتخاذ شود که اصلاً زمینه ای برای زوال بیطرفی فراهم نشود. به نظرمی رسد اولین و مهمترین گام در این راستا مربوط به انتخاب داوران است. طرفین باید داورانی انتخاب کنند که هیچ ذهنیتی برای جانبداری و یا سوگیری نسبت به هیچ یک از طرفین نداشته باشند. در احوال شیخ اعظم شیخ مرتضی انصاری آورده اند: «وقتی می خواست حکم آب چاهی را که آب آن به خودی خود طاهر بود ولی در مجاورت چاهی با آب غیر طاهر قرار داشت بفهمد، چون در خانه او ۲ چاه با این دو خصوصیت بود، پیش از مطالعه در باب حکم این موضوع، دستور داد چاه اول را کور کردند، چرا؟ چون ترسید که علاقه او به طاهر شمردن آب آن چاه و مخدوش شمردن طهارت آن بر اثر مجاورت با چاه دوم، ناخواسته و ناخوداگاه به ذهن او اثر بگذارد و مانع از فهم و شناخت حکم حقیقی خدا در باب آن چاه باشد.» از



▲ نمایی نیروگاه ده مگاواتی و سد آزاد - استان کردستان - شرکت بین المللی استراتوس



نمایند.

ب: در پاسخ به این ایراد که پیمانکاران خود بدون اجبار مبادرت به انعقاد پیمان می نمایند نیز باید گفت صرف نظر از اینکه عمده مدیران شرکت های پیمانکاری از چند و چون داوری آگاه نیستند، اصولا اراده و رضایت ایشان در قبول یا رد تمام یا برخی از مفاد پیمان نقشی ندارد. متأسفانه از قبل مفاد پیمان در قالب شرایط عمومی و خصوصی پیمان و توافقتنامه توسط دولت تنظیم شده و پیمانکار در صورت برتده شدن در مناقصه بدون اینکه مجاز به تغییر هیچ یک از مفاد پیمان باشد اراده اش فقط محدود به قبول یا رد شرایط از پیش تعیین شده توسط کارفرما می باشد بنابراین اگر در مفاد پیمان یک تعهد یا شرط غیر متعارف به زیان پیمانکار گنجانده شود چاره ای جز پذیرش آن ندارد. **درج شرط داوری در ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان نیز شرطی ناروا و تحمیلی است** چرا که بدون جلب نظر پیمانکار، داوران از قبل با پیشنهاد معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری و تصویب هیأت وزیران منصوب شده اند و در صورت لازم الاجرا شدن پیمانکاران برخلاف میل باطنی خود ناگزیر از پذیرش آن هستند با این امید که هیچ گاه در اجرای پیمان اختلافی حادث نشود و اگر از بد حادثه درگیر تند باد ناسازگار پیمانکار فرما

در ماده ۵۳-۳ این شرایط عمومی از داوری به عنوان شیوه نهایی حل و فصل اختلافات یاد شده است و برخلاف شرایط عمومی پیمان جاری که طرفین در مراجعه به داوری مختار هستند، در این شرایط عمومی پیشنهادی، پیمانکاران برای حل و فصل اختلافات راجع به طرحهای عمرانی ناگزیر از مراجعه به شورای عالی فنی می باشند

شدند براین امر واقف هستند که باید پیمان را به یک سرنوشت موهوم که البته همراه با خسران و زیان هست بسپارند.

آنچه تردیدی در ناروا بودن شرط داوری در شرایط عمومی پیمان جدید باقی نمی گذارد اجباری شدن مراجعه به داوری این شورا می باشد. به موجب شرایط عمومی پیمان جاری که از سال ۱۳۷۸ اجرایی شده است، در صورت بروز اختلاف هر یک از طرفها می توانند درخواست ارجاع موضوع اختلاف را به رئیس سازمان برنامه بودجه ارائه نمایند. نامه شماره ۵۱۳/۱۳۰۴۰۴ مورخ ۸۴/۸/۱۷

سازمان مدیریت و برنامه ریزی نیز که صراحتاً توسل به این شیوه را اختیاری دانسته است راه هرگونه شبهه را در اختیار پیمانکار برای مراجعه به داوری بسته است. حال آنکه در شرایط عمومی پیمان جدید این اختیار از طرفین سلب شده و ماده ۵۳-۳ طرفین را ملتزم به ارجاع اختلافات خود به داوری شورای عالی فنی نموده است و پیمانکاران را از مراجعه به دادگستری برای رسیدگی به دعاوی محروم نموده است.

این نوشته در صدد القای این شبهه که ماده ۵۳-۳ موجب بیدادگری و تضییع حقوق پیمانکاران می شود نیست بلکه به دنبال اثبات این نکته است که صرف نظر از نارسایی ها و فقدان هرگونه نشانه ای از کارآمدی شورای عالی فنی در امر حل و فصل اختلافات، پیمانکاران از این شیوه دادخواهی احساس امنیت و اجرای عدالت نمی کنند. این ضرب المثل انگلیسی شاید بهتر بتواند گویای دیدگاه نگارنده این سطور باشد که گفته اند «این نکته بسیار مهم است که عدالت نه تنها اجرا شده باشد بلکه لازم است به طور آشکار و غیر قابل تردیدی نیز اینگونه به نظر برسد.» می خواهیم بگویم با اجرایی شدن این ماده پیمانکاران احساس عدالت نمی کنند.

- رجوع کنید <http://f.manmote.com/pdf/khorasani-naeini.pdf>

“It is of fundamental importance that justice should not only be done, but should manifestly and undoubtedly be seen to be done” -



کنارگذر جنوبی بابل - شرکت آماکا



تنظیم: علی روزی طلب
عضو کمیسیون فنی سندیکای شرکت های ساختمانی

نگاهی کوتاه بر پیش نویس

شرایط عمومی پیمان جدید



تهیه و تدوین هر دستورالعمل و یا بخشنامه تکمیلی هنگامی ضروری می یابد که یا دستورالعمل قبلی پاسخگوی تمامی موارد نبوده است و یا اینکه با بروز شرایط جدید انجام تغییرات ضروری میگردد. لذا از مدتها قبل که مشخص گردید تهیه شرایط عمومی پیمان جدید در دستور کار نهادهای ذیربط در معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری قرار گرفته است این توقع در جامعه پیمانکاری ایجاد گردید که بخش قابل توجه ای از کاستی های شرایط عمومی پیمان جاری بر طرف خواهد گردید ولی با انتشار پیش نویس شرایط عمومی پیمان جدید مشخص گردید که علیرغم رفع بعضی از اشکالات و ابهامات قبلی با درج شرایط و بندهای جدید ابهامات دیگری نمایان گردیده است که در ذیل به صورت مختصر به تعدادی از آنها اشاره خواهد گردید لذا در حال حاضر که اهتمام مسئولین و کارشناسان محترم معاونت برنامه ریزی بر این مهم است که شرایط عمومی پیمان کامل و جامعی انتشار یابد پیشنهاد میگردد اولاً: در انتشار شرایط عمومی پیمان جدید تعجیل نگردد و ثانیاً: با بررسی و تجزیه و تحلیل نظریات دریافتی از دیگر کارشناسان صاحب نظر در بخشهای دیگر علی الخصوص جامعه پیمانکاری و تشکیل جلسات مشترک کارشناسی نسبت به ویرایش و اصلاحات لازم و منطقی اقدام شود تا نتیجه ای حاصل گردد که تا حد قابل قبولی پاسخگوی قراردادهای پیمانکاری در تمامی زمینه ها باشد.

بدیهی است نقد بر هر دستورالعملی به مراتب سهل تر از تهیه و تدوین آن می باشد لذا درج تعدادی از اشکالات به معنی نفی زحمات کارشناسان محترمی که در تهیه شرایط عمومی پیمان شرکت و همکاری داشته اند به هیچ وجه نخواهد بود. در ذیل به صورت نمونه پاره ایی از موارد و ابهامات مندرج در پیش نویس شرایط عمومی پیمان جدید عنوان می گردد:

ماده ۲۱:

در بند ۲۱-۴ با عنوان پوشش های بیمه ای در تکمیل تعهدات کارفرما می بایستی عنوان شود که کارفرما الزام دارد کارهای موضوع پیمان را به نحوی بیمه کند که در صورت بروز حادثه خسارات دریافتی از بیمه گریا کسرفرانشیزها برای اعاده کارها به حالت اولیه کافی باشد و در غیر اینصورت پرداخت

▲ سد زاوه - شرکت ژیان

رواج صنعتی سازی

افزایش عمر ساختمان - کاهش هزینه



ششمین نمایشگاه صنعتی سازی ساختمان و تجهیزات و فناوریهای نوین صنعتی سازی ساختمان روزهای سوم تا ششم آبانماه با حضور بیش از ۱۵۰ شرکت داخلی در مصلى بزرگ امام خمینی (ره) تهران برگزار شد. ارائه جدیدترین فناوریها، آشنایی با مباحث فنی و اجرایی صنعتی سازی ساختمان و ایجاد بازار مناسب برای عرضه تولیدات صنعت ساختمان از مهمترین اهداف برپایی نمایشگاه عنوان شده بود. در این نمایشگاه سندیکای شرکتهای ساختمانی نیز غرفه‌ای داشت که در آن به معرفی شرکتهای عضو خود و خدمات این سندیکا پرداخت. از این غرفه آقایان: احمد ناطق نوری نماینده پیشین مردم نور و محمودآباد در مجلس و مشاور عالی وزیر نفت، مهندس منوچهر شیبانی، مدیرکل دفترسازمانهای مهندسی و تشکلهای حرفه‌ای وزارت راه و مهندس حسن محتشم رییس انجمن انبوه‌سازان استان تهران بازدید کردند و با توانایی‌های شرکتهای عضو سندیکا آشنا شدند.



که نقشی در قرارداد منعقد بین دو طرف دیگر ندارد حکمی جهت آن قرارداد صادر نماید.

ماده ۳۵:

در بند ۳۵ اشاره گردد که در آذاسازی مراحل دوگانه آذاسازی تضمین حسن انجام کار تقدم و تأخر شرایط وجود ندارد و به طور مثال چنانچه پروژه تحویل قطعی گردید ولی هنوز صورت وضعیت قطعی تأیید نگردیده است می بایستی نصف مبلغ تضمین حسن انجام کار آزاد گردد.

ماده ۳۶:

در بند ۳۶-۴ عنوان گردیده است که مهلت پرداخت هر قسط پیش پرداخت سه هفته از تاریخ درخواست پیمانکار، یا ۲ هفته از تاریخ ارائه تضمین توسط پیمانکار هر کدام بیشتر است باشد در صورتیکه صدور ضمانتنامه پیش پرداخت توسط بانکها منوط به اعلام کتبی کارفرما به پیمانکار در خصوص تهیه ضمانتنامه و ارائه نامه کارفرما به بانک از طرف پیمانکار و درخواست صدور ضمانتنامه می باشد و کارفرما نیز در صورت عدم وجود نقدینگی کافی نامه مذکور را ممکن است صادر ننماید و بنابراین چون پیمانکار نمی تواند ضمانتنامه تهیه نماید تأخیرات این بخش منتفی میگردد لذا این بند می بایستی اصلاح گردد.

در آخر با توجه به مضمون این بیت حکیم سنایی که می فرماید:

با دو عاقل هوا نیا میزد
یک هوا از دو عقل بگریزد
مجدداً بردریافت نظریات دیگر
کارشناسان و بررسی و اعمال آن
در شرایط عمومی پیمان جدید
تأکید می گردد.

مابه التفاوت جبران خسارات به عهده کارفرما می باشد و همچنین بیمه نامه می بایستی به گونه ای تنظیم شود که در صورت بروز حادثه جبران خسارات به نرخ روز وقوع حادثه انجام گردد و به عبارتی تعدیلها و یا مابه التفاوت مصالح و هر گونه وجه دیگری که به موجب اسناد و مدارک پیمان جهت اجرای عملیات به پیمانکار تعلق می گیرد در مبلغ بیمه نامه درج شود.

ماده ۲۴:

۱- در ماده ۲۴-۳-۲ درج شده است که یک نسخه از پیمان پیمانکار فرعی با پیمانکار باید به مهندس مشاور و یک نسخه از آن به کارفرما تسلیم شود و این در حالی است که پیمان مذکور قراردادی است بین دو طرف دیگر و با شرایطی متفاوت لذا دلیلی جهت ارائه آن به مهندس مشاور و یا کارفرما وجود ندارد و پیشنهاد میگردد این بند به این صورت اصلاح شود که یک نسخه از شرایط فنی و مشخصات فنی پیمان پیمانکار فرعی با پیمانکار جهت تطبیق با شرایط فنی قرارداد اصلی به مهندس مشاور و کارفرما تسلیم شود، توضیح اینکه در بند ۲۴-۶ ذکر گردیده است که کارفرما در قبال پیمانکار جزء از جمله پرداخت مطالبات هیچ نوع تعهد و مسئولیتی ندارد و پیمانکار جزء صرفاً با پیمانکار اصلی طرف قرارداد و متعهد به یکدیگر می باشند.

۲- بند ۲۴-۷ می بایستی کلاً حذف شود چون شرایط قراردادی پیمانکار اصلی با پیمانکار جزء هیچ تشابهی با شرایط پیمانکار اصلی و کارفرما ندارد و توافقات به نحو دیگری انجام می پذیرد لذا دلیلی وجود ندارد که طرف سومی



۳۰ ویژگی "جامعه زنده"

ویژگی مهم این سلسله نوشته‌ها، کدگذاری آنهاست به گونه‌ای که هر کدام از ویژگی‌ها، بخشی از یک فرایند مهم در جامعه را نمایندگی می‌کند.

به نوشته دکتر سریع القلم، جامعه‌ای زنده است:

۱. که در عرصه‌های اقتصاد، هنر، علم، سیاست، میان شهروندان رقابت قاعده مند وجود داشته باشد

۲. که آموزش اخلاق و مسئولیت اجتماعی در دوره دبستان تمام شده باشد

۳. که تعداد رسانه‌های غیردولتی حداقل دو برابر دولتی باشد

۴. که در جاده‌های آن در هر صد کیلومتر برای شهروندان، استراحتگاه ساخته شده باشد

۵. که شهروندان آن به وفور به هم اعتماد کنند

۶. که حداکثر هزینه‌های غذا و مسکن، ۳۵ درصد درآمد شهروندان باشد

۷. که در فرودگاه‌های آن، حداقل ۷۰ ملیت و ۷۰ شرکت هواپیمایی خارجی تردد کنند

۸. که شهروندان آن وقتی به چهارراه می‌رسند، اتومبیل خود را کاملاً متوقف کنند

۹. که نرخ تورم در آن یک رقمی باشد

۱۰. که اساتید دانشگاه آن به کار دانشگاهی صرفاً به عنوان شغل نگاه نکنند بلکه برای خود، مسئولیت و رسالت اجتماعی قابل باشند

۱۱. که شهروندان آن به انجام کارهای صحیح و منظم توأم با سلامتی مالی عادت کرده باشند

۱۲. که تکمیل پیچیده‌ترین طرح‌های "عمرانی" در آن، حداکثر ۳ سال به طول انجامد

۱۳. که دامن‌آزمای شهروندان آن برای سفر، درخواست ویزا نکند

۱۴. که مجموعه جامعه و سیستم از مرحله امنیت و بقا عبور کرده باشد

۱۵. که شهروندان آن پس از تصادف رانندگی که پیش می‌آید، حتی یک واژه ناپسند نسبت به طرف مقابل استفاده نکنند

۱۶. که مدیریت آن جامعه مبتنی بر سعی و خطا نباشد

۱۷. که شهروندان نظافت محیط عمومی، خیابان‌ها، جاده‌ها و سواحل را با نظافت محل سکونت و اتومبیل خود مساوی بدانند

۱۸. که حداقل سه و نیم درصد نرخ رشد اقتصادی داشته باشد

۱۹. که شهروندان آن نگران آینده خود نباشند

۲۰. که دستگاه‌های اجرایی آن با fact تحلیل کنند و نه با تخیل

۲۱. که در آن فرهنگ مکتوب بر فرهنگ شفاهی غالب باشد

۲۲. که شهروندان آن از اخلاقی بودن و رعایت حریم‌های اجتماعی، لذت ببرند

۲۳. که شان و احترام و منزلت تولیدکننده از صاحب سمت بالاتر باشد

۲۴. واژه‌های "ببخشید"، "عذر می‌خواهم" و "اشتباه کردم" به وفور در میان شهروندان رواج داشته باشد

۲۵. که شهروندان آن، دندان‌های سالم داشته باشند

۲۶. که انتقاد از اندیشه‌ها و سیاست‌گذاران در آن، بی‌امدی نداشته باشد

۲۷. که سیاست‌مداران آن با هم قطاران خود در محیط بین‌المللی

مرتب در تعامل باشند

۲۸. که وقتی پلیس راهنمایی، اتومبیلی را به خاطر تخلف رانندگی

متوقف می‌کند، پلیس سراغ راننده برود نه بالعکس

۲۹. که حفظ تعالی، شکوفایی وطن و کشور بر هر امر دیگری اولویت داشته باشد

۳۰. که در آن شهروندان علاقه‌ای به داشتن سمت دولتی

نداشته باشند بلکه با فکر، همت و توانایی‌های خود زندگی کنند.

پاگرد در راه‌پله‌ها، زمینه‌ساز فراغتی کوتاه
برای انسان از فشار ناشی از بالا رفتن از
پله‌ها است و این پاگرد در مجله.....

کمیسیون انتشارات

میان آرزوی تو و معجزه خداوند، دیواری است به نام اعتماد. پس اگر دوست داری به آرزویت بررسی با تمام وجود به او اعتماد کن. هیچ کودکی نگران وعده بعدی غذایش نیست زیرا به مهربانی مادرش ایمان دارد. ای کاش ایمانی از جنس کودکانه داشته باشیم.

اینگونه نگاه کنیم

۱. مرد را به عقلش نه به ثروتش
۲. زن را به وفایش نه به جمالش
۳. دوست را به محبتش نه به کلامش
۴. عاشق را به صبرش نه به ادعایش
۵. مال را به برکتش نه به مقدارش
۶. خانه را به آرامشش نه به اندازه اش
۷. اتومبیل را به کاراییش نه به مدلش
۸. غذا را به کیفیتش نه به کمیتش
۹. درس را به استادش نه به سختیش
۱۰. دانشمند را به علمش نه به مدرکش
۱۱. مدیر را به عمل کردش نه به جایگاهش
۱۲. نویسنده را به باورهایش نه به تعداد کتابهایش
۱۳. شخص را به انسانیتش نه به ظاهرش
۱۴. دل را به پاکیش نه به صاحبش
۱۵. جسم را به سلامتیش نه به لاغریش
۱۶. سخنان را به عمق معنایش نه به گوینده اش

نگاه کنیم

کاربردهای مثبت زبانی

- با زبان می‌شود روحیه داد.
- با زبان می‌شود آبرو خرید.
- با زبان می‌شود تعریف کرد
- با زبان می‌شود آشتی داد
- با زبان می‌شود دل‌داری داد
- با زبان می‌شود آتشی را خاموش کرد،
چراکه نه؟



جلسه هیات مدیره سندیکای شرکتهای ساختمانی با حضور اعضای شورای عالی برگزار شد



جلسه هیات مدیره سندیکای شرکتهای ساختمانی با حضور اعضای شورای عالی برگزار شد. در این جلسه وضعیت بانکداری در ایران، الزامات و اقدامات برای عضویت بیشتر شرکتهای در اتاق بازرگانی، و انتخابات پیش روی شورای هماهنگی مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر خوانندگان محترم ماهنامه را به مشروح آن جلب می نماید.

مهندس کاظم سماک عضو هیات مدیره نیز در این

باره گفت: برای یافتن

جایگاه در اتاق بازرگانی نیاز به فعالیت گسترده ای هست. ساختار اتاق باید در این فرایند مورد توجه قرار گیرد. البته ما در این باره فعالیت خود را آغاز کرده ایم. با دستور هیات مدیره محترم تیمی متشکل



از بنده، مهندس صدرهاشمی نژاد، مهندس ملکبانی و مهندس دادمان تشکیل شد. ما نیز مسئله عضویت در اتاق را به سطح موسسه صنعت احداث بردیم و با تعریف تیمهای اجرایی کار خود را آغاز کردیم.

در حال حاضر ماهیت عضویت در اتاق با دوره قبل فرق دارد و شرکتهای ناچارند برای عضویت همه مراحل را با دقت طی کنند.

ضمن اینکه سرپل های پرداخت بدهی نیز سرجای خود قرار دارد و حتی اگر فردی قبلا در شرکتی کار می کرده و آن شرکت به اتاق بدهکار است، وی نمی تواند قبل از تسویه بدهی برای عضویت اقدام نماید.

مهندس صدرهاشمی نژاد رئیس هیئت مدیره شرکت استراتوس و عضو

شورای عالی سندیکا با اشاره به تاریخچه شکل گیری بانکهای خصوصی

عنوان کرد: باید جبهه ای گسترده و توانمند از انواع انجمنها و تشکلهای به وجود آید که یکی از مهم ترین راههای آن اتاق بازرگانی است. صنایع پیمانکاران بخش خصوصی وظیفه خود می دانند حرکتی آغاز کند که با ایجاد تحولی در اتاق بازرگانی به جدی شدن فعالیتهای آن در جهت ارتقای جریان خصوصی گرای (اقتصاد آزاد) شکل گیرد. وگرنه هیچ تشکل و سندیکایی به تنهایی نمی تواند خود را نماینده بخش خصوصی بخواند. از طرفی اتاق در انجام چنین وظیفه خطیری باید اعتدال را رعایت کند و با تمرکز روی مباحث اقتصادی از ورود در امور سیاسی بپرهیزد.





آقای نادر عطایی رئیس هیات مدیره شرکت جهانپارس و عضو شورای عالی

سندیکا هم گفت: هیات مدیره سندیکا موظف است اعضا را برای ثبت نام در اتاق تشویق کند. بیشتر از همه نیز باید شرکتهای باتجربه را مدنظر قرار دهد. ضمن اینکه لازم است به تقویت استانها نیز بیاندیشیم. پیشنهادی که من به مهندس خوانساری دادم و ایشان طی نامه ای به کانون سراسری اعلام کردند و خواستار پیگیری آن شدند.



سیس مهندس خوانساری نائب رئیس هیات مدیره سندیکا درباره عضویت

در اتاق بازرگانی گفت: توقع داریم

شورای عالی و هیات مدیره تلاش همه جانبه ای به کار برند. از جمله تعامل با معاونت برنامه ریزی و انتخاب مهندس دادمان از طرف بخش خصوصی در شورای عالی فنی از جمله آنهاست. علاوه بر این تصمیم بر تخصیص ۳۴ درصد از بودجه عمرانی که طی رایزنی هایی با آقای دکتر نوبخت حاصل شد.

مهندس خوانساری با اشاره به نشست آقای دکتر نوبخت درباره اجرای پروژه های نیمه کاره با تشکلهای افزود: لازم می دانم بگویم حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان برای اتمام پروژه های عمرانی لازم است در حالی که بودجه عمرانی ۳۸ هزار میلیارد تومان است. ۵۶۰ بیمارستان نیمه کاره و ۳۶۰۰ پروژه ورزشی نیمه کاره را می توان برای مثال ذکر کرد که در نهایت مصوب شده به بخش خصوصی وگذار شود تا برای اتمام آنها اقدام کنند.

وی افزود: ایجاد دبیرخانه نهاد تعامل، و تلاش برای تمديد رتبه قبلی پیمانکاران با توجه به شرایط اقتصادی موجود بوده است. در نهایت می توان گفت زمینه همکاری با دولتمردان امکان پذیر شده است.



مهندس محمدرضا انصاری عضو شورای عالی

سندیکا با تشکر از لوح تقدیری که به ایشان و

مهندس صدر هاشمی نژاد اعطا شد، گفت: این لوح

ارزش ویژه ای داشت چون از طرف جماعت صاحب تشخیص اهدا شد. به نظر من، گرایش دولتمردان به حفظ قدرت و توان دولت امری طبیعی است به خصوص که دولت ما امکان دسترسی به درآمد آسان را از طریق فروش نفت دارد. متأسفانه با چنین نگاهی، کار ارزش اساسی نیست و نفت تبدیل به ارزشی اساسی می شود در حالی که در کشورهای دیگر که به بخش خصوصی اهمیت می دهند به دلیل تمرکز بر هسته اصلی یعنی ارزش دانستن کار، دولت به حضور بخش خصوصی اهمیت می دهد.

وی افزود: ما در دوران گذار قرار داریم که دوران سختی است اما نباید فکر کنیم بخش خصوصی هیچ شانسی ندارد. این شانس مربوط به شیوه اقدام تشکلهای سازماندهی آنهاست.

امروزه دولت بیش از گذشته، نسبت به این بخش پذیرش نشان می دهد. باید تحولی در نگاه به دولت و مجموعه حاکمیت به وجود آید.



مهندس ناصر معدلی رئیس هیات مدیره

شرکت پرلیت و عضو

شورای عالی سندیکا نیز

تصریح کردند: در چین

فقط ۱۰ درصد از اقتصاد خصوصی شد و چین توانست با همین ۱۰ درصد به عنوان یکی از اقتصادهای برتر جهان مطرح شود. عکس‌العمل دولتمردان در

تشویق بخش خصوصی، نشان می‌دهد دولتمردان ما به اهمیت بخش خصوصی پی برده‌اند. این امر فرصتی برای بخش

عکس‌العمل دولتمردان در

تشویق بخش خصوصی،

نشان می‌دهد دولتمردان

ما به اهمیت بخش

خصوصی پی برده‌اند

خصوصی است که قدمهایی در راستای سیاستگذاری جمهوری اسلامی بردارد. قدمهایی مانند یافتن جایگاه در اتاق و تشکیل سندیکاها، مختلف و انسجام آنها؛ البته بعضی کارها دشوار و انرژی بر است. اما در مورد این قبیل کارها نیز اصل اول، جمع آوری نیروها برای رسیدن به هدف است. خوشبختانه در این باره مجمع سندیکاپیشرکتهای ساختمانی برای همکاری با هیات مدیره اعلام آمادگی کرده‌اند.



مهندس نوروزی، عضو شورای عالی

سندیکا نیز با اشاره به کارهای عمرانی

ناتمام موجود در کشور گفت:

نیمه کاره ماندن طرحهای عمرانی اثرات خیلی بدی برجای می‌گذارد از جمله بلاتکلیفی پیمانکاران و معلق ماندن سرمایه که نباید از آن غافل شد. ضمن اینکه پروژه‌هایی وجود دارند که اصلاً قابل واگذاری نیستند و باید به آنها پرداخته شود.



مهندس جمالی عضو دیگر هیات

مدیره برزمانبر بودن پروسه فرایند

عضویت در اتاق تاکید کردند و گفت:

مسئله بخش خصوصی فقط به پیمانکاران اختصاص ندارد و صنایع کشور نیز مشکل دارند. به خصوص از لحاظ تبادل ارزی. درباره کارهای نیمه تمام، دولت می‌خواهد سرمایه گذار بخش خصوصی کار را به سرانجام برساند که شدنی نیست. در دوره‌های گذشته توان پیمانکاران به قدری تحلیل برده شد که در حال حاضر پیمانکاران ما توان سرمایه گذاری ندارند.



مهندس امیرزاده عضو دیگر

هیات مدیره سندیکا نیز عنوان

کرد:

مسئله اصلی سرمایه است. ما برای توسعه نیاز به سرمایه داریم. و برای این منظور لازم است دروازه‌های کشور به روی سرمایه گذاران خارجی باز باشد. و امنیت سرمایه، برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی فراهم شود.





آلودگی بیش از حد زیست محیطی تهران بزرگ وراه حل پیشنهادی



مهندس نادر عطائی
رئیس هیأت مدیره گروه ساختمانی جهان پارس

که به واسطه گرانی بیش از اندازه مسکن در تهران در مدت زمان بسیار کوتاه و غیرمتعارف ثروتمند شدند موجب تشدید مهاجرت گردید و همین طور شهرداری‌ها که بخشی از ممر درآمدشان را روی فروش اضافه تراکم متمرکز کرده‌اند، زمینه‌های لازم را برای معضلات این شهر بیش از پیش فراهم ساختند تا جایی که به جرأت می‌توان گفت، چنانچه روند شتابان فعلی ساخت و ساز در این شهر ادامه یابد، تهران از جنبه‌های مختلف به بن بست خواهد رسید.

نظیر منزل و غیره از هموطنان تهرانی خود عقب نمانند، به گونه‌ای که پایتختی که از عهده خدمات رسانی به چهار میلیون نفر به خوبی برنمی‌آید، ظرف سه دهه، جمعیت آن به بیش از سه برابر افزایش یافت. چنانچه شرایط با همین روند پیش رود قطعاً ظرف سه دهه آینده جمعیت این شهر به بیش از ۲۴ میلیون نفر خواهد رسید.

این افزایش جمعیت، همراه با ساخت و سازهای بی‌رویه، مبتنی بر سودجویی توسط گروهی موسوم به بسازوفروش

هنگام بروز مشکلات شهری، ساکنان آن وظیفه دارند برای برون رفت از این مشکل، چاره‌جویی نمایند.

قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، به دلیل پاره‌ای از سیاست‌گذاریها و روشهای اجرایی و تخصیص منابع با محوریت توسعه مرکز، مهاجرت از بخشهای پیرامونی مناطق محروم و کمتر برخوردار به شهرهای بزرگ به ویژه کلانشهر تهران رشدی شتابان یافت. جمعیت کثیری از روستاها به پایتخت هجوم آوردند تا با دسترسی به اشتغال و دریافت مزایایی



تا دو سه دهه پیش اکثر ساکنان تهران، به خصوص آنهایی که در کسب و کار و تجارت بودند، رغبتی برای خرید خانه مسکونی نداشتند و اغلب اجاره نشین بودند، زیرا خرید منزل سودآور نبود. صاحبان و مالکان منازل اجاره‌ای هم اجاره بهایی را که می‌گرفتند، اغلب آن را در پایان سال صرف تعمیرات، رنگ و نقاشی می‌کردند. منزل و آپارتمان کالای سرمایه‌ای نبود. ولی در مدت زمان کوتاهی، زمین و ساختمان، کالای سرمایه‌ای پرسودی گردید و توانست منافع هنگفتی را نصیب بساز و بفروش‌ها و دلال‌ها کند.

لازم به ذکر است که در کشورهای پیشرفته مسکن جزء کالاهای غیرسرمایه‌ای است و به مرور در اثر گذشت زمان قیمت آن کاهش می‌یابد ولی گروه بساز و بفروش‌ها با زیر پا گذاشتن و پیمان کردن اصول اخلاقی و با همکاری و همراهی دلال‌های سودجو که قصد دارند يك شبه ره صد ساله را ببیمایند، هر ساله مبلغ قابل توجهی به قیمت ساختمان اضافه می‌کنند و گرانی انفجارگونه قیمت ساختمان باعث شده تا عده‌ای که ظرفیت ثروتمند شدن را نداشتند به یکباره به ثروت هنگفتی دست یابند و با ولخرجی‌های بی‌رویه، موجب افزایش بیش از حد قیمت‌های مایحتاج عمومی مردم شوند و عرصه را بر حقوق‌بگیران و دیگر افرادی که درآمد کافی ندارند، تنگ کنند تا جایی که هیچ زوج جوانی نمی‌تواند یک خانه ۴۰ یا ۵۰ متری برای خود تأمین نماید.

عدم توجه به توسعه پیرامون در برنامه‌ریزیهای توسعه و فقدان حداقل امکانات زیستی و زندگی برای گروه‌های وسیعی از مردم، بر اثر توسعه موزون، گروه‌های انسانی عشایری، روستایی و مردم شهرهای کوچک را ترغیب کرد تا با فروش دار و ندار خود نظیر باغ، زمین، گاو و گوسفند، به تهران هجوم آورند و با خرید آپارتمان‌های حتی ۴۰ متری، در تهران و شهرک‌های اطراف آن ساکن شوند. چون روز به روز به طور کاذب بر قیمت املاک افزوده می‌شد، کوچ‌کنندگان از این که از محیط باز روستا

و ده دست کشیده و با زن و فرزندان - که معمولاً خانواده‌های روستایی پر تعداد هم می‌باشند- از حبس شدن در چهار دیواری چهل متری غمگین نمی‌شدند بلکه ترقی کاذب قیمت‌های مسکن آنها را شاد می‌کرد و سبب می‌شد تا سایر هم ولایتی‌های خود را نیز به مهاجرت به تهران و حومه ترغیب کنند. اقامت این افراد در پایتخت پس از چند سال، برای همیشه تثبیت شد و فکر برگشتن به ولایت را برای همیشه از سر آنها به در کرد. چنانچه تحقیقی پیرامون اتومبیل‌های شخصی مسافرکش تهران شود، این واقعیت روشن می‌گردد که همگی آنان از استانهای محروم و کمتر برخوردار، از شهرها و روستاهای مختلف آن، به تهران آمده‌اند. وقتی از آنان سوال کنند چرا ولایت خود را ترک کرده و به این شهر آمده‌اند، می‌گویند: در ولایت خودمان کار نیست برای کار به اینجا آمده‌ایم و کارشان هم مسافرکشی است، کار دیگری ندارند. بنابراین دولت بایستی یک راهکار اساسی برای این مشکل پیدا کند.

بیکاری فزاینده انبوه جمعیت در تهران، موجب گمراهی اکثر مردم به خصوص جوانان شده و اغلب آنان را به فعالیت‌های غیرمولد و کارهای کاذب کشانده است. این جوانان بیکار با دست به دست کردن مایحتاج عمومی، به تبع آن گران کردن بیش از حد قیمت اجناس و انجام فعالیت‌های غیرمولد، شرایط نامناسبی را در زندگی شهری پدید آورده‌اند. با این که دولتمردان

نمی‌توان منکر توسعه و گسترش شهرها شد؛ اما این امر باید به طریق اصولی و برنامه‌ریزی شده، انجام پذیرد. برای نمونه شهرک‌هایی که در حواشی تهران مانند پرند، پردیس و غیره ساخته شده، چون در طراحی آنان محل کاری برای ساکنان آن در نظر گرفته نشده، متأسفانه فقط به خوابگاه‌های در حوالی تهران تبدیل شده‌اند.

و دست‌اندرکاران و مردم عادی از فرجام و پیامدهای بد و هولناک آن با اطلاع هستند ولی متأسفانه تاکنون هیچ راه چاره اثربخشی برای از بین بردن این معضل ارائه نشده است.

آماري که از سوی مقامات مسئول در رسانه‌های همگانی اعلام می‌شود حاکی از آن است که در سالهای اخیر، چند هزار نفر به دلیل آلودگی هوای این شهر، جان خود را از دست داده‌اند. در این که آمار اعلام شده دقیق است یا نه، حرفی نیست. ولی آیا آماري در دست داریم که نشان دهد در سالهای اخیر، چه تعدادی از انسانها از این آلودگی هوا لطمه دیده و به نحوی به مرگ نزدیک شده‌اند؟ نباید بگذاریم تا مردم بمیرند و آمارشان را منتشر کنیم. بلکه باید برای جلوگیری از قربانی شدن افراد بیشتر، چاره‌اندیشی نمائیم.

در سال‌های اولیه انقلاب، شهرداری تهران خودکفا نبود و بودجه‌ی آن همانند شهرداری کلان شهرهای سایر کشورها از طریق عوارض مستقیم و غیرمستقیم و کمک‌های دولت تأمین می‌شد. ولی با اعمال سیاست خودکفا

همزمان از ساخت و ساز بی‌رویه نیز جداً جلوگیری به عمل آید.

اوایل انقلاب خارج از محدوده‌ی پنج ساله‌ی عمرانی طرح جامع تهران، اجازه قرارداد آن آجری روی آجر داده نمی‌شد. مثلاً حد غربی این محدوده از جنوب میدان آزادی به طرف فلکه دوم صادقیه و از این میدان و خیابان سازمان آب به طرف شرق بود، یعنی شرق اتوبان کرج یا شیخ فضل‌الله نوری.

کافی است به نقشه تهران آن زمان و نقشه‌های فعلی نگاهی بیندازید. به راحتی درمی‌یابید که میدان آزادی یا فلکه صادقیه که زمانی مرز محدوده غربی شهر تهران بود، اینک در کدام منطقه جغرافیایی این شهر واقع شده است.

زمین‌های زراعتی که روزگاری بخش زیادی از نیازمندی‌های این شهر را تأمین می‌کرد و باغ‌های سرسبز بونک، فیض، کن، فرحزاد، طرشت و صدها محل دیگر، امروزه با آهن، آجر و سنگ، تغییر شکل پیدا کرده و از آن همه سرسبزی، فقط قطعه‌های بسیار کوچکی باقی مانده که آن‌ها نیز به عمد توسط صاحبان آنان در شرف خشک شدن هستند و تنها نام و یاد و خاطره‌ای از آنها در اذهان به جا مانده است.

در شمال شهر دامنه‌ی زیبایی کوه‌ها به کلی تصرف شده و هر کدام از ارگان‌ها، سازمان‌ها یا اشخاص، به نسبت مجال و توانشان، منابع طبیعی یاد شده را به دیگر متصرفات خود ضمیمه کرده‌اند. سمت شرق و جنوب هم وضع بهتری از سمت غرب و شمال ندارند.

ذکر این نکته لازم است که نمی‌توان منکر توسعه و گسترش شهرها شد؛ اما این امر باید به طریق اصولی و برنامه‌ریزی شده، انجام پذیرد. برای نمونه شهرک‌هایی که در حواشی تهران مانند پرنده، پردیس و غیره ساخته شده، چون در طراحی آنان محل کاری برای ساکنان آن در نظر گرفته نشده، متأسفانه فقط به خوابگاه‌های در حوالی تهران تبدیل شده‌اند. یعنی ساکنان این شهرک‌ها روزها برای کار به تهران هجوم

معدنی در بطری‌های پلاستیکی تشویق می‌شوند. اگر هم تشویق نشوند باز هم هرفردی ناگزیر است برای حفظ سلامت خود حتی به قیمت گزاف هم شده، از آب آشامیدنی سالم استفاده کند. گوااین که جنبه سودجویی و سودآوری این آب‌ها نیز گاهی انسان را در درست بودن آن نیز به شک می‌اندازد.

علاوه بر تعداد قابل ملاحظه‌ای از وسایل نقلیه عمومی و خصوصی که دودزا و آلوده‌کننده هستند، پدیده جدیدی هم در چند سال اخیر به آنها پیوسته که با تشنج‌آفرینی و آلودگی صوتی و محیطی، جسم و روح مردم را آزار می‌دهد و آن وجود ده‌ها هزار موتورسیکلت، از انواع مختلف است که جزئیات چگونگی مزاحمت آنان از حوصله این مقاله خارج است. اخیراً مسئولان محیط زیست اعلام کرده‌اند که هر موتورسیکلت چندین برابر یک اتومبیل، فضای شهر را آلوده می‌کند. آیا کسی قادر است این حجم عظیم موتورسواران را که برخی از آن‌ها به اجبار امور زندگی خود را با آن می‌گذرانند از سطح شهر جمع‌آوری کند؟

حال این سؤال پیش می‌آید که آیا در کلان‌شهری مانند تهران با این همه جمعیت و مشکلات یاد شده، می‌توان زندگی سالم و توأم با آرامش داشت؟ قطعاً چنین انتظاری دور از واقعیت است. مگر این که از یک طرف، محدودیت‌هایی برای جلوگیری از مهاجرت به این شهر در نظر گرفته شود و

برای جلوگیری از صدور مجوز ساخت و سازهای بی‌رویه می‌بایستی وجوهی را که شهرداری‌ها برای مجوز ساخت و ساز و اضافه تراکم وصول می‌کنند، همانند سایر درآمدهای دولتی به خزانه دولت واریز شود و شهرداری‌ها نیز هزینه‌های خود را مانند سایر ارگان‌های دولتی در چهارچوب بودجه سالیانه دریافت نمایند تا از صدور مجوزهای خودسرانه جلوگیری به عمل آید.



کردن شهرداری‌ها و واگذار کردن سیاست مالی شهر، بدون تدوین مقررات و قوانین جدید، به شهردار و مدیران شهرداری‌ها، دست مدیران شهرداری‌ها برای گرفتن عوارض گوناگون قانونی و غیرقانونی از جمله فروش تراکم باز شد تا جایی که در تمام مناطق حتی در کم‌عرض‌ترین کوچه‌ها مجوز ساخت برج صادر می‌کنند و به تبع آن هر کسی خانه کلنگی‌ای با مترازی متوسط داشت، آن را تخریب نموده و یک برج چند طبقه ساخت!! و دامنه ساخت و ساز به جایی رسیده که امروزه شاهد آن هستیم.

در حال حاضر گذرگاه‌ها که شریان‌های حیاتی یک شهر هستند، کشش این همه وسیله‌ی نقلیه و جمعیت انبوه را ندارند. آب این شهر که روزی یکی از بهترین آب‌های شرب و منشاء آن برف‌های قله‌های شمالی البرز بود، اکنون در اثر ازدیاد جمعیت و با برداشت بی‌رویه از آب چاه‌های عمیق، از رنگ، طعم و حتی سلامت لازم برخوردار نیست. به گونه‌ای که مردم برای آب آشامیدنی به مصرف آب

می‌آورند و شبها فقط برای خوابیدن به این شهرکها برمی‌گردند.

در مقایسه با برنامه‌ریزیهای علمی شهری، لازم است آن را با ذکر مثالی ارائه دهیم. برای نمونه شهر لندن که هنوز ترکیب قدیمی خود را حفظ کرده و یکی از پرجمعیت‌ترین شهرهای دنیاست، از آنجا که برنامه‌ریزی شده و از روی استاندارد شهری گسترش یافته برآن اساس فقط در بخش‌های خاصی از شهر اجازه ساختمان‌سازی بلندمرتبه (برج)، آن هم با حفظ افق آسمان به یک اندازه معین داده می‌شود و هر کسی هم بخواهد منزل مسکونی قدیمی خود را تخریب و بازسازی نماید، شهرداری از ساختمان موجود فیلمبرداری نموده و سپس اجازه تخریب آن را صادر می‌نماید و صاحبخانه نیز متعهد می‌گردد مطابق نقشه و نمای قبلی، ساختمان جدید را احداث نماید. به همین دلیل در توسعه شهری لندن هیچکدام از معضلات تهران مشاهده نمی‌شود و یا اگر مشکلی هم دارد، با آنچه که ما در تهران شاهد آن هستیم، قابل قیاس نیست.

چند سال قبل در رسانه‌های نوشتاری آمده بود که مسئولان ترافیک لندن برای جلوگیری از ازدحام اتومبیل‌ها در هسته مرکزی شهر، اجازه ورود به چند اتوبان منتهی به مرکز شهر را نمی‌دهد و هیچ اتومبیلی هم حق ورود به آن محدوده را ندارد. در این راستا در شهر تهران هم، این امر به صورت دیگری انجام می‌شود، یعنی محدودیت‌هایی به وسیله شهرداری برای عدم ورود به مرکز شهر تعیین گردیده ولی خود شهرداری نیز مجوز ماهیانه می‌فروشد و علاوه بر آن با گماردن چند نفر در ورودی‌های محدوده ترافیک، با پرداخت مبلغ معینی و دریافت قبض، امکان ورود به محدوده می‌دهند؟!

در ترافیک اتوبان‌ها و بزرگراه‌های تهران به خصوص در اوقات پررفت و آمد ملاحظه می‌شود که بعضی از قسمت‌های یک سمت اتوبان شش بانده است که پس از دویست - سیصد متر به سه بانده منتهی می‌شود. حال تصور کنید حدود ساعت هشت صبح

در اتوبان شش بانده هشت ردیف اتومبیل در حرکتند و قصد دارند وارد اتوبان سه بانده شوند. در آنجا با هم چانه می‌زنند و چهار ردیف اتومبیل حرکت می‌کند. این است که توقف‌های طولانی، ایست و حرکت کردن‌های منقطع، آلوده‌ترین هوا را وارد ریه‌های سرنشینان و محیط می‌کند.

علاوه بر موارد فوق، مساحت مفید شهر تهران حدود ۷۳,۰۰۰ هکتار می‌باشد. اگر ۴۰ درصد آن به دسترسی‌های شهری و فضای سبز و ۶۰ درصد باقیمانده آن معادل ۴۴,۰۰۰ هکتار به ساخت و ساز اختصاص داده شود، به طور میانگین با در نظر گرفتن برج‌سازی‌های محدود، اگر متوسط تعداد طبقات ساختمان‌ها ۵ طبقه در نظر گرفته شود، در صورتیکه اخیراً شنیده می‌شود شهرداری در اکثر نقاط تهران حداقل تا هفت طبقه مجوز می‌دهد و متراژ هر واحد اگر به طور متوسط ۱۰۰ متر مربع باشد، در آن صورت چنانچه با همین شتاب ساخت و ساز پیش رود، در شهر تهران باید ۱۳ میلیون خانوار زندگی کنند اگر به طور متوسط برای هر خانواده چهار نفر عائله در نظر گرفته شود، در آینده‌ای نه چندان دور باید ۵۲ میلیون نفر در تهران زندگی کنند. این جمعیت بدون احتساب مراجعین از شهرهای دور و نزدیک است. با آلودگی‌هایی که بوجود می‌آید، آیا در آن زمان جاننداری می‌تواند در این ازدحام زنده بماند؟!

علاوه بر مراتب فوق همه می‌دانیم که شهر تهران روی گسل‌های زلزله قرار دارد، اگر روزی خدای ناخواسته زلزله‌ای با درجه بالای ۶ ریشتر حادث شود، آیا می‌توان تصور کرد که چه فاجعه‌ای در شهر تهران به وقوع خواهد پیوست؟!

برای حل مشکل فوق :

• باید از همین امروز اجازه نداد که در این شهر هیچ‌گونه اضافه‌بنایی ساخته شود مگر برای خدمات شهری و اماکن عمومی و رفاهی و چنانچه کسی هم بخواهد خانه قدیمی و کلنگی خود را تخریب و بازسازی

نماید به اندازه همان زیربنای قبلی اجازه ساختمان داده شود.

• باید به افراد بومی سایر شهرها و روستاها امکانات و امتیازات بیشتری داده شود تا در محل سکونت خود زندگی کنند و به شهرهای بزرگ نظیر: تهران، اصفهان، شیراز، مشهد، تبریز و اهواز هجوم نیاورند. در صورت لزوم می‌توان قوانینی هم وضع کرد که مانع مهاجرت به این شهرها گردد.

• باید سازمان‌هایی که فعالیت آنان در ارتباط با سایر استان‌های کشور است، در مراکز همان استان‌ها متمرکز شوند.

• باید قوانین سختی برای مجازات آلوده‌کنندگان شهر و برهم‌زنندگان نظم عمومی آن وضع و آن را به طور قاطع به اجرا گذاشت.

• برای جلوگیری از صدور مجوز ساخت و سازهای بی‌رویه باید وجوهی را که شهرداری‌ها برای مجوز ساخت و ساز و اضافه‌تراکم وصول می‌کنند، همانند سایر درآمد‌های دولتی به خزانه دولت واریز شود و شهرداری‌ها نیز هزینه‌های خود را مانند سایر ارگان‌های دولتی در چهارچوب بودجه سالیانه دریافت نمایند تا از صدور مجوزهای خودسرانه جلوگیری به عمل آید.

• دولت باید به بساز و بفروش‌های ساختمان که کارشان صرفاً ساختمان‌سازی است و همه آنان هم علاقه‌مندند فقط در محله‌هایی مانند زعفرانیه، فرشته، نیاوران و امثالهم فعالیت کنند و بناهای ساخته شده را متمرکبی تا ۳۵ میلیون تومان بفروشند، زمین‌های وسیعی از محل‌های زمین‌های کویری از طریق منابع طبیعی به فاصله ۶۰ کیلومتری کلان‌شهرها همانند سایر کشورها به آنها واگذار نماید تا آنان اقدام به شهرک یا شهرسازی به طور کامل نمایند یعنی در آن شهرک و شهر مرکز خرید، دفتر کار، کارخانه و کارگاه‌های متفاوت و محل کسب و کار باشد تا مردم برای کسب و کار به شهرهای بزرگ هجوم نیاورند و مسکن هم اینقدر گران نشود.



مدیرکل درآمد حق بیمه سازمان بیمه تامین اجتماعی عنوان کرد:

در همه امور مربوط به درآمد دنبال بازنگری مناسب با شرایط جامعه هستیم

در مصاحبه‌ای با آقای قریب مدیرکل درآمد حق بیمه سازمان تامین اجتماعی که با حضور مهندس محمدعلی پورشیرازی عضو کمیسیون انتشارات و دکتر غلامرضا علی‌زاده سردبیر ماهنامه پیام آبادگران صورت گرفت، مسئول درآمد حق بیمه تامین اجتماعی و معاونان ایشان آقایان گورابی و کریمی به سوالات مطرح شده درباره مسائل مبتلابه پیمانکاران و کارفرمایان پاسخ دادند. که نظر خوانندگان محترم ماهنامه را به مشروح آن جلب می‌نماییم.



تصویب صدور ضمانت نامه های بانکی برای افزایش صادرات

افزایش سرمایه بانک توسعه صادرات و سرمایه صندوق ضمانت صادرات ایران یکی از موارد مهمی است که به گفته نعمت زاده به عنوان لایحه در مجلس مطرح شده و امید است به تصویب برسد چراکه در حال حاضر صندوق ضمانت صادرات به دلیل کمبود سرمایه، نمی تواند وظایف خود را به خوبی انجام دهد. بر اساس آخرین گزارشات در نیمه اول امسال، صادرات کالا به ۲۳ میلیارد دلار و صادرات خدمات به پنج میلیارد دلار رسید و در مجموع ۲۸ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی برای کشور رقم زده شد.

مجموع صادرات کالا و خدمات نسبت به واردات از نظر ارزشی دو میلیارد دلار افزایش داشته و میزان صادرات در مقایسه با سال گذشته ۱۸ درصد و بدون احتساب میعانات گازی حدود ۱۰ درصد رشد داشته است. آنچه برای صادرات کالا تا پایان سال هدفگذاری شده دستیابی به صادرات ۴۹ میلیارد دلاری است و در بخش خدمات نیز صادرات ۱۲ میلیارد دلاری هدفگذاری شده است.

به گزارش ایسنا، یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون و ۷۹۲ هزار تن انواع مصالح ساختمانی از جمله سنگ، گچ، سیمان، پنبه نسوز، سرامیک و محصولات شیشه ای در شش ماه امسال به ارزش ۶۱۲ میلیون و ۳۵۱ هزار و ۹۳ دلار صادر شده است. منبع: خبرگزاری ایسنا



در ابتدای جلسه دکتر علیزاده از فرصتی که برای مصاحبه اختصاص یافته بود از آقای قریب مدیرکل و معاونان ایشان تشکر و قدردانی کرد و متقابلاً از طرف آقای مهرداد قریب برای برگزاری این نشست از متولیان امور ماهنامه پیام آبادگران سپاسگزاری شد. دکتر علی زاده ضمن ارج نهادن به تلاشهای سازمان گفت: کماکان در مواردی مجریان پیمان در اجرای پیمانها با سازمان تأمین اجتماعی دچار مشکلاتی هستند از جمله نوع تعاملات بین سازمان تأمین اجتماعی با بخش کارفرمایی، منابع اقتصادی، خدمات درمانی، مفاصا حسابها و.... تأمین اجتماعی برای برطرف کردن این مسائل تا چه حد مصمم است؟

آقای قریب: با سلام و خیر مقدم به میهمانان این نشست، باید بگویم: سازمان

تأمین اجتماعی در دولت تدبیر و امید کارهای بسیار ارزنده ای انجام داده و کارهای ارزنده دیگری در دست اقدام دارد. به عبارتی روند کار در یکسال گذشته هم در بخش درمان و هم در معاونت تأمین و درآمد روانتر شده است. اگر در گذشته کارفرما اعتراضی داشت، رسیدگی به آن ۸ ماه طول می کشید ولی امروز مدت رسیدگی جز در موارد استعلامی به ۳ ماه تقلیل یافته است. در مورد مفاصا حساب هم اگر کارفرما بدهی نداشته باشد در کمترین زمان صادر می شود که قدم مثبتی در جهت تعامل با کارفرما بوده است. برای بیشتر شدن این تعامل نیز سعی داریم نظر کارفرمایان را در بخشهای مختلف بشنویم و اگر نیاز به تصمیم گیری جدیدی داشته باشد در مورد آن عمل



می شود و در موارد دیگر چنانچه نیاز به بخشنامه های جدید و مناسب باشد با توجه به این نقطه نظرات اقدام خواهیم کرد.

مهندس پورشیرازی: مدتی است تأمین اجتماعی تغییر یافته و حتی در مورد استفاده از برخی مفاهیم مانند «حق الناس» دقیق تر شده است. تأمین اجتماعی نبض سلامت و آرامش مردم در همه جای جهان است. البته ما فقط در مورد حرفه خودمان سخن می گوئیم. سازندگان زیربنایی کمترین بدهی را به سازمان تأمین اجتماعی دارند چون بدهی آنها از صورت وضعیت کم می شود. ما سهم خودمان را پرداخت می کنیم ولی خدمات مربوط به سلامت که توسط تأمین اجتماعی ارائه می شود کامل نیست و برخی از بیماریها و داروها از گردونه تأمین خارج شده اند.

آقای قریب: البته ما در بخش درمان ورود نمی کنیم. با این همه تأمین اجتماعی در بخش درمان مستقیم و غیرمستقیم خدمات تعریف شده ای دارد. در یک سال و نیم اخیر دفترچه های درمانی اعتباری نداشته اند و بخش خصوصی و دولتی ارزشی برای آن قائل نمی شدند اما اخیراً تصمیماتی در این دو بخش گرفته شده که از ماه های آینده اعمال می شود و در بخشهای دولتی مستمری بگیران تأمین اجتماعی به طور رایگان و بدون فرانشیز خدمات درمانی خود را دریافت می کنند. در گذشته تأمین اجتماعی مطالبات پزشکان و طرفهای قرارداد را دیر پرداخت می کرد و آنها تمایلی به عقد قرارداد و ارائه خدمات نشان نمی دادند اما در حال حاضر کلیه مطالبات پرداخت شده و با این کار به دفترچه های تأمین اجتماعی اعتبار بخشیده شده است.

مهندس پورشیرازی: طبق قانون تجارت هیات مدیره شرکتهای حداقل باید سه نفر باشند اما در لیست شما فقط مدیرعامل پذیرفته می شود. این در شرایطی است که کارگاههای ما اغلب توسط سهامداران یا اعضای هیات مدیره اداره می شوند. در حرفه های دیگر سرمایه گذار زیاد است اما در حرفه ما اغلب سرمایه گذار و مجری یکی است زیرا این امر به دلیل آشنایی آنها با کارهای

انتصاب نماینده تام الاختیار وزارت

راه در آزادراه تهران-شمال

با حکم وزیر راه و شهرسازی، علی نورزاد به عنوان نماینده تام الاختیار وزارت راه و شهرسازی و مجری پروژه قرارداد مشارکت برای احداث و بهره برداری از آزادراه تهران-شمال منصوب شد تا در چارچوب قوانین و مقررات و قراردادهای مربوطه، تصمیمات لازم برای اجرای مناسب و سریع پروژه مذکور را اتخاذ کند. وزیر راه و شهرسازی در حکمی، مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه را به عنوان نماینده تام الاختیار وزارت راه و شهرسازی و مجری پروژه قرارداد مشارکت برای احداث و بهره برداری از آزادراه تهران-شمال منصوب کرد. عباس آخوندی در این حکم خطاب به نورزاد آورده است: با استفاده از اختیارات حاصل از قوانین و مقررات از جمله قانون احداث پروژه های عمرانی بخش راه و ترابری از طریق مشارکت بانک ها و سایر منابع پولی و مالی کشور (مصوب سال ۱۳۶۶) و آیین نامه اجرایی آن (مصوب سال ۱۳۶۷) با اصلاحات بعدی، به موجب این حکم به عنوان نماینده تام الاختیار وزارت راه و شهرسازی و مجری پروژه موضوع تبصره (۳) ماده (۲) قرارداد مشارکت برای احداث و بهره برداری آزادراه تهران-شمال منصوب می گردید تا در چارچوب قوانین و مقررات و قراردادهای مربوطه، تصمیمات لازم برای اجرای مناسب و سریع پروژه مذکور را اتخاذ نماید. به منظور تسهیل انجام وظایف، اختیارات مذکور در مواد ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۹، ۵۲، ۵۳، ۸۳ و ۸۴ قانون محاسبات عمومی کشور و نیز تنظیم و مبادله هرگونه توافق آتی در خصوص طرح مذکور به جنابعالی تفویض می شود.

منبع: خبرگزاری ایسنا

کارگردان سازمان متبوع خود گذشته و کارفرما و بنگاه های ذیربط تسویه حساب کرده اند، برای چنین مواردی برنامه خاصی برای اصلاح این گردش کار وجود ندارد و موجب مشکلاتی جهت بعضی از همکاران شده است. آیا لازم نیست تکلیف این مشاغل از اول تعیین شود.

آقای قریب: مرجع تشخیص مشاغل سخت و زیان آور ادارات کل کار در استانها هستند و کمیته تشخیص مشاغل سخت و زیان آور در این زمینه کار می کنند و تامین اجتماعی فقط عضوی در آن دارد. بررسی این قبیل مشاغل بر اساس درخواست بیمه شده یا کارفرما صورت می گیرد. در ابتدای تاسیس کارگاه باید اعلام شود تا تصمیم گیری صورت گیرد. ممکن است شغلی در کارگاهی سخت و زیان آور باشد ولی در کارگاه دیگری با توجه به شرایط آن کارگاه، سخت و زیان آور نباشد. کارفرما هم ظرف ۲ سال باید نسبت به ایمن سازی کارگاه اقدام کنند. و به وزارت کار اعلام کند که حالت سخت و زیان آور بودن آن شغل را از بین برده است. اگر در ۲۰ سال گذشته به لیستها رجوع کنید می بینید که در بیش از ۹۰ درصد لیستها نوع شغلها قید نمی شد ولی اخیرا الزامی شده است و این امر به شناخت از کار سخت و زیان آور کمک می کند.

مهندس پورشیرازی: ما از گذشته دور در لیست مربوط به حرفه خودمان بالاجبار و به دلیل نوع کار از همان بدو امر نوع شغل را قید می کنیم و هر ماه لیست را نیز ارسال می نمایم اگر سئوالی یا بحثی هست چقدر در دوران کار مطرح نمی نمایند.

آقای گورابی: تامین اجتماعی مکلف است به مقررات عمل کند، برای آنچه مدنظر شماست باید آئین نامه جدیدی تنظیم شود. مثلا در رابطه با قرارداد پیمانکاری در شروع موضوع باید از طریق مراجع ذی صلاح پیگیری و آئین نامه لازم آن تهیه شود. البته محقق شدن آن برای تامین اجتماعی در دسرهای زیادی به همراه دارد و مرجع اقدام ادارات کل کار استانها می باشند.

اجرایی می باشد.

آقای قریب: این امر به صورت مطلق نیست و اگر واگذارکننده کار یکی از اعضای هیات مدیره را به عنوان مدیر پروژه تأیید کند، این امر پذیرفته و در لیست اعمال می شود.

مهندس پورشیرازی: لیست ما توسط کارفرما و مشاور تأیید می شود و ارسال می گردد و توقع عنایت به این امر را داریم.

آقای گورابی: اولویت اول سازمان تامین اجتماعی مشرتی مداری است. این سازمان با مشرتی مداری پویا و کارآمد می ماند. دولت



جدید نیز بر این مشرتی مداری پافشاری دارد و ما نیز به دلیل این که خود را مکلف به پاسخگویی می دانیم برخی تغییرات را در مورد توقعات و انتظارات منطقی، می پذیریم. البته ما با محدودیت منابع و موج افزایش جمعیت دریافت کننده خدمات مواجه هستیم و برای همین بهبود امور را مرحله به مرحله دنبال می کنیم. ما در همه امور مربوط به درآمد از جمله بخش پیمانکاران و هیات مدیره دنبال بازنگری مناسب با شرایط جامعه هستیم. از جمله اینکه بخشنامه ها و دستورالعملها بر مبنای خواسته صنوف تنظیم گردند تا حداقل انتظارات را جابگو باشیم.

در مورد افراد شاغل نیز دنبال آن هستیم تا افرادی را که به طور تمام وقت با قرارداد در ارتباط هستند منظور کنیم. شاید برای اولین بار است در شرکتها پیمانکاری موضوع بیش از یک نفر مطرح می شود، از این رو شما می توانید در این مورد پیشنهاد خود را ارائه دهید تا افراد دخیل (شاغل در قرارداد ۳۸ و ۴۱) را در ضریب اعمال کنیم.

مهندس پورشیرازی: در مورد بررسی شرایط مشاغل سخت و زیان آور در زمان درخواست بازنشستگی کارگر، چنانچه سالها از اشتغال

دکتر علی زاده: همه پیمانها یک یا دو سال دوره تضمین دارند در این مدت کنترل می شود که روند کار سالم باشد و معمولاً در این مقطع یک و یا دو نفر نیروی کار در محل پروژه حضور دارند. بسیاری از شعب شما از دریافت لیست پیمانکار در دوره تضمین (برای این افراد نگهبان) امتناع می کنند.

آقای گورابی: مبنای ما تاریخ ختم قرارداد است که به مثابه انجام کار می باشد. البته یک دوره رفع نقص وجود دارد که روش و تعداد آن را اعلام کرده اند. اگر شرکتی ادعا دارد در دوره تضمین افرادی در محل مستقر بوده اند با اعلام آنها به واحد ذیربط تأمین اجتماعی و پس از بررسی لازم قابل رسیدگی و دریافت خواهد بود.

دکتر علی زاده: ضمانت نامه پیمانکار تا تحویل قطعی نزد کارفرما می ماند و پیمانکار در اختیار کارفرما است. در دوره رفع نقص که معمولاً حدود یکماه است مشکلی نداشته ایم ولی در دوره تضمین که جزو قرارداد ما است و ضمانت نامه هم نزد کارفرما است مشکل داشته ایم.

آقای گورابی: در دوره تضمین امکان قرارداد نام افراد در لیست نیست ولی به طور موردی می توان موانع موجود را رفع کرد.

دکتر علی زاده: در شعب مختلف سازمان تأمین اجتماعی عدم وحدت رویه وجود دارد. برای برقراری وحدت رویه چه باید کرد؟

آقای قریب: بله؛ ما این نواقص را داریم. ولی برای اصلاح آن برنامه داریم از جمله آموزشهایی برای همکاران خود در تهران و استانها تدارک دیده ایم، علاوه بر آن شفاف سازی هم در دستورالعمل ما قرار دارد. تأمین اجتماعی سازمانی است با گستردگی و حجم عظیم خدمات، بالطبع با چنین مشکلاتی هم درگیر است و ما به دنبال رفع آن هستیم و احتمال دارد اشخاصی براساس برداشت نادرست از بخشنامه عمل کنند.

کارفرما اگر اعتراضی دارد به هیاتهای بدوی و کمیته های تجدیدنظر برای دریافت رای جدید اقدام کنند.

مهندس پورشیرازی: سندیکای ما در مورد بحثهای مختلف با سازمان شما جلساتی داشت در گذشته تعاملات سه جانبه گرایی حاکم بود و صورت جلسات فراوانی داریم حتی اصلاح همین ماده ۳۸ که بسیار کارساز شد که امروز خبری از آن نیست آیا با توجه به تغییر نگرش برگزاری مجدد جلسات سه جانبه گرایی تا چه اندازه امکان پذیر است. ما حتی مواردی داریم که کار تمام شده مفاصاحساب صادر شده لکن بعد از مدتی برگ مطالبه جدید صادر نموده اند باید تعاملات ما بیشتر باشد.

آقای قریب: مهم ترین و کلیدی ترین ابزار برای توسعه کشور سازمان تأمین اجتماعی است. ما در کنار شما هستیم و می دانیم تأمین امنیت خاطر کارگران به بالا رفتن بهره وری آنها می انجامد و بالا رفتن بهره وری به توسعه کشور می انجامد. آقای دکتر نوریخس نیز درباره شرکای اجتماعی و سه جانبه گرایی بسیار جدی عمل می کند.

دکتر علیزاده: برای احیای شورای عالی تأمین اجتماعی چه تدبیری اندیشیده شده؟ منابع سازمان تأمین اجتماعی حق الناس است. برای برقراری عدالت اجتماعی در مدیریت آن باید توازن میان دارندگان سهام آن ایجاد شود. زیرا ۷۰ درصد منابع آن را بخش کارفرمایی، ۲۱ درصد را بخش کارگری و فقط ۹ درصد آن را بخش دولتی تأمین می کند؛ در این مورد چه دیدگاهی دارید؟

آقای قریب: سازمان تأمین اجتماعی از لحاظ مالی و اداری استقلال دارد. ما به نیابت از کارگران و کارفرمایان ایفای وظیفه می کنیم و به مدیریت مصرف بهینه توجه داریم. دولت یک سری تعهداتی در قبال ما دارد که تا کنون نتوانسته به آن عمل کند. ولی با توجه به تعامل با بدنه دولت بهبود دیده می شود.

دکتر علی زاده: برای افزایش منابع تأمین اجتماعی چه تدابیری اندیشیده اید؟

آقای قریب: برای پایداری صندوق تأمین



سازمان مدیریت و برنامه ریزی احیاء شد

معاون نظارت و راهبردی رئیس جمهور اعلام کرد: شورای عالی اداری در جلسه عصر دوشنبه خود و در اجرای دستور رئیس جمهور موضوع احیاء و تشکیل سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور با سازمان های مدیریت و برنامه ریزی استانی از طریق ادغام دو معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی و توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور را تصویب کرد. به گزارش روابط عمومی معاونت نظارت و راهبردی رییس جمهور، محمدباقر نوبخت ادامه داد: همچنین مقرر شد میزان اختیارات، صلاحیت ها و چگونگی ارتباط و تعامل سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ها و استانداری ها در جلسه مشترکی که بین رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و وزیر کشور برگزار می شود، تعیین گردد. به عقیده کارشناسان، احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور علاوه بر اینکه موجب تسریع تحقق اهداف چشم انداز خواهد شد، تحول مثبتی در نظام برنامه ریزی، بودجه ریزی و ساختار اداری و در نتیجه توسعه همه جانبه کشور ایجاد خواهد کرد. احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به عنوان یکی از وعده های اصلی دولت تدبیر و امید محسوب می شد که حجت الاسلام والسلمین حسن روحانی رئیس جمهوری در شعارهای انتخاباتی خود، وعده تحقق آن را داده بود

منبع: ایرنا

وزیر راه با افزایش عوارض ۶ آزادراه بخش خصوصی موافقت کرد

وزیر راه و شهرسازی، پس از ۳ سال وقفه، با افزایش جزئی عوارض عبور از ۶ آزادراه کشور که با سرمایه گذاری بخش خصوصی احداث شده، موافقت کرد.

عباس آخوندی روز دوشنبه در حاشیه پنجاه و چهارمین کمیسیون ایمنی راه های کشور در گفت و گو با خبرنگاران، افزود: در سال جاری ۲۰ آزادراه افزایش عوارض نداشته و تنها با افزایش عوارض ۶ آزادراه بخش خصوصی موافقت شده است. وی تصریح کرد: طبق قانون عوارض عبور از آزادراه های بخش خصوصی باید متناسب با تورم سالانه افزایش یابد. وزیر راه با بیان آنکه رویه آسفالت یک سوم جاده های کشور در شرایط بسیار بدی قرار دارد، افزود: امسال تلاش شده که با افزایش عملیات روکش، آسفالت جاده های برخی از راه های اصلی کشور بهینه شود. وزیر راه و شهرسازی اظهار داشت: عملیات بهینه سازی رویه آسفالت برخی از جاده های کشور در سال جاری و ۳ سال گذشته ۱۱۰ درصد افزایش یافته تا برخی از راه های اصلی کشور از رویه آسفالت متناسب برخوردار شوند. وی افزود: عوارض آزادراه های کشور هزینه نگهداری جاده ها را تامین نمی کند با این حال دریافت این عوارض برای حفظ و نگهداری آزادراه ها ضروری است.

منبع: ایرنا

اجتماعی راهکارهای مختلفی ارائه شده از جمله:

۱- کنترل هزینه ها

۲- مدیریت منابع و بالا بردن افراد تحت پوشش

۳- کم کردن ضریب وابستگی یا ثابت نگه داشتن آن. در سال ۱۳۵۷ به ازای هر ۲۴ نفر ۱ نفر مستمری بگیر بود ولی در حال حاضر به ازای هر ۶/۵ نفر یک مستمری بگیر وجود دارد. با رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال جدید می توان این کار را انجام داد. همچنین در سند چشم انداز ۱۴۰۴ ذکر شده که واگذاری به بخش خصوصی بیشتر شود این اقدام بی شک نتیجه خواهد داد.

دکتر علی زاده به نظر می رسد باید در شرکتهای اقماری که کارهای اقتصادی انجام می دهند کنترل هزینه و مهندسی ارزش برقرار شود در این زمینه چه نظری دارید؟

آقای گورابی: واقعیت این است که در سازمان از ابتدا دغدغه منابع و حق الناس وجود داشته است. بعد از انقلاب همه متوجه شدند منابع آن حق الناس است و باید در حفظ و نگهداری آن کوشا باشند البته یک هجمه ناروا علیه سازمان وجود دارد که به نظر سیاه نمایی می رسد. و مباحث سیاسی به آن دامن زد.

دکتر علی زاده: به نظر می رسد هنوز سازمان تأمین اجتماعی این دیدگاه را ندارد که دولتی نیست. اغلب در نشستهای سه جانبه گرای، مدیران آن به نمایندگی از طرف دولت حاضر می شوند

آقای قریب: به نظر ما دولت و ملت از هم جدا نیستند. ما برای برآورده کردن نقش خود از نظرات کارشناسان دولتی نیز استفاده می کنیم. سازمان تامین اجتماعی نهادی عمومی غیردولتی است ولی وظیفه حاکمیتی هم دارد از جمله متوقف شدن حقوق مستمری بگیران مسائل زیادی را به همراه دارد. در ارتباط با قانونگذاری هم با مجلس تعامل داریم و حامی منافع بیمه شدگان از دید کارشناسی و استانداردها هستیم و هم با دولت تعامل مناسب و خوبی را داریم. همچنین با تشکلهای کارفرمایی و کارگری ارتباط مستمر و مؤثری را داریم که در پیشبرد اهداف سازمانی و پایداری سازمان مثمرتر خواهد بود.

معاون مالیات بر ارزش افزوده سازمان امور مالیاتی کشور حرکت دولت از مالیات بردرآمد

نمایندگان سندیکای شرکتهای ساختمانی روز ۵ آبان در معاونت مالیات بر ارزش افزوده حضور یافتند، تا با آقای علیرضا طاری بخش معاون محترم مالیات بر ارزش افزوده به گفتگو بنشینند. در این دیدار مهندس پورشیرازی عضو کمیسیون انتشارات، دکتر غلامرضا علیزاده و خبرنگار و عکاس ماهنامه پیام آبادگران حاضر بودند.

دکتر علیزاده از آقای طاری بخش به خاطر فراهم ساختن فرصت این مصاحبه تشکر و قدردانی کردند و متقابلاً ایشان نیز از گردانندگان ماهنامه پیام آبادگران برای برگزاری این مصاحبه سپاسگزاری نمودند و سئوالهای مصاحبه به شرح زیر ارائه و پاسخهای لازم داده شد.

بر ارزش افزوده بود و لایحه آن به مجلس ارسال شد و تصویب گردید ولی به دلیل مسائل جنگ متوقف شد. سرانجام در سال ۱۳۸۷ این قانون به تصویب نهایی مجلس رسید. سازمان خود را آماده کرده بود که سال بعد از تصویب آن را اجرا کند ولی از همان چند روز باقیمانده به نیمه دوم همان سال اجرایی شد. مالیات بر ارزش افزوده چند هدف عمده داشت:

۱. تامین منابع مالی مستمر برای دولت که در سال ۱۳۹۱ حدود ۱۰۲ درصد بودجه پیش بینی آن، محقق شد و در سال ۱۳۹۲ حدود ۱۱۰ درصد مبالغ تعیین شده برای آن تحقق یافت. باید یادآوری کنم محاسبه مالیات بر ارزش افزوده با فرمول دقیقی صورت می گیرد که تابعی از تولید ناخالص داخلی (G.D.P) سالانه کشور محاسبه و در قوانین بودجه سنواتی لحاظ می گردد.

۲. هدف بعدی این بود که کم کم مالیات به سمتی برود که از مالیات بر منبع درآمد به سمت مالیات بر مصرف سوق داده شود. در حال حاضر سهم مالیات عملکرد، به شدت کم شده چون دولت بار فشار را از مالیات بر درآمد کم کرده به سمت مالیات بر مصرف سوق داده است. علاوه بر این به منظور کاهش مالیات بردرآمد ضریب مالیاتی برخی از مؤدیان در جدول ضرایب مالیاتی کاهش یافته است.

مهندس پورشیرازی: در تاریخ ۲۸/۱۰/۸۸ که قانون مالیات مستقیم تصویب شد همزمان ۲۱ برنامه رسانه ای اعم از دیداری و شنیداری برای آن تهیه و اطلاع رسانی در سطح جامعه گردید ولی قانون مالیات بر ارزش افزوده در تاریخ ۲۶ مهر ۱۳۸۷ تصویب شد و ۴ روز بعد بدون آئین نامه وارد مرحله اجرا شد و به همین دلیل مسائل و مشکلات زیادی را به همراه داشت. در هر حال اعضای سندیکای شرکتهای ساختمانی به عنوان یکی از قدیمی ترین تشکل ایران درباره مالیات بر ارزش افزوده مشکلات زیادی دارند، به همین دلیل برای دریافت پاسخ سوالاتی که برای مدیران سندیکا و شرکتهای عضو وجود دارد در این جلسه حاضر شده ایم.

دکتر علیزاده: اصولاً دولتهای خدمتگزار با دریافت مالیات امور خود را اداره می کنند ولی علی رغم تلاشهای مستمر دریافت مالیات عادلانه، محقق نشده است. در عین حال مالیات بر ارزش افزوده هم (که آقای زیمنس آن را مالیات بر مصرف کننده نهایی می نامد) وارد چرخه مالیاتی کشور شده است، که در لایه های مختلف صنوف برخی مفاهیم و مضامین آن به طور مشخصی تعریف نشده اند به ویژه در مورد شرکتهای فعال در ساخت امور زیربنایی کشور، این مغایرت بیشتر مشهود است، از جمله به گمان همگان صورت وضعیتها به مثابه پیش فاکتور است و فاکتور نهایی نیست. لذا لازم است اصلاحات لازم در مکانیزمهای ارزش افزوده، متناسب با این صنف انجام شود. زیرا در پیش فاکتور تغییرات زیادی تا رسیدن به مرحله فاکتور انجام می شود و به همین دلیل به منزله فاکتور نهایی نیست. مضاف بر این که پیمانکار مصرف کننده اصلی نیست که مالیات بر ارزش افزوده را ادا کند، بلکه مصرف کننده نهایی پروژه، کارفرماست. اما متاسفانه نه تنها مالیات بر ارزش افزوده را از پیمانکاران می خواهند بلکه جریمه دیرکرد آن را نیز به صورت تصاعدی از وی مطالبه می کنند.

آقای طاری بخش: ضمن خوشامدگویی، خدمت شما بزرگواران لازم است عنوان کنم: مالیات بر ارزش افزوده در سال ۱۹۱۸ توسط فون زیمنس آلمانی مطرح شد. وی دنبال این بود که هزینه های جنگ جهانی را تامین کند منتهی اولین کشور اجرا کننده آن فرانسه بود. در ایران از سال ۱۳۶۶ دولت وقت به دنبال اجرایی کردن مالیات

د به سمت مالیات بر مصرف



مهندس پورشیرازی: در مملکت ما به دلایل خاص خود بیشتر معاملات و قراردادهای تعهدی است و نقدی نیست در حالی که در مقوله ارزش افزوده نگاه به صورت مطلق نقدی است. ثبت دفتری خوب است اما اگر قرار باشد به طور مداوم دفاتر اصلاحیه بخورد، پیمانکار در مالیاتهای تکلیفی با میزبان مشکل خواهد داشت، اگر در بازنگری به مالیات بر ارزش افزوده، حالت تعهدی را برای برخی جزف خاص فرض داشته باشیم قسمتی از مشکل حل می شود. میزان زیادی از بودجه کشور را سازندگان مصرف می کنند که باید به آنها هم در قانون توجه شود. پیمانکاران فشار دو جانبه ای را هم از طرف وزارت دارایی و هم از طرف کارفرماها را تحمل می نمایند. اما در مالیاتهای تکلیفی تقریباً مشکلی وجود ندارد چون در زمان تهیه و تصویب آن در سال ۸۰ موضوع مورد توجه قرار گرفت. نکته دیگر اینکه در قانون مالیات بر ارزش افزوده زمان رسیدگی هم مشخص نیست و امیدواریم در بازنگری مورد توجه قرار گیرد.

بیشتری می کنیم و می گوئیم مؤدی وقتی صورت وضعیت را صادر کرد مستند داخلی شرکت است و باید در دفاتر قانونی ثبت شود. ولی قطعاً صورت وضعیت وحی منزل نیست و در مرحله کنترل توسط کارفرما ممکن است صورت وضعیت تعدیل شود و حدوداً ۱۰ درصد آن توسط کارفرما کم شود. بر همین اساس حسابداری برای آن راهکار داده که در صورت تعدیل توسط کارفرما، قیمت تعدیل در دفاتر انجام و با تعدیل اعمالی کارفرما، هم درآمد و هم مالیات بر ارزش افزوده تعدیل خواهد شد.

دکتر علی زاده: ممکن است صورت وضعیتی چند سال در واحدهایی از سازمان کارفرمایی متوقف بماند. بحثی بین حسابداری نقدی و اعتباری به وجود می آید که در این زمینه، در تعریف وحدت رویه نداریم و استاندارد شماره ۹ حسابداری نیز در این مورد از جامعیت کافی برخوردار نیست. ضمن اینکه در موارد زیادی تا ۵۰ درصد صورت وضعیت توسط بخش کارفرمایی تعدیل می شود.

۳. دولت به دنبال این است که از طریق توسعه دامنه شمول قانون مالیات بر ارزش افزوده، زمینه فرهنگ سازی آن را برای مؤدیان عینیت بخشد و مالیات تولیدکنندگان را کم کند. با این توضیح که قرار نیست خود مؤدی که فراخوان شده مالیات بدهد بلکه باید آن را از مصرف کننده نهایی وصول کند و پرداخت نماید. تحقق این امر به شرطی است که زیرساخت زنجیره های فرایندی آن آماده باشد و مؤدیان قانون را درست اجرا کنند، این مالیات در طول حلقه ای از جمله واردات، تولید، خدمات و توزیع وصول می شود و بار مسئولیت مالیات بین مؤدیان حاضر در زنجیره مالیات بر ارزش افزوده تقسیم می شود.

در بحث پیمانکاری ما باید چند الزام را در نظر بگیریم از جمله اصول حسابداری و حسابداری و استانداردها، که سازمان ما تابع آن است. در بحث پیمانکاری استاندارد شماره ۹ حسابداری مطرح است که طبق آن درآمد، براساس پیشرفت کار شناسایی می شود. البته ما ملاحظه

آقای طاری بخش: در اصول حسابداری

دو روش شناسایی درآمد وجود دارد. در روش تعهدی و روش نقدی. در روش تعهدی وقتی کالایی را می‌فروشید یا خدماتی ارائه می‌دهید فارغ از اینکه چه زمانی پول را دریافت می‌کنید و یا وجه صورت وضعیت را دریافت می‌کنید، باید این صورت وضعیت در دفاتر قانونی ثبت شود. البته می‌توانید هزینه‌ای هم که شناسایی شده را فارغ از پرداخت آن ثبت کنید. در روش نقدی که عموماً توسط دولت به کار می‌رود ثبت به محض پرداخت وجه صورت می‌گیرد. اما روش حسابداری ایران اجازه نمی‌دهد روش نقدی را انتخاب کنیم در ضمن، این روش از آنجایی بهتر است که به ما توان آن را می‌دهد که در مرحله تحقق درآمد آن را کنترل کنیم و اما دلیل سوم، در مورد زمانی که نرخ متغییر است و ما می‌خواهیم مبنای تغییر دهیم یعنی درآمد در سالی که شما وجه صورت وضعیت را دریافت می‌کنید، محقق شود، تفاوت نرخ به وجود می‌آید. البته ما بحث تکرار در تعدیل را توصیه نمی‌کنیم بلکه ثبت اولیه و ثبت تعدیل صورت وضعیت را بعد از تأیید کارفرما پیشنهاد می‌کنیم. به هر حال برای رفع مشکلاتی از این دست در بازنگری قانون موادی لحاظ شده است که دو مورد از آنها کلیدی تر هستند:

۱. سازمان مالیاتی می‌تواند به سراغ هر خریدار یا کارفرما (که مالیات را پرداخت نمی‌کند، در صورتی که فروشنده یا ارائه‌کننده خدمات، عدم اجرای قانون توسط خریدار کالا و خدمات را گزارش کند) برود و مالیات و عوارض را دریافت و به جای وی به حساب دولت واریز کند.
۲. در بخشهایی که شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی کارفرما هستند اداره مالیاتی می‌تواند گرفتن مالیات را بر دوش آنها بگذارد. یعنی بار مسئولیت از دوش



در بخشهایی که شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی کارفرما هستند اداره مالیاتی می‌تواند گرفتن مالیات را بر دوش آنها بگذارد. (ماده ۳۵) یعنی بار مسئولیت از دوش پیمانکار برداشته شده و بر دوش کارفرما گذاشته می‌شود.

پیمانکار برداشته شده و بر دوش کارفرما گذاشته می‌شود. این دو ماده می‌تواند اغلب مشکلات پیمانکاران را حل کند.

دکتر علی زاده: صورت وضعیتهایی که صادر

می‌شود نوعی برآورد پیشرفت کار و پیش فاکتور است و عمل نمی‌توان آن را در دفاتر ثبت کرد. مضاف بر اینکه در طی زمانی که به صورت وضعیتها پرداخته می‌شود با دو مشکل روبرو می‌شویم. از طرفی تعهدات را نمی‌توانیم انجام دهیم و از طرفی دچار جرائم می‌شویم. اگر بخواهیم آن را از جیب شخصی پرداخت کنیم، صندوق ما بستانکار می‌شود. ضمن اینکه در مورد استاندارد شماره ۹ نیز مشکل تعریف مفهومی داریم و تفسیر به رأی در آن دیده

می‌شود. باید وحدت رویه و برداشت مشابه به وجود آید.

آقای طاری بخش: یک بنگاه اقتصادی در شرایط عادی برای فروش باید فاکتور بدهد. به هر حال احتمال عدم تحقق معامله علی‌رغم صدور فاکتور یا حتی صورت وضعیت همه جا وجود دارد و فقط مخصوص صنف شما نیست. ضمن اینکه در پیمانکاری صورت وضعیت نباید بر اساس برآورد غیر واقعی صادر شود و باید مبنای واقعی داشته باشد. در هر صورت در شرایط عدم تحقق معامله کل مبلغ درآمد و مالیات و عوارض ارزش افزوده آن نیز در دفاتر برگشت خواهد شد.

دکتر علی زاده: نباید امور موردی و استثناء را با روند عرفی و قاعده کنار هم قرار دهیم.

مهندس پورشیرازی: صورت وضعیت

پیمانکاران واقعی هستند. چون بر اساس صورت جلسات اجرایی تنظیم می‌شود لکن سلیق کارفرمایی به صورت موقت آن را اصلاح می‌کند که وجه کمتری بدهند.

آقای طاری بخش: به هر حال صورت وضعیت

و حی منزل نیست و من کمتر دیده‌ام به طور کامل توسط یک کارفرما تأیید شود. عموماً هر صورت وضعیت با درصدهای متفاوت تعدیل می‌شود. تعدیل امری بدیهی است و ما نیز آن را می‌پذیریم ولی درباره برآورد آخر سال، چون استاندارد آخر سال است، هم شما و هم ما مکلف به شناسایی و اجرای کسورات بر آن اساس هستیم. البته روش ما برای بررسی پیشرفت کار از طریق هزینه است. بهتر است در این مورد بین پیمانکاران و همکاران تعامل و تفاهمی ایجاد شود.

مهندس پورشیرازی: ضمن تشکر از



جنابعالی که فرمودید صورت وضعیت وحی منزل نیست و کمتر دیده شده که به طور کامل تأیید شود، پس عنایت فرمایید و دستور لازم بفرمایید. ضمناً چرا زمان برای رسیدگی در مالیات تکلیفی مشخص شده است اما در مالیات بر ارزش افزوده زمان رسیدگی و بررسی باید متفاوت باشد؟

آقای طاری بخش: در قانون مالیات مستقیم و ارزش افزوده اصل بر خود ابرازی است. اما اینکه چرا ما دیر رسیدگی می‌کنیم، به این دلیل است که در قانون مالیات بر ارزش افزوده مرور زمان وجود ندارد و علاوه بر این به دلیل جدید بودن قانون، روشهای حسابرسی آن در سالهای اولیه اجرای قانون هنوز تدوین نشده بود. هنوز مهمترین رکن تشخیص مالیات بر ارزش افزوده صورت وضعیت است. اول باید مؤدی برای رسیدگی اعلام آمادگی کند. در ارزش افزوده، واقع بین هستیم و اگر مؤدی حداقل همکاری را کند علی‌الرأس نمی‌شود. اگر مؤدی در ارائه مستندات همکاری نکرد با تخمین و برآورد فروش و درآمد نسبت به مطالبه مالیات اقدام می‌کنیم.

مهندس پور شیرازی: صنف سازندگان زیربنایی منصفانه بیشتر این همکاری را داشته و دارد لکن ضوابط اشتباه ما را گرفتار کرده است ضمن اینکه ممیز شما یک سال بعد رسیدگی می‌کند.

آقای طاری بخش: برای مالیات بر ارزش افزوده ۴ اظهارنامه در سال باید ارائه شود. کمبود نیرو هم داریم. اگر مؤدی مالیات واقعی را ابراز کند اگرده سال بعد هم به آن رسیدگی شود باز تفاوتی دیده نمی‌شود که ناچار از مطالبه جریمه باشیم. اما چرا جریمه را از مبدا انقضای تسلیم اظهارنامه دریافت می‌کنیم؟ چون از زمان تحقق معامله مؤدی مکلف بوده مالیات را از خریداران کالا و خدمات دریافت و به دولت پرداخت کند، و ممکن است گرفته باشد و به ما تحویل نداده باشد و مبنای آن

تاریخ انقضای اظهارنامه است.

مهندس پور شیرازی: در این مورد وضعیت شرکتهای پیمانکار ساختمانی با هیچ کدام از صنوف همخوانی ندارد. روش کار ما فرق می‌کند. پیمانکار به نوعی کارمند است و در این مورد مسئولیتی متوجه وی نمی‌شود. سوال بعدی من این است که چرا علی‌رغم اینکه فروشندگان در سایت شما گواهی گرفته‌اند، اما در مقطع رسیدگی ناگهان فاکتور نامعتبر اعلام می‌شود در حالیکه فاکتورها واقعی و معامله معتبر بوده است و فهرست را شما در سایت اعلام کرده‌اید.

آقای طاری بخش: فروشندگان طبق قانون تجارت یا اهلیت دارند یا ندارند. گاه معامله درست است اما فاکتور داده نمی‌شود یا از فرد دیگری که فاکتور نمی‌دهد، خرید شده؛ گاه فاکتور به جای شرکت فروشنده توسط فرد حقیقی صادر می‌شود. در قانون ارزش افزوده، فاکتور خرید، علاوه بر کارکرد معمولی خود قبض پرداخت مالیات است. در ضمن با اینکه ما به شرکتهای کد فروش، گواهی داده‌ایم اما تضمین نداده‌ایم که خرید صوری و غیرواقعی از وی را قبول می‌کنیم بلکه معامله باید واقعی و طبق قانون تجارت باشد. مالیات گرفتن برای خدمت کردن به مردم و راضی نگه داشتن آنهاست. ما دقت می‌کنیم خدمات خوبی ارائه بدهیم اما پیمانکاران نیز باید بکوشند برای خرید مواد و مصالح سراغ افرادی بروند که اهلیت و رسمیت دارند و وجود خارجی

آنها محرز است.

مهندس پور شیرازی: در مورد کد فروشی باید گفت پیمانکار دستگاه امنیتی نیست و فقط خرید می‌کند و تقصیری در این باره ندارد. باید مسائل کدهای اقتصادی بازنگری شود تا وقتی پیمانکار خرید می‌کند بی جهت جریمه نشود. مضافاً اکثر خریدهای پیمانکاران از وام بزرگ صنعتی است و مکرر باید گفت اگر به متن قانون توجه بشود کمترین عنایت به سازندگان نشده و بیشتر بازگونه دیده شده است.

آقای طاری بخش: ما قبول داریم شما دستگاه امنیتی نیستند اما باید بدانید کد فروش برای صدور فاکتور تاسیس شده و خیلی‌ها عملاً و عماداً صرفاً برای دریافت فاکتور به آنها مراجعه می‌کنند. کد فروشها شرکتهای کاغذی و صوری هستند که تاسیس شده‌اند. جا و مکان مشخصی ندارند و وجوه نقد و دارایی مشخص هم ندارند. اگر امکان وصول مالیات بود از کد فروشها می‌گرفتیم. ولی کد فروشها اثری از خود برجا نمی‌گذارند و اصولاً برای فعالیت تشکیل نشده‌اند.

دکتر علی زاده: با توجه به جرایم قبلی، آیا این جریمه قابل برگشت هستند یا می‌توان آنها را تهاتر کرد و به حساب مالیاتهای بعدی پیمانکاران گذاشت؟

استخدام کردیم با توان بیشتری خدمات بهتری را به مودی ارائه خواهیم داد.

مهندس پورشیرازی: با توجه به توضیحات حضرتعالی و قبلاً هم بیان نمودم و در این شرایط اظهارنامه سه ماهه کار شما را بی جهت زیاد کرده است منطقی است اظهارنامه را شش ماهه یا یکساله کنید. چون اشکالات اجرایی فعالان پیمانکاری ساختمانی را نیز دچار مشکل کرده است.

آقای طاری بخش: در مورد نکته اول به موجب ماده ۱۰ قانون فعلی وزیر امور اقتصادی و دارایی مجاز است که دوره مالیاتی را به طور کلی افزایش یا کاهش دهد. علت ۳ ماهه بودن به دلیل بحث وصول مالیات است که اگر موضوع وصول مالیات در کمتر از سه ماه حل شود می توان تکلیف اظهارنامه را ۶ ماهه یا حتی یکساله تعیین نمود.

مهندس پورشیرازی: در مورد مفاسد حساب در ماده ۲۳۵ مالیاتهای مستقیم مفاسد حساب مطرح شده ولی در اینجا مطرح نمی شود. بر اساس قانون مالیات مستقیم اگر پیمانکار زمانی برای انجام کاری مفاسد حساب لازم داشته باشد می تواند آن را اخذ کند اما کارشناسان مالیاتی ارزش افزوده صراحتاً از آن امتناع می کنند.

آقای طاری بخش: در قانون ارزش افزوده، مفاسد مطابق قانون مالیاتهای مستقیم وجود ندارد. شرط دادن مفاسد رسیدگی و تعیین تکلیف مودی است. در حال حاضر هم برای گواهی ماده ۱۷۸ یا ۱۸۶ (برای کارت بازرگانی) مراجعه می کنند که ما به وضعیت رسیدگی و گواهی می دهیم.

مهندس پورشیرازی: قبول کنید صنف سازندگان زیربناهای اصلی، خطای کمی



آقای طاری بخش: با توجه به اهمیت روز افزون مالیات، سازمان مالیاتی به این فکر است که نیروهای مناسب را استخدام و آموزش آنها را عهده دار شود. آموزش مودیان نیز در راستای اجرای صحیح قانون موثر است. از طرفی ممیزان باید زبان مشترکی با مودیان داشته باشند

آقای طاری بخش: با توجه به اهمیت روز افزون مالیات، سازمان مالیاتی به این فکر است که نیروهای مناسب را استخدام و آموزش آنها را عهده دار شود. آموزش مودیان نیز در راستای اجرای صحیح قانون موثر است. از طرفی ممیزان باید زبان مشترکی با مودیان داشته باشند. نیروها اغلب آموزشهای کلاسیک می بینند ولی ما علیرغم این مسئله کارگاه آموزشی هم می گذاریم. البته برای برگزاری کارگاه سطحی از تجربه و علم لازم است. لازم می دانم یادآوری کنم اگر ما در گذشته خدمات بهتری ارائه می دادیم علت آن بود که تراکم کار به این اندازه نبود. الان حجم کار حوزه ها ۳ برابر شده است. ان شاء... در آینده با هشت هزار نیرو که سال قبل

آقای طاری بخش: ما نهایت تعامل با پیمانکاران را داشتیم به خصوص با کسانی که از دولت طلبکار بودند، استدلال ما این است که پیمانکاران از خزانه طلبکار هستند و به همان خزانه هم بدهکار هستند. در مورد بحث جرائم باید گفت جرائم دو بخش دارد. عدم انجام تکالیف که در آن کارفرما مقصر نیست. بخشی از آن مربوط به تاخیر است که کارفرما مقصر است. ما جریمه انجام عدم تکالیف را پیگیری می کنیم اما در مورد بدهکاران به سراغ آنها نمی رویم ولی باید از دولت تأییدیه طلبکاری بیاورند. اما در مورد جریمه ما طبق قانون مطالبه می کنیم ولی معمولاً جرایم تاخیر که کارفرمای دولتی قصور داشته را وصول نمی کنیم.

مهندس پورشیرازی: اطلاع رسانی در مورد ارزش افزوده کم است و این سازمان باید در مورد تربیت نیروی انسانی و اطلاع رسانی خود کار کند. همه جای دنیا اصل مالیات برخود اظهاری است اما در این مورد در کشور ما اطلاع رسانی کافی صورت نگرفته است. مضافاً مجدداً می گویم باید قانون یکسونگری نداشته باشد این صنف سازنده که واسطه است تاکنون بیشترین فشار و صدمه را دیده است لطفاً توجه بیشتر در اصلاح قانون منظور شود و از این گروه نماینده جهت توضیحات خواسته شود.



برای همکاران کارگاههای مشترک چند ماهه می‌گذاریم. در مورد همکاران شما نیز می‌توانیم مودیان را آموزش دهیم. ضمن اینکه در گذشته در مالیات بر ارزش افزوده برداشتهای مختلف وجود داشت. اما در حال حاضر هر چه زمان می‌گذرد وضعیت روان‌تر می‌شود ولی باز هم نیاز به اطلاع‌رسانی و آموزش ماموران و همکاران شما وجود دارد.

در پایان جلسه از آقای طاری بخش برای فراهم ساختن امکان این مصاحبه مجدداً سپاسگزاری و قدردانی شد و ایشان نیز متقابلاً از گردانندگان ماهنامه پیام آبادگران برای تدارک این نشست تشکر کردند.

مهندس پورشیرازی: بدانید با تمام این گرفتنها همه پیمانکاران حداقل از دو سال پیش روزانه را طلبکار می‌باشند پس به بخش خصوصی ندادند.

دکتر علی‌زاده: تصویر و تصور از ارزش افزوده مثل فیل مولانا شده و هر کسی از ظن خود آن را تفسیر می‌کند. برای اینکه وحدت رویه ایجاد شود فکر نمی‌کنید بهتر است پیمانکار، کارفرما و بخش مالیاتی توجیه یکسانی داشته باشند. و با نشستهای دوره ای تلقی یا برداشت آنها به واقعیت روح قانون نزدیک شود؟

آقای طاری بخش: برای ایجاد درک مشترک،

دارند. این صنف از دو طرف تحت فشار هستند. آنچه در این مملکت هست و ساخته شده حاصل فعالیت آنهاست. لطفاً در بازنگری قانون، به مسائل این صنف بیشتر بپردازید. و با این سندیکا همفکری نمایید.

آقای طاری بخش: شاید یکی از صنف‌ها که در اصلاحیه مورد توجه ما بود پیمانکاران زیربنایی بودند. اگر تامین منابع دولت از محل ارزش افزوده نبود شاید همین پرداختها به پیمانکاران انجام نمی‌شد چون دولت برای تامین منابع و پرداخت پول پیمانکاران از این سازوکار استفاده می‌کند.

«دستگاه حفار هیدرولیک»

یک دستگاه حفار هیدرولیکی ۴۱۶ - R
SOILMEC مدل ۲۰۰۵ بفروش می‌رسد.

تلفن تماس: ۰۷۱-۳۲۳۳۸۳۵۴



وسته

۱. دو دستگاه تاور کرین POTAIN

نو-آماده واگذاری

۲. جرثقیل پشت کامیون

هیاب سوئد - HIAB
در حد نو-آماده واگذاری

شماره تماس:

۰۹۱۲۳۴۸۴۷۱۵



مکاتبات سندیکا:

درخواست تهاتر مالیاتهای تکلیفی با مالیاتهای عملکرد، سندیکای شرکتهای ساختمانی همواره به دنبال یافتن راه حلهای مناسب و قانونی برای رفع مشکل شرکتهای عضو و کوتاه سازی فرایندهای

اداری آن می باشد در فرازی از فعالیتها، سندیکا طی نامه ای تهاتر میان مالیاتهای تکلیفی شرکتهای عضو را با مالیاتهای عملکرد به ریاست محترم سازمان امور مالیاتی کشور پیشنهاد کرده است. متن نامه جهت اطلاع همگان درج می شود.



سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

تاسیس: ۱۳۲۶

تاریخ: ۹۳/۹/۱۱

شماره: ۹۳-۴۹۲۳۱

پیوست:

شماره ثبت: ۹۴

به هم خدا

وزارت امور اقتصاد و دارایی

ریاست محترم سازمان امور مالیاتی کشور

جنور گرامی جناب آقای دکتر علی عمکری

پس از سلام،

احتراماً، پیرو نامه شماره ۴۸۰۳۴-۹۳ مورخ ۹۳/۱۰/۳۰ با حضور می رساند اغلب شرکتهای عضو این سندیکا بابت عملکرد مالی خود از اداره امور مالیاتی مبالغی را بستکار و از بابت مالیات تکلیفی نیز مبالغی بدستکار میباشند. با توجه به اینکه غالباً مطالبات مالیات عملکرد پیش از بدبی مالیات تکلیفی ایشان است و نیز شخصیت حقوقی واحدی در ارتباط با سازمان واحد (سازمان امور مالیاتی) بستکار و بدستکار می باشد، خواهشمند است به منظور کاهش فرآیند تسویه مالیاتی، در مباحث دریافت مالیاتهای اشخاص حقوقی با تهاتر مالیات تکلیفی و عملکرد شرکتهای موافقت فرمایید که در این صورت به میزان مناسبی از پیگیری ها کاسته و موجب پرداخت سریع و آسان بدبی مالیات تکلیفی شرکتهای می گردد. قبلاً موجب شکر است.

باتقدیم احترام

دکتر سید بهمن دادمان

دیر

آدرس: تهران خیابان طالقانی - خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی) - شماره ۸۶ - کد پستی: ۱۴۱۶۹۶۴۶۹۱
www.acco.ir info@acco.ir

تلفن: ۶۶۴۶۹۱۰۵ - ۶۶۴۰۲۰۳۷ - ۶۶۴۶۰۱۹۵ - ۶۶۴۴۲۶۱ (ده خط) فاکس: ۶۶۴۶۴۰۸۴



سندیکای شرکتسای ساختمانی ایران

تاریخ: ۹۳/۸/۲۷

شماره: ۹۳-۴۹۱۱۶

پیوست:

شماره ثبت: ۹۴

تاسیس: ۱۳۲۶

«بنام خدا»

جناب آقای مهندس رضوی
مدیر عامل محترم شرکت ساختمانی - تاسیساتی کاربر دکا
موضوع: تعدیل کارهای اضافی در قرارداد منقده بر اساس بخشنامه مترمربع زیر بنا

پس از سلام

به پیوست یک برگ تصویر جوابیه شماره ۹۷۷۵۷ مورخ ۱۳۸۱/۸/۱۸ مور نظام فنی اجرایی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور در ارتباط با تعدیل کار اضافی بر اساس بهای واحد ردیف های فهرست های منضم به بیان در قرارداد منقده آن شرکت، بر اساس بخشنامه مترمربع زیر بنا به انضمام اخطار نظر شماره ۴۸۸۵۳-۹۳ مورخ ۱۳۸۱/۷/۲ این سندیکا، جهت حرکت اقدام مقتضی ارسال می گردد.

باتقدیم احترام

دکتر سید بهمن وادان

دیر

آدرس: تهران خیابان طالقانی - خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی) - شماره ۸۶ - کد پستی: ۱۴۱۶۹۶۴۶۹۱
www.acco.ir info@acco.ir

تلفن: ۶۶۴۶۹۱۰۵ - ۶۶۴۰۲۰۳۷ - ۶۶۴۶۰۱۹۵ - ۶۶۴۶۴۲۶۱ (ده خط) فاکس: ۶۶۴۶۴۰۸۴

شماره: ۹۷۷۵۷
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۸/۱۸
پوست: ندارد



جمهوری اسلامی ایران
معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور

بسم تعالی

دبیر محترم سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران
موضوع: بخشنامه متر مربع زیربنا

با سلام و احترام

بازگشت به نامه شماره ۴۸۸۵۳-۹۳ مورخ ۹۳/۷/۲ و ضمایم آن تصویر نامه شماره ۰۷/۰۵/۷۰۷ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۵ شرکت کاربرد کار به آگاهی می‌رساند در قراردادهای منعقد شده با بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۴۲۸۲۵ مورخ ۱۳۸۵/۸/۲۴ عبارت مندرج در تبصره بند ۲ ماده ۲۹-۵ قرارداد مورد نظر بدور از ضوابط ابلاغی این معاونت تنظیم شده است. لازم به توضیح است که مسئولیت رعایت ضوابط ابلاغی با دستگاه مناقصه گزار است گرچه از طریق عبارت یاد شده و منتظر حقوق قراردادی حق مورد نظر برای پیمانکار ایجاد گردیده است.

غلامحسین حمزه مصطفوی
ریس امور نظام فنی

ش.ش: ۴۶۳۸۸۸

تهران - میدان بهارستان - خیابان دانشسرا - مرکز تلفن: ۲۲۷۷۱ - ۲۲۷۷۲ - ۲۲۷۷۳ - ۲۲۷۷۴ - ۲۲۷۷۵

تسلیت

جناب آقای مهندس سیدعلیرضا شاهمرادی
مدیرعامل محترم شرکت عمران و نوسازی کرمانشاهان

با دريغ و تأسف خبر درگذشت پدر گرامی آنجناب را دریافت کردیم. این مصیبت بزرگ را به جنابعالی و خانواده محترم آن مرحوم تسلیت عرض می‌نماییم. برای آن عزیز درگذشته علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

هیأت مدیره و بازرسان سندیکای شرکتهای ساختمانی